



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

چهل حدیث موضوعی



سید محمد حسینی بھارانچی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل حدیث موضوعی

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | چهل حدیث موضوعی |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۰ | انگیزه تالیف |
| ۱۱ | ۱- پاداش حفظ چهل حدیث |
| ۱۱ | ۲- برکات مذاکره حدیث |
| ۱۲ | ۳- هدف از خلقت |
| ۱۵ | ۴- درجات عبادت |
| ۱۵ | ۵- تقدیرات حکیمانه خداوند |
| ۱۶ | ۶- انتشار فرزندان آدم (علیه السلام) |
| ۱۹ | ۷- علت ابتلای یعقوب (علیه السلام) |
| ۲۳ | ۸- ازدواج یوسف با زلیخا |
| ۲۴ | ۹- غرق شدن فرعون در دریا |
| ۲۴ | ۱۰- ابتلای ایوب (علیه السلام) |
| ۲۸ | ۱۱- معنای «قاب قوسین او أدنی» |
| ۳۰ | ۱۲- نیاز مردم به پیامبر و امام (علیهما السلام) |
| ۳۱ | ۱۳- اختصاص لقب أميرالمؤمنین به علی (علیه السلام) |
| ۳۲ | ۱۴- او «قسیم الجته و النار» است |
| ۳۴ | ۱۵- پسر عم و ارث شد و عم و ارث نشد؟! اشاره |
| ۳۴ | اشاره |
| ۳۸ | علی علیه السلام در جنگ تبوک نبود و دو سهم از غنائم را گرفت! |
| ۴۰ | ۱۶- چرا پیامبران گاهی غالب و گاهی مغلوب می گردیده اند؟ |
| ۴۳ | ۱۷- اسرار و علل احکام |

- ۴۸ ۱۸- علت عذاب و فشار قبر
- ۵۰ ۱۹- فلسفه وجوب نماز
- ۵۰ ۲۰- خوندن نماز ها در سه وقت
- ۵۰ اشاره
- ۵۲ چرا بر خوراکی و پوشاکی نمی توان سجده کرد؟
- ۵۴ ۲۱- حرمت ربا
- ۵۵ ۲۲- حق وصیت به ثلث
- ۵۷ ۲۳- خداوند کیفر اعمال ناپسند مؤمن را در دنیا قرار می دهد
- ۵۷ ۲۴- کوتاهی و یا بلندی مدت سلطنت سلطان
- ۵۷ ۲۵- تبدیل سیئات شیعه به حسنات
- ۶۱ ۲۶- خواب خود را به هر کسی نگویند
- ۶۲ ۲۶- خواب خود را به هر کسی نگویند
- ۶۳ ۲۷- عشق معصومین (علیهم السلام) به شیعیان
- ۶۸ ۲۸- چگونه از نعمت های خداوند استفاده کنیم؟
- ۷۰ ۲۹- بشارت های امام صادق (علیه السلام) به شیعیان
- ۷۸ ۳۰- پرسودترین تجارت
- ۸۱ ۳۱- دوستی با آل محمد (صلوات الله علیهم)
- ۸۳ ۳۲- صداقت با برادران دینی
- ۸۷ ۳۳- ریاضت و عرفان صحیح
- ۸۹ ۳۴- بهترین مرگ و بدترین مرگ
- ۹۱ ۳۵- آداب کسب و تجارت
- ۹۸ ۳۶- خشنود کردن پدر و مادر
- ۱۰۰ ۳۷- بهترین اعمال فرزندان
- ۱۰۲ ۳۷- شاد نمودن برادران مؤمن
- ۱۰۳ ۳۸- برآوردن حاجت مؤمن
- ۱۰۷ ۳۹- پرتگاه جهنم برای کیست؟

- ۱- کسی که اهل لواط باشد. ----- ۱۰۷
- ۲- منکر ولایت أميرالمؤمنين(عليه السلام) ----- ۱۰۹
- ۳- مدير و رئيس غير عادل ----- ۱۰۹
- ۴- قاضي و مفتي غير عادل ----- ۱۰۹
- ۵- اطاعت از طاغوت ها ----- ۱۱۰
- ۶- ازدواج همراه با ربا و فخر [و سمعه] ----- ۱۱۲
- ۷- منکر ولایت أميرالمؤمنين(عليه السلام) ----- ۱۱۲
- ۴۰- فتواي بدون علم ----- ۱۱۴
- آثار مؤلف تاکنون ----- ۱۱۷
- درباره مرکز ----- ۱۲۰

چهل حدیث موضوعی

مشخصات کتاب

سرشناسه: سید محمد (سید قاسم) حسینی بهارانچی

عنوان و نام پدید آور: چهل حدیث موضوعی / گردآوری سید محمد (سید قاسم) حسینی بهارانچی

مشخصات نشر: دیجیتالی / مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۶۹ صفحه

زبان: فارسی

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: احادیث معصومین علیهم السلام

ص: ۱

اشاره

چهل حدیث موضوعی

گردآوری: سید محمد (سید قاسم) حسینی بهارانچی

ص: ۲

انگیزه تالیف

هدف از این نوشتار نوشتار عمل به حدیث «من حفظ علی أمتی أربعين حديثاً...» و بیان مسائل و موضوعات حسّاس و شنیدنی و لطایف و ظریفه های شیرین و امیدوار کننده بوده است، افزون بر این ها مذاکره احادیث و سخنان معصومین (علیهم السلام) عبادت و ذکر خدا و موجب نزدیک شدن قلوب شیعیان به همدیگر می باشد، از سویی برخی از بشارت ها و نویدهای معصومین (علیهم السلام) به شیعیان خود سبب شوق به اعمال نیک می شود همانگونه که برخی از اندازها و اعلان خطرها، بسیار بازدارنده و مانع از گناهان و اعمال زشت می گردد، نویسنده احساس می کند که اگر مردم به این گونه روایات آگاهی داشته باشند شوق فراوانی به اعمال نیک پیدا می کنند و از اعمال ناپسند خود دست برمی دارند، و دشمنان مرئی و نامرئی نمی توانند تأثیری در آنان ایجاد نمایند .

از این رو امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «رحم الله عبداً حَبَباً إلى الناس و لم يُغَضَّنا إليهم، ...» (۱) یعنی خدا رحمت کند بنده ای را که سبب محبوبیت ما بین مردم بشود و ما را مبعوض مردم قرار ندهد. سپس فرمود: به خدا سوگند اگر راویان حدیث، سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می کردند، مردم عزیز و قوی می شدند و قدرت مقابله با دشمنان ما را پیدا می کردند، و احدی نمی توانست با هیچ دلیلی با آنان مقابله کند، و لکن [مع الاسف برخی از نادانان و یا مغرضین] یک کلمه از ما می شنوند و ده کلمه از خود به آن می افزایند [و سبب دوری مردم از ما می شوند].

حضرت رضا (علیه السلام) نیز به عبدالسلام بن صالح هروی می فرماید: «رحم الله عبداً أحيا أمرنا فقلت له: و كيف يحيي أمركم؟ قال يتعلم علومنا و يعلمها الناس، فإنّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا..» (۲)

یعنی، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده می کند. عبد السلام گوید: گفتیم: چگونه امر شما را زنده میکند؟ فرمود: علوم ما را می آموزد و به مردم یاد می دهد و شکی نیست که اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند از ما پیروی خواهند نمود .

ماه مبارک رمضان سال ۱۴۳۷ قمری، خردادماه سال ۱۳۹۵ شمسی

خادم اهل البيت عليهم السلام سيد محمد (سيد قاسم) حسيني بهار انچي

ص: ۳

۱- - کافی، ج ۸/۲۲۹ ح ۲۹۳.

۲- - عيون الاخبار الرضا عليه السلام، ج ۲/۲۷۵.

۱- پاداش حفظ چهل حدیث

مرحوم صدوق در کتاب خصال با سند خود از انس بن مالک نقل نموده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس از امت من چهل حدیث از سخنان ما را برای خدا و تأمین دیانت خود و دیگران و حل مشکلات قیامت حفظ کند خداوند در قیامت او را فقیه و عالم مبعوث خواهد نمود. (خصال ص ۵۴۲)

این حدیث با مختصر اختلاف در عبارت، از انس بن مالک و از موسی بن جعفر (علیه السلام) در کتاب خصال و از حضرت رضا (علیه السلام) و از ابن عباس در کتاب وسائل و از امام باقر (علیه السلام) در کتاب مستدرک الوسائل و از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از ابوسعید خدری در کتاب عمده ابن بطریق و کتب دیگر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است، از این رو زیادی از علما و محدثین ما کتاب چهل حدیث نوشته اند تا به فرموده آن حضرت عمل کرده باشند و به آن پاداش برسند.

مرحوم شیخ بهایی در کتاب اربعین خود در معنای «حفظ» می فرماید: ظاهر این است که مقصود از حفظ، حفظ در خاطر و عن ظهر القلب باشد، نه ثبت در دفاتر و کتب و بعید نیست که مراد حفظ از اندراس باشد [تا آیندگان از آن ها استفاده کنند] تا این که گوید: جمله «علی امتی» به معنای لأمّتی می باشد مانند آیه «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ»

مؤلف گوید: البته معلوم است که حفظ به هر معنایی باشد باید همراه با عمل باشد و گرنه مورد نکوهش و ملامت خواهد بود چرا که در قرآن و احادیث از عالم بدون عمل شدیداً مذمت شده است، و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم. اللهم وفقنا لما تحب و ترضی و لا تجعل الدنيا اكبر همنا و لا تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا تفضحنا بخصی ما اطلعت به علینا یا ستار یا غفار.

۲- برکات مذاکره حدیث

مرحوم کلینی در کتاب کافی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: به زیارت همدیگر بروید تا قلب های شما زنده شود، و احادیث ما را مذاکره کنید، چرا که احادیث ما دل های شما را به همدیگر مهربان می کند، و اگر شما احادیث ما را گرفتید [و عمل کردید] به رشد [ایمانی و عملی] خود می رسید و نجات پیدا می کنید، و اگر از احادیث ما دوری کردید [و به آن ها عمل نکردید] گمراه و هلاک خواهید شد، پس شما احادیث ما را بگیرید [و به آنها عمل کنید] تا من ضامن نجات شما باشم (۱).

ص: ۴

۱- ... مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ یَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ تَرَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَ أَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشَدْتُمْ وَ نَجَوْتُمْ وَ إِنْ تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ فَخُذُوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ. (کافی، ج ۲/۱۸۶)

عباد بن کثیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من به یکی از قصه پردازها برخورد کردم که به اطرافیان خود می گفت: این مجلسی است که هر کس در آن شرکت کند، به شقاوت نمی رسد؟! امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیئات هیئات غلط کرده، چرا که خداوند را - جز کرام الکاتبین - ملائکه ای است که روی زمین می گردند و چون به مجلسی برخورد می کنند که اهل آن فضایل محمّد و آل او (صلوات الله علیهم) را بیان می کنند، به همدیگر می گویند: «توقف کنید که به حاجت خود رسیدیم» پس در آن مجلس می نشینند و به فقه آن مجلس گوش فرا می دهند، و چون اهل آن مجلس قیام می کنند [و به خانه های خود می روند] آن ملائکه از مریض های آنان عیادت می کنند و به تشییع جنازه اموات آنان می روند و سراغ از غایبین آنان می گیرند، و این آن مجلسی است که شرکت کننده در آن به گمراهی نمی رسد (۱).

[نه مجلس قصه پردازان]

مؤلف گوید: در ذیل حدیث فوق در برخی از نقل ها آمده که ملائکه یاد شده چون به آسمان بالا می روند بسیار معطر و خوشبو می باشند و ملائکه دیگر به آنان می گویند: شما این بوی خوش را از کجا آورده اید؟ و آنان می گویند: ما در مجلس ذکر محمّد و آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین) شرکت کردیم، و ملائکه آسمان به آنان می گویند: ما را نیز ببرید تا ما هم مثل شما معطر شویم؟ آنان می گویند: آن مجلس به پایان رسید و اهل آن به خانه های خویش بازگشتند، و ملائکه آسمان ها می گویند شما ما را ببرید در آن محلی که آنان نشسته بودند تا ما نیز مثل شما معطر شویم.

۳- هدف از خلقت

امام حسین (علیه السلام) به اصحاب خود می فرماید: ای مردم خداوند انسان ها را خلق نکرد مگر به خاطر این که او را بشناسند، و چون او را شناختند او را عبادت کنند و چون او را عبادت کنند از عبادت و پرستش غیر او بی نیاز شوند.

ص: ۵

۱- ... عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ عَبَّادِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنِّي مَرَرْتُ بِقَاصٍ يَقْضُ وَهُوَ يَقُولُ هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى بِهِ جَلِيسٌ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَخْطَأْتُ أَسِيَّتَاهُمُ الْخُفْرَةَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ سَوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ قَالُوا قِفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرَضَاهُمْ وَ شَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ تَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى بِهِ جَلِيسٌ. (كافي،

ج ۲ / ۱۸۷)

راوی گوید: مردی گفت: پدر و مادرم فدای شما باد ای فرزند رسول خدا معرفت خداوند به چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: معرفت اهل هر زمانی [به خداوند] با معرفت به امامی که اطاعت از او بر آنان واجب است حاصل می شود (۱).

مرحوم صدوق در ذیل روایت فوق می فرماید: مقصود از روایت فوق این است که اهل هر زمانی باید بدانند که خداوند آنان را معذور از معرفت امام قرار نداده است و کسی که بدون دلیل و حجت چیزی را پرستش کند، غیر خدا را پرستش نموده است (۲).

[و این حقیقت را مردم باید از امام خود بیاموزند]

محمد بن عماره گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند تبارک و تعالی مخلوق خود را عبث و بیهوده نیافرید، بلکه برای اظهار قدرت و تکلیف به اطاعت از خود، آنان را آفرید، تا به رضوان او برسند و آنان را نیافرید تا بهره ای از آنان ببرد و یا ضرری را از خود دفع کند، بلکه آنان را آفرید تا نفعی به آنان برساند و به نعمت های ابدی دست پیدا کنند (۳).

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۴)

فرمود: خلقهم لیامرهم بالعباده یعنی آنان را خلق کرد تا آن ها را امر به عبادت کند، و در تفسیر آیه «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (۵)

فرمود: «خلقهم لیفعلوا ما یستوجبون به رحمته فیرحمهم» یعنی آنان را آفرید تا با عمل نیک خود مستحق رحمت او شوند و به آنان ترحم نماید (۶).

ص: ۶

۱- ... حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَيْدُوهُ فَإِذَا عَيْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (علل الشرايع، باب ۹، ح ۱)

۲- ... قال مصنف هذا الكتاب يعني بذلك أن يعلم أهل كل زمان أن الله هو الذي لا يخليهم في كل زمان عن إمام معصوم فمن عبد ربا لم يقم لهم الحجة وإنما عبد غير الله عز و جل. (همان)

۳- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع فَقُلْتُ لَهُ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقَهُ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْهُمْ سِدى بَلْ خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ قُدْرَتِهِ وَ لِيُكَلِّفَهُمْ طَاعَتَهُ فَيَسْتَوْجِبُوا بِذَلِكَ رِضْوَانَهُ وَ مَا خَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنْفَعَةٌ وَ لَا لِيُدْفَعَ بِهِمْ مَضْرَةٌ بَلْ خَلَقَهُمْ لِيُنْفَعَهُمْ وَ يُوَصِّلَهُمْ إِلَى نَعِيمِ الْآبَدِ. (همان، ح ۲)

٦- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ قَالَ خَلَقَهُمْ لِأَمْرِهِمْ بِالْعِبَادَةِ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ قَالَ خَلَقَهُمْ لِيَفْعَلُوا مَا يَسْتَوْجِبُونَ بِهِ رَحْمَتَهُ فَيَرْحَمَهُمْ. (علل الشرايع باب ٩، ح ١٠)

۴- درجات عبادت

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: مردم در عبادت خداوند سه گروه اند:

۱- گروهی خدا را به خاطر ثواب و پاداش، عبادت می کنند، و این عبادت اهل طمع می باشد. ۲- گروه دیگری خدا را به خاطر ترس از عذاب و آتش عبادت می کنند، و این عبادت غلامان و عبید است، و لکن من خدا را به خاطر محبت و علاقه ای که به او دارم عبادت می کنم، و این عبادت کرام و افراد بزرگوار است و سبب امتیاز درونی خواهد بود چنان که خداوند می فرماید: «وَهُمْ مِنْ فِرْعَیَوْمٍ آمِنُونَ» (۱)

و یا می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (۲) بنابراین کسی که خدا را دوست می دارد خداوند نیز او را دوست می دارد و هر که را خداوند دوست بدارد، از آمنتین خواهد بود (۳).

۵- تقدیرات حکیمانه خداوند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: جبرائیل از ناحیه خداوند به من خبر داد که خدای متعال می فرماید: هر کس به ولئی از اولیای من اهانت کند به جنگ با من برخاسته است، و من در هیچ کاری تردید پیدا نکردم مانند تردید در قبض روح بنده مؤمن خود، چرا که او از مرگ کراهت دارد و من کراهت او را نمی خواهم، و چاره ای از آن نیست، و بنده من به چیزی مثل انجام واجبات به من تقرّب پیدا نمی کند، او همواره به درگاه من ابتهال و تضرع می کند تا این که من او را دوست خواهم داشت و کسی را که من دوست بدارم گوش و چشم و دست او خواهم بود و اگر مرا بخواند او را اجابت می کنم، و اگر از من سؤالی بکند به او عطا می کنم [و همواره من مصلحت و صلاح او را انجام می دهم] و بسا یکی از بندگانم اراده انجام عبادتی را می کند و من او را از آن عبادت باز می دارم تا سبب عجب و خودپسندی او نشود و عمل او باطل و فاسد نگردد، و برخی از بندگان من ایمانشان سالم نمی ماند مگر به وسیله فقر و ناداری و اگر من او را بی نیاز

ص: ۷

۱- نمل/ ۸۹

۲- آل عمران/ ۳۱

۳- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْحَبَالُ الطَّبْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخَشَّابُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَسِّنٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع إِنَّ النَّاسَ يَعْجِدُونَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ فَطَبَقَهُ يَعْجِدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فَتَلْكَ عِبَادَةُ الْحَرَصِيَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ يَعْجِدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فَتَلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ رَهْبَةٌ وَ لِكُنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّ وَجَلَّ فَتَلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ مِنْ فِرْعَیَوْمٍ آمِنُونَ ... قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ مِنَ الْأَمِنِينَ. (علل الشرايع باب ۹- ح ۸)

کنم فاسد می شود، و برخی از آنان ایمانشان سالم نمی ماند مگر به وسیله غنا و بی نیازی و اگر من او را فقیر گردانم، ایمان او فاسد می شود، و برخی از آنان ایمانشان سالم نمی ماند مگر با بیماری و اگر من بدن های آنان را سالم قرار بدهم، ایمانشان سالم نمی ماند، و برخی از آنان هستند که ایمانشان سالم نمی ماند مگر با صحت و سلامت بدن، و اگر من آنان را بیمار گردانم ایمانشان فاسد می شود، و من با علم خود به احوال آنان درباره آنان تدبیر می نمایم، چرا که من عالم به قلوب و باطن آنان هستم (۱).

۶- انتشار فرزندان آدم (علیه السلام)

زراره گوید (۲): از امام صادق (علیه السلام) درباره شروع نسل فرزندان آدم (علیه السلام) سؤال شد و سؤال کننده گفت: برخی از مردم می گویند: خداوند به آدم وحی نمود که دختران خود را به پسران خود تزویج نماید، و همه این مردم با ازدواج خواهر و برادر به وجود آمده اند؟

ص: ۸

۱- ... أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ طَاهِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ حَيَّاهُ الْفَقِيهِيهِ فِيمَا أَجَاذَهُ لِي بِبَلِيحٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُهَاجِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا صَدَقَهُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص عَنْ جَبْرِئِيلَ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَعَاعَلُهُ مِثْلَ تَرَدُّدِي فِي قَبْضِ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسِيئَتَهُ وَ لَمَّا بَدَأَ لَهُ مِنْهُ وَ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ أَدَاءِ مَا أَفْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَّبِعُنِي إِلَيَّ حَتَّى أُحِبَّهُ وَ مَنْ أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ لَهُ سَمِعًا وَ بَصَرًا وَ يَدًا وَ مَوْئِلًا إِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُرِيدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَكْفُهُ عَنْهُ لِيَلَّا يَدْخُلَهُ عَجَبٌ فَيُفْسِدَهُ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَ لَوْ أَعْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى وَ لَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَ لَوْ أَسْقَمْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنْ أُدْبِرَ عِبَادِي بَعْلَمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (علل الشرايع ج ۱/ باب ۹- ح ۷)

۲- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعًا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ نُوَيْهٍ [نُوَيْهٍ] رَوَاهُ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ بَدَأَ النَّسْلَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ ع فَإِنَّ عِنْدَنَا أَنَسًا [أَنَسًا] يَقُولُونَ- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى آدَمَ ع أَنْ يَزُوجَ بَنَاتِهِ مِنْ بَنِيهِ وَ إِنْ هَذَا الْخَلْقُ كُلُّهُ أَصْلُهُ مِنَ الْإِخْوَةِ وَ الْأَخَوَاتِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عُلُوقًا كَبِيرًا يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ أَصْلَ صِفْوَةِ خَلْقِهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حُجَجِهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ مِنْ حَرَامٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقَدَرِ مَا يَخْلُقُهُمْ مِنَ الْحَلَالِ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَهُمْ عَلَى الْحَلَالِ وَ الطَّهْرِ الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ وَ اللَّهُ لَقَدْ بَيَّنَّتْ أَنْ بَعْضَ الْبُهَائِمِ تَنَكَّرَتْ لَهُ أُخْتُهُ فَلَمَّا نَزَا عَلَيْهَا وَ نَزَلَ كَسِفَ لَهُ عَنْهَا وَ عَلِمَ أَنَّهَا أُخْتُهُ أَخْرَجَ غَرْمُولَهُ ثُمَّ قَبَضَ عَلَيْهِ بِأَسْنَانِهِ ثُمَّ قَلَعَهُ ثُمَّ خَرَّ مَيِّتًا قَالَ زُرَّارَةُ ثُمَّ سَأَلَ ع عَنْ خَلْقِ حَوَاءَ وَ قِيلَ لَهُ إِنَّ أَنَسًا عِنْدَنَا يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ ضِلَعِ آدَمَ الْأَيْسَرِ الْأَفْصَى قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عُلُوقًا كَبِيرًا أَيْ يَقُولُ

مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقُصْدِ مَا يَخْلُقُ لِأَدَمَ زَوْجَتَهُ مِنْ غَيْرِ ضَلْعِهِ وَجَعَلَ لِمُتَكَلِّمٍ مِنْ أَهْلِ التَّشْنِيعِ سَبِيلًا إِلَى الْكَلَامِ يَقُولُ إِنَّ آدَمَ كَانَ يَنْكُحُ بَعْضُهُ بَعْضًا إِذَا كَانَتْ مِنْ ضَلْعِهِ مَا لَهُؤُلَاءِ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ أَلْقَى عَلَيْهِ السُّبَاتَ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ خَلْقًا ثُمَّ جَعَلَهَا فِي مَوْضِعِ النُّقْرَةِ الَّتِي بَيْنَ وَرِكَيِهِ وَذَلِكَ لِكَيْ تَكُونَ الْمَرْأَةُ تَبَعًا لِلرَّجُلِ فَأَقْبَلَتْ تَتَحَرَّكَ فَاثْبَتَهُ لَتَحَرَّكَ كَمَا فَلَمَّا انْتَبَهَ نُودِيَ أَنْ تَنَحَّى عَنْهُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا نَظَرَ إِلَى خَلْقٍ حَسَنٍ يُشْبِهُ صُورَتَهُ غَيْرَ أَنَّهَا أَنْثَى فَكَلَّمَهَا فَكَلَّمَتْهُ بِلُغَتِهِ فَقَالَ لَهَا مَنْ أَنْتِ فَقَالَتْ خَلَقَ خَلْقِنِي اللَّهُ كَمَا تَرَى فَقَالَ آدَمُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ مَنْ هَذَا الْخَلْقُ الْحَسَنُ الَّذِي قَدْ آنَسَنِي قُرْبَهُ وَالنَّظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ اللَّهُ هَذِهِ أُمَّتِي حَوَاءُ أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ فَتُوْنَسِكَ وَتَحِدُّتِكَ وَتَأْتِمِرِي لِأَمْرِكَ قَالَ نَعَمْ يَا رَبِّ وَ لَكَ بِعَدْلِكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ مَا بَقِيَتْ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاخْطُبِي إِلَيَّ فَإِنَّهَا أُمَّتِي وَ قَدْ تَضَلَّحْتُ أَيْضًا لِلشَّهْوَةِ وَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الشَّهْوَةَ وَ قَدْ عَلَّمَهُ قَبْلَ ذَلِكَ الْمَعْرِفَةَ فَقَالَ يَا رَبِّ فَإِنِّي أَخْطُبُهَا إِلَيْكَ فَمَا رِضَاكَ لِذَلِكَ فَقَالَ رِضَائِي أَنْ تُعَلِّمَهَا مَعَالِمَ دِينِي فَقَالَ ذَلِكَ لَكَ يَا رَبِّ إِنَّ شِئْتُمْ ذَلِكَ قَالَ قَدْ شِئْتُمْ ذَلِكَ وَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا فَضَمَّهَا إِلَيْكَ فَقَالَ أَقْبَلِي فَقَالَتْ بَلْ أَنْتِ فَأَقْبَلِي إِلَيَّ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ أَنْ يَقُومَ إِلَيْهَا فَقَامَ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَكَانَ النِّسَاءُ هُنَّ يَزِدُّهُنَّ إِلَى الرِّجَالِ حَتَّى خَطَبْنَ عَلَى أَنْفُسِهِنَّ فَهَذِهِ قِصَّةُ حَوَاءَ ص. (علل الشرايع، باب ١٧، ح ١)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند از چنین حکمی منزّه است (و تعالی عن ذلك علوّاً کبیراً) سپس فرمود: آیا خداوند بهترین خلق خود که دوستان و پیامبران و بندگان مؤمن می باشند را از راه حرام به وجود آورده است و نمی توانسته آنان را از راه حلال به وجود آورد؟ در حالی که از آنان پیمان رعایت حلال و پاکی را گرفته است؟! سپس فرمود: به خدا سوگند برخی از حیوانات اگر ناشناخته با خواهر خود آمیزش کند چون می فهمد، با دندان خود آلت خویش را می کند و می میرد.

زراره می گوید: سپس از امام صادق (علیه السلام) درباره خلقت حوّا سؤال شد - که برخی از مردم می گویند: حوّا از پایین ضلع چپ آدم آفریده شده است - و امام (علیه السلام) فرمود: سبحان الله خداوند از چنین چیزی نیز منزّه است، آیا این گوینده می گوید: خداوند تبارک و تعالی قادر نبوده که همسر آدم (علیه السلام) را از غیر ضلع آدم بیافریند، و راه این اتّهام را مسدود نماید، تا مردم نگویند: فرزندان آدم با همدیگر ازدواج نموده اند؟!

سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالی هنگامی که آدم (علیه السلام) را از گل آفرید و ملائکه را امر نمود تا به او سجده کردند، او را به خواب برد و سپس حوّا را آفرید، و بین دو ران او قرار داد تا همواره زن همراه و تابع مرد باشد، تا این که حوّا شروع به حرکت کرد و آدم (علیه السلام) از خواب بیدار شد و به حوّا خطاب شد: از آدم دور شو، و چون آدم (علیه السلام) دید مخلوقی زیبا - همانند خود از جنس زن - در کنار اوست به او گفت: تو کیستی؟ حوّا گفت: «من همان گونه که می بینی مخلوقی هستم که خداوند مرا آفریده است» پس آدم گفت: خدایا این مخلوق زیبایی که با من انس گرفته کیست؟ خطاب شد:

این حوّا کنیز من است آیا تو دوست می داری که او با تو سخن بگوید و مونس تو باشد و از تو اطاعت کند؟ آدم (علیه السلام) گفت: «آری ای پروردگار من، اگر چنین باشد من تا زنده هستم تو را ستایش می کنم و شاکر تو خواهم بود» خطاب شد: ای آدم تو باید او را از من خواستگاری کنی، چرا که او شهوت و غریزه تو را تأمین خواهد نمود و خداوند از آن وقت در آدم القای شهوت کرد چنان که از پیش به او معرفت داده بود. و آدم (علیه السلام) گفت:

خدایا من او را از تو خواستگاری نمودم، آیا تو به چه چیزی راضی می شوی؟ خطاب شد: «رضایت من به این است که تو معالم دین من را به او بیاموزی» آدم گفت: «من چنین خواهم کرد اگر تو راضی شوی» خطاب شد: «من راضی شدم، و او را به تو تزویج نمودم، اکنون او را در آغوش بگیر» پس آدم به حوّا گفت: به طرف من بیا و حوا گفت: «بلکه تو باید به طرف من بیایی» و خداوند آدم

را امر نمود تا به طرف حوّا برود، و اگر جز این می بود، زن ها از مردها خواستگاری می کردند، و این است ماجرای قصه [آدم و] حوّا صلوات الله علیهما.

۷- علت ابتلای یعقوب (علیه السلام)

ابوحزمه ثمالی گوید (۱): صبح جمعه ای نماز صبح را در مسجد مدینه با امام سجّاد (علیه السلام) خواندم و چون آن حضرت از نماز و تسیّحات خود فارغ گردید به طرف منزل خود حرکت نمود و کنیز خود سکینه را صدا

ص: ۱۰

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنِ الثَّمَالِيِّ قَالَ صَلَّيْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عِ الْفَجْرِ بِالْمَدِينَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ سُبْحَتِهِ نَهَضَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ أَنَا مَعَهُ فَدَعَا مَوْلَاهُ لَهُ تَسْمَى سُكَيْنَةَ فَقَالَ لَهَا لَا يَعْبُرُ عَلَيَّ أَبِي سَائِلٌ إِلَّا أَطَعْتُمُوهُ فَإِنَّ الْيَوْمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قُلْتُ لَهُ لَيْسَ كُلُّ مَنْ يَسْأَلُ مُشْتَحِقًّا فَصَالَ يَا ثَابِتُ أَخَافُ أَنْ يَكُونَ بَعْضُ مَنْ يَسْأَلُنَا مُحِقًّا فَلَا نُطْعِمُهُ وَ نَزَدَهُ فَيَنْزِلُ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مِمَّا نَزَلَ بِيَعْقُوبَ وَ آلِهِ أَطْعَمُوهُمْ أَطْعَمُوهُمْ إِنَّ يَعْقُوبَ كَانَ يَدْبِجُ كُلَّ يَوْمٍ كَبْشًا فَيَتَصَدَّقُ مِنْهُ وَ يَأْكُلُ هُوَ وَ عِيَالُهُ مِنْهُ وَ أَنْ سَائِلًا مُؤْمِنًا صَوَامًا مُحِقًّا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ وَ كَانَ مُجْتَازًا غَرِيبًا اعْتَرَى عَلَيَّ بَابَ يَعْقُوبَ عَشِيَّتَهُ جُمُعَةٍ عِنْدَ أَوَانِ إِفْطَارِهِ يَهْتَفُ عَلَيَّ بِابِهِ أَطْعِمُوا السَّائِلَ الْمُجْتَازَ الْغَرِيبَ الْخَرِيجَ مِنْ فَضْلِ طَعَامِكُمْ يَهْتَفُ بِذَلِكَ عَلَيَّ بِرَأْيِهِ مَرَارًا وَ هُمْ يَسْمَعُونَهُ وَ قَدْ جَهِلُوا حَقَّهُ وَ لَمْ يُصِدِّقُوا قَوْلَهُ فَلَمَّا يَسَّسَ أَنْ يُطْعِمُوهُ وَ عَشِيَّتَهُ اللَّيْلُ اسْتَرْجَعَ وَ اسْتَعْبَرَ وَ شَكََا جُوعَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَاتَ طَاوِيًا وَ أَصْبَحَ صَائِمًا جَائِعًا صَابِرًا حَامِدًا لِلَّهِ وَ بَاتَ يَعْقُوبُ وَ آلُ يَعْقُوبَ شَبَاعًا بَطَانًا وَ أَصْبَحُوا وَ عِنْدَهُمْ فَضْلُهُ مِنْ طَعَامِهِمْ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى يَعْقُوبَ فِي صَبِيحِهِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ لَقَدْ أَذَلَّتْ يَا يَعْقُوبُ عَبْدِي ذَلَّةً اسْتَجْرَزَتْ بِهَا غَضَبِي وَ اسْتَوْجَبَتْ بِهَا أَدْبِي وَ نَزُولَ عُقُوبَتِي وَ بُلُوَايَ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ وَ لِدَيْكَ يَا يَعْقُوبُ إِنَّ أَحَبَّ أُنْبِيَائِي إِلَيَّ وَ أَكْرَمَهُمْ عَلَيَّ مِنْ رَحِمِ مَسَاكِينِ عِبَادِي وَ قَرَبَهُمْ إِلَيَّ وَ أَطْعَمَهُمْ وَ كَانَ لَهُمْ مَأْوَى وَ مَلْجَأٌ يَا يَعْقُوبُ أَمَا رَحِمْتَ ذِمِّيَالَ عَبْدِي الْمُجْتَهِدَ فِي عِبَادَتِي الْقَانِعَ بِالسَّيْرِ مِنْ ظَاهِرِ الدُّنْيَا عِشَاءً أَمْسَ لَمَّا اعْتَرَى بِبَابِكَ عِنْدَ أَوَانِ إِفْطَارِهِ وَ هَتَفَ بِكُمْ أَطْعِمُوا السَّائِلَ الْغَرِيبَ الْمُجْتَازَ الْقَانِعَ فَلَمْ تُطْعِمُوهُ شَيْئًا فَاسْتَرْجَعَ وَ اسْتَعْبَرَ وَ شَكََا مَا بِهِ إِلَيَّ وَ بَاتَ طَاوِيًا حَامِدًا لِي وَ أَصْبَحَ لِي صَائِمًا وَ أَنْتَ يَا يَعْقُوبُ وَ وُلْدُكَ شَبَاعٌ وَ أَصْبَحْتَ وَ عِنْدَكُمْ فَضْلُهُ مِنْ طَعَامِكُمْ أَوْ مَا عَلِمْتَ يَا يَعْقُوبُ أَنَّ الْعُقُوبَةَ وَ الْبُلُوَايَ إِلَى أَوْلِيَائِي أَسْرِعُ مِنْهَا إِلَى أَعْدَائِي وَ ذَلِكَ حُسْنُ النَّظَرِ مِنِّي لِأَوْلِيَائِي وَ اسْتِدْرَاجٌ مِنِّي لِأَعْدَائِي أَمَا وَ عَزَّتِي لَمَّا نَزَلَ عَلَيْكَ بُلُوَايَ وَ لَأَجْعَلَنَّكَ وَ وُلْدَكَ عَرْضًا لِمَصَابِي وَ لَأُوذِيَنَّكَ بِعُقُوبَتِي فَاسْتَعِدُّوا لِبُلُوَايَ وَ ارْضُوا بِقَضَائِي وَ اصْبِرُوا لِلْمَصِيبِ فَقُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عِ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَتَى رَأَى يُوسُفُ الرُّؤْيَا فَصَالَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةَ الَّتِي بَاتَ فِيهَا يَعْقُوبُ وَ آلُ يَعْقُوبَ شَبَاعًا وَ بَاتَ فِيهَا ذِمِّيَالَ طَاوِيًا جَائِعًا فَلَمَّا رَأَى يُوسُفُ الرُّؤْيَا وَ أَصْبَحَ يَقْضُهَا عَلَيَّ أَبِيهِ يَعْقُوبَ فَاعْتَمَّ يَعْقُوبُ لَمَّا سَمِعَ مِنْ يُوسُفَ مَعَ مَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ اسْتَعِدَّ لِلْبَلَاءِ فَقَالَ يَعْقُوبُ لِيُوسُفَ لَا تَقْضِصْ رُؤْيَاكَ هَيْدَةً عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا فَلَمْ يَكُنْ يُوسُفُ رُؤْيَاهُ وَ قَصَّهَا عَلَيَّ إِخْوَتِهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ بُلُوَايَ نَزَلَتْ بِيَعْقُوبَ وَ آلِ يَعْقُوبَ الْحَسَدَ لِيُوسُفَ لَمَّا سَمِعُوا مِنْهُ الرُّؤْيَا قَالَ فَاسْتَدَّتْ رَفَّتُهُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِ وُلْدِهِ فَلَمَّا رَأَى إِخْوَهُ يُوسُفَ مِمَّا يَصْنَعُ يَعْقُوبُ بِيُوسُفَ وَ تَكْرِمَتَهُ إِيَّاهُ وَ إِيَّارَهُ عَلَيْهِمْ اسْتَدَّتْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ بَدَأَ الْبَلَاءُ فِيهِمْ فَتَأَمَّرُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ قَالُوا إِنَّ يُوسُفَ وَ أَخَاهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا

وَنَحْنُ عُضِبُهُ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ أَى تَتُوبُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَعِ الْآيَةَ فَقَالَ يَعْقُوبُ إِنِّى لَيُخْزِنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَ أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذُّبُّ فَاَنْتَرَعُهُ حَيْدَرًا عَلَيْهِ مِنْ أَنْ تَكُونَ الْبُلُوى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى يَعْقُوبَ فِي يُوسُفَ خَاصَّةً لِمَوْقِعِهِ مِنْ قَلْبِهِ وَ حُبِّهِ لَهُ قَالَ فَغَلَبَتْ قُصْدُهُ اللَّهَ وَ قِصَاؤُهُ وَ نَافِذُ أَمْرِهِ فِي يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ فَلَمْ يَقْدِرْ يَعْقُوبُ عَلَى دَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْ نَفْسِهِ وَ لَا عَنْ يُوسُفَ وَ وُلْدِهِ فَدَفَعَهُ إِلَيْهِمْ وَ هُوَ لَذَلِكَ كَارِهِ مُتَوَقِّعٌ لِلْبُلُوى مِنَ اللَّهِ فِي يُوسُفَ فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ مَنْزِلِهِمْ لَحِقَهُمْ مُسِيرِعًا فَاَنْتَرَعَهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ فَضَمَّهُ إِلَيْهِ وَ اعْتَنَفَهُ وَ بَكَى وَ دَفَعَهُ إِلَيْهِمْ فَانْطَلَقُوا بِهِ مُسِيرِعِينَ مَخَافَهُ أَنْ يَأْخُذَهُ مِنْهُمْ وَ لَا يَدْفَعُهُ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا أَمْعَنُوا بِهِ أَتَوْا بِهِ غِيْضَهُ أَشْجَارٍ فَسَالُوا نَذْبُحُهُ وَ نُلْقِيهِ تَحْتَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَيَأْكُلَهُ الذُّبُّ اللَّيْلَةَ فَقَالَ كَبِيرُهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ لَكِنْ أَلْقُوهُ فِي غِيَابِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَانْطَلَقُوا بِهِ إِلَى الْجُبِّ فَالْقُوهُ فِيهِ وَ هُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ يَغْرُقُ فِيهِ فَلَمَّا صَارَ فِي قَعْرِ الْجُبِّ نَادَاهُمْ يَا وُلْدِ رُومِينَ أَقْرِئُوا يَعْقُوبَ مِنِّى السَّلَامَ فَلَمَّا سَمِعُوا كَلَامَهُ قَالَ بَعْضُهُمْ لِيَعْضٍ لَا تَرَالُوا مِنْ هَاهُنَا حَتَّى تَعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مَاتَ فَلَمْ يَزَالُوا بِحَضْرَتِهِ حَتَّى أَمْسُوا وَ رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ عِشَاءً يَتَكُونُ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَالْكَلَهُ الذُّبُّ فَلَمَّا سَمِعَ مَقَالَتَهُمْ اسْتَرْجَعَ وَ اسْتَعْيَرَ وَ ذَكَرَ مَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ مِنَ الْاسْتِغْدَادِ لِلْبَلَاءِ فَصَبَرَ وَ أَدْعَنَ لِلْبَلَاءِ وَ قَالَ لَهُمْ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْعِمَ لَحْمَ يُوسُفَ لِلذُّبِّ مِنْ قَبْلِ أَنْ رَأَى تَأْوِيلَ رُؤْيَاهِ الصَّادِقِ قَالَ أَبُو حَمْرَةَ ثُمَّ انْفَطَحَ حَدِيثُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ عِنْدَ هَذَا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ غَدَوْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّكَ حَدَّثْتَنِي أَمْسَ بِحَدِيثِ يَعْقُوبَ وَ وُلْدِهِ ثُمَّ قَطَعْتَهُ مَا كَانَ مِنْ قِصَّةِ إِخْوَةِ يُوسُفَ وَ قِصَّةِ يُوسُفَ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّهُمْ لَمَّا أَصْبَحُوا قَالُوا انْطَلَقُوا بِنَا حَتَّى نَنْظُرَ مَا حَالُ يُوسُفَ أَمَاتَ أَمْ هُوَ حَيٌّ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى الْجُبِّ وَ حِيدُوا بِحَضْرَةِ الْجُبِّ سَيَّارَةً وَ قَدْ أَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَذَلُّى دَلُوهُ فَلَمَّا جَذَبَ دَلُوهُ إِذَا هُوَ بِغُلَامٍ مُتَعَلِّقٍ بِدَلُوهِ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ فَلَمَّا أَخْرَجُوهُ أَقْبَلَ إِلَيْهِمْ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَقَالُوا هَذَا عَبْدُنَا سَقَطَ مِنَّا أَمْسَ فِي هَذَا الْجُبِّ وَ جِئْنَا الْيَوْمَ لِنُخْرِجَهُ فَاَنْتَرَعُوهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَ تَنَحَّوْا بِهِ نَاحِيَةً فَقَالُوا إِمَّا أَنْ تَقْرَأَ لَنَا أَنْكَ عَبْدٌ لَنَا فَيَبِيعَكَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ السَّيَّارَةِ أَوْ نَقْتُلَكَ فَقَالَ لَهُمْ يُوسُفُ لَا تَقْتُلُونِى وَ اصْنَعُوا مَا شِئْتُمْ فَاقْبَلُوا بِهِ إِلَى السَّيَّارَةِ فَقَالُوا أَمِنْكُمْ مَنْ يَشْتَرِى مِنَّا هَذَا الْعَبْدَ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ مِنْهُمْ بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا وَ كَانَ إِخْوَتُهُ فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ وَ سَارَ بِهِ الَّذِى اشْتَرَاهُ مِنَ الْبِدُو حَتَّى أَذْخَلَهُ مِصْرَ فَبَاعَهُ الَّذِى اشْتَرَاهُ مِنَ الْبِدُو مِنْ مَلِكِ مِصْرَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ الَّذِى اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأَمْرَأَتِهِ أَكْرِمِى مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَ لَمَدًا قَالَ أَبُو حَمْرَةَ فَقُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ ابْنِ كَمْ كَانَ يُوسُفُ يَوْمَ الْقُوهِ فِي الْجُبِّ فَقَالَ كَانَ ابْنُ تِسْعِ سِتِّينَ فَقُلْتُ كَمْ كَانَ بَيْنَ مَنَزِلِ يَعْقُوبَ يَوْمَئِذٍ وَ بَيْنَ مِصْرَ فَقَالَ مَسِيرَةٌ اثْنِ عَشَرَ يَوْمًا قَالَ وَ كَانَ يُوسُفُ مِنْ أَجْمَلِ أَهْلِ زَمَانِهِ فَلَمَّا رَاقَ يُوسُفُ رَاوَدَتْهُ امْرَأَةٌ الْمَلِكِ عَنْ نَفْسِهِ فَقَالَ لَهَا مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ لَا يَزْنُونَ فَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ عَلَيْهَا وَ عَلَيْهِ وَ قَالَتْ لَا تَخَفْ وَ أَلْقَتْ نَفْسَهَا عَلَيْهِ فَاقْلَبَتْ مِنْهَا هَارِبًا إِلَى الْبَابِ فَفَتَحَهُ فَالْحَقَّتْهُ فَحْدَبَتْ فَمِصَّهُ مِنْ خَلْفِهِ فَأَخْرَجَتْهُ مِنْهُ فَاقْلَبَتْ يُوسُفَ مِنْهَا فِي ثِيَابِهِ وَ أَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَمَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يَسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ فَهَمَّ الْمَلِكُ بِيُوسُفَ لِيَعْدُّبَهُ فَقَالَ لَهُ يُوسُفُ وَ إِلَهُ يَعْقُوبَ مَا أَرَدْتُ بِأَهْلِكَ سُوءًا بَلْ هِىَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي فَسَلِّ هَذَا الصَّبِيَّ أَتَيْنَا رَاوَدَ صَاحِبَهُ عَنْ نَفْسِهِ قَالَ وَ كَانَ عِنْدَهَا مِنْ أَهْلِهَا صَبِيٌّ زَائِرٌ لَهَا فَانْطَلَقَ اللَّهُ الصَّبِيَّ لِفَضِيلِ الْقِضَاءِ فَقَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ انْظُرْ إِلَى قَمِيصِ يُوسُفَ فَإِنْ كَانَ مَقْصُودًا مِنْ قُدَامِهِ فَهُوَ الَّذِى رَاوَدَهَا وَ إِنْ كَانَ مَقْصُودًا مِنْ خَلْفِهِ فَهِيَ الَّتِى رَاوَدَتْهُ فَلَمَّا سَمِعَ الْمَلِكُ كَلَامَ الصَّبِيِّ وَ مَا اقْتَضَى أَفْرَعُهُ ذَلِكَ فَرَعَا شَدِيدًا فَجِيءَ بِالْقَمِيصِ فَانْظُرْ إِلَيْهِ فَلَمَّا رَأُوهُ مَقْصُودًا مِنْ خَلْفِهِ قَالَ لَهَا إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ وَ قَالَ لِيُوسُفَ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَ لَا يَسْمَعُهُ مِنْكَ أَحَدٌ وَ اَكْتُمْتُهُ قَالَ فَلَمْ يَكْتُمُهُ يُوسُفُ وَ أَدَاعَهُ فِي الْمَدِينَةِ حَتَّى قُلْنَ نِسْوَهُ مِنْهُنَّ - امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تَرَاوَدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ فَابْغَعَهَا ذَلِكَ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ هَيَّأَتْ لَهُنَّ طَعَامًا وَ مَجْلِسًا ثُمَّ أَتَتْهُنَّ بِأَتْرُجٍ وَ آتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا ثُمَّ قَالَتْ لِيُوسُفَ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْتَهُ أَكْبَرْتُهُ وَ قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ مَا قُلْنَ فَقَالَتْ لَهُنَّ هَذَا الَّذِى لُمْتُنَّنِي فِيهِ يَعْنِي فِي حُبِّهِ وَ خَرَجْنَ النَّسْوَهُ مِنْ عِنْدِهَا فَأَرْسَلَتْ

كُلِّ وَاحِدَهُ مِنْهُنَّ إِلَى يُوسُفَ سِرًّا مِنْ صَاحِبَتِهَا تَسْأَلُهُ الزِّيَارَةَ فَأَبَى عَلَيْهِنَّ وَقَالَ إِلَّا تَصِيرُفُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ
الْجَاهِلِينَ فَصَيَّرَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ فَلَمَّا شَاعَ أَمْرُ يُوسُفَ وَأَمْرُ امْرَأَةِ الْعَزِيزِ وَالنُّسُوءِ فِي مِصْرَ بَدَأَ لِلْمَلِكِ بَعْدَ مَا سَمِعَ قَوْلَ الصَّبِيِّ
لَيْسَ بِجِنَّةٍ يُوسُفَ فَسَجَّنَهُ فِي السَّجْنِ وَدَخَلَ السَّجْنَ مَعَ يُوسُفَ فَتَيَانٍ وَكَانَ مِنْ قِصَّتَيْهِمَا وَقِصَّةِ يُوسُفَ مَا قَصَّهُ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ قَالَ
أَبُو حَمَزَةَ ثُمَّ انْقَطَعَ حَدِيثُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص. (علل الشرايع ج ١/باب ١٤١ ح ١)

زد و فرمود: هر سائلی به درب خانه ما می آید او را اطعام کنید چرا که امروز، روز جمعه است، پس من گفتم: هر سائلی مستحق نیست، آیا هر سائلی را اطعام کنند؟

امام (علیه السلام) فرمود: من می ترسم برخی از سؤال کنندگان مستحق باشند و ما او را رد کنیم و آنچه بر سر یعقوب و آل یعقوب آمد بر سر ما خانواده نیز بیاید، همانا یعقوب در هر روز گوسفندی را ذبح می کرد و از آن با خانواده خود می خوردند و بقیه را صدقه می دادند، تا این که سائل مؤمن روزه دار غریب و دارای منزلتی در شب جمعه هنگام افطار به درب خانه یعقوب عبور می کند و چند مرتبه دقّ الباب می نماید و می گوید:

«به سائل غریب و گرسنه ای از اضافه طعام خود اطعام کنید» و اهل خانه صدای او را می شنوند و لکن حق او را

ص: ۱۱

نادیده می گیرند و او را تصدیق نمی کنند و او چون مأیوس میشود، با چشم گریان بازمی گردد و به خداوند شکوه می نماید و در آن شب گرسنه می خوابد و با گرسنگی باز روزه گیرد و صبر می نماید و خدای خود را ستایش می کند در حالی که در آن شب حضرت یعقوب و آل یعقوب سیر بودند و چون صبح کردند اضافه طعام آنان باقی بود و خداوند به یعقوب در آن صبحگاه وحی نمود:

ای یعقوب تو بنده مرا خوار نمودی و راه غضب مرا به خود باز کردی و مستوجب ادب من شدی و عقوبت و بلای من بر تو و فرزندان تو وارد شد، ای یعقوب: محبوب ترین پیامبران و گرامی ترین آنان نزد من کسانی هستند که به مساکین از بندگان من ترحم کنند و آنان را به خود نزدیک نمایند و به آن ها اطعام کنند و ملجأ و پناه فقرا و مساکین باشند، ای یعقوب: آیا به بنده من ذمیال که کوشای در عبادت و قانع به چیز کمی از دنیا بود، دیشب هنگام افطار که از شما درخواست طعام نمود رحم نکردی؟ و به او غذا ندادی؟ و او گریان از درب خانه تو بازگشت؟ و با گرسنگی شب را به سر برد؟ در حالی که صابر و حامد من بود؟ و باز روزه گرفت و تو و فرزندان تو ای یعقوب سیر بودید و صبحگاه نیز طعام اضافه شما باقی بود؟ ای یعقوب آیا نمی دانی که عوقبت و بلای من، به پیامبرانم نزدیک تر از دشمنان من است؟ چرا که من به اولیای خود حسن نظر و خیرخواهی دارم و دشمنان خود را غافلگیر می نمایم و اکنون به عزت و جلالم سوگند که بلای خود را بر تو وارد می کنم پس باید آماده بلای من باشید و به قضای من راضی و بر مصائب صابر باشید.

ابوحزمه گوید: من به امام سجاد(علیه السلام) گفتم: فدای شما شوم آیا یوسف(علیه السلام) در چه زمانی آن خواب را دید؟ امام(علیه السلام) فرمود: در همان شبی که یعقوب و آل یعقوب با شکم سیر خوابیدند و آن فقیر با گرسنگی آن شب را به سر برد....

۸- ازدواج یوسف با زلیخا

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: [پس از نجات یوسف از حيله و مکر زلیخا و مرگ عزیز مصر و بیچارگی و فقر زلیخا] زلیخا درخواست ملاقات با یوسف را نمود و اطرافیان به او گفتند: «با توجه به آزارهایی که تو به او کردی ما صحیح نمی دانیم با او ملاقات کنی» زلیخا گفت: من از کسی که از خدا می ترسد نمی ترسم، و چون زلیخا بر یوسف وارد شد، یوسف به او گفت: چرا رنگ صورت تو تغییر کرده است؟ زلیخا گفت: «الحمد لله الذی جعل الملوک بمعصیتهم عبیداً و جعل العبید بطاعتهم ملوکاً» یعنی ستایش خدای را که پادشاهان را به خاطر معصیت، عبد قرار می دهد و عبید را به خاطر اطاعت از خود پادشاه قرار می دهد. یوسف(علیه السلام) فرمود:

برای چه با من چنین کردی؟ زلیخا گفت: به خاطر زیبایی تو بود. یوسف(علیه السلام) فرمود: چگونه

خواهی بود اگر پیامبر آخرالزمان حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) را ببینی؟ همانا او زیباتر از من است و اخلاق او نیز زیباتر، و احسان و کرامت او از من بیشتر می باشد؟» زلیخا گفت: «راست می گویی همین گونه است» یوسف گفت: از کجا دانستی که من راست می گویم؟ زلیخا گفت: «به خاطر این که چون نام او را بردی، محبت او در دل من جای گرفت» پس خداوند به یوسف وحی نمود که زلیخا راست می گوید و من او را به خاطر دوستی محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) دوست می دارم. و به این خاطر خداوند تبارک و تعالی یوسف را امر نمود که با زلیخا ازدواج نماید(۱).

۹- غرق شدن فرعون در دریا

مرحوم صدوق رحمه الله با سند خود از عبدالله بن عمر نقل نموده که گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

در زمان فرعون رود نیل خشکید و مردم به فرعون گفتند: رود نیل را برای ما جاری کن. فرعون گفت: من از شما راضی نیستم. و مردم باز نزد او آمدند و گفتند: «حیوانات ما از بی آبی مردند و اگر تو رود نیل را برای ما جاری نکنی ما برای خود خدای دیگری قرار می دهیم» پس فرعون به آنان گفت: همگی در بیابان جمع شوید و چون جمع شدند خود را از آنان پنهان نمود و صورت خود را بر خاک گذارد و انگشت سبابه خود را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: اللهم انی خرجت إليك خروج العبد الذلیل إلى سیده و انی أعلم انک تعلم أنه لا یقدر علی إجرائه أحد غیرک فأجره» پس رود نیل جاری شد به گونه ای که قبلاً جاری نبود، پس فرعون نزد مردم آمد و به آنان گفت: من رود نیل را برای شما جاری کردم و مردم در مقابل او سجده نمودند، در آن حال جبرائیل(علیه السلام) نزد او آمد و گفت:

«ای پادشاه، من غلامی دارم که در حق من ظلم می کند و تو مرا نسبت به او یاری کن» فرعون گفت: قصه او چیست؟ جبرائیل(علیه السلام)

گفت: «من غلامی دارم که اختیار غلامان دیگر خود و کلیدهای خزائن خویش را به دست او داده ام و او با دشمنان من دوستی می نماید و با دوستان من دشمنی می کند» فرعون گفت: «این غلام تو بد غلامی است و اگر من بر او قدرت پیدا کنم او را در دریای قَلْزَم غرق خواهم نمود» جبرائیل(علیه السلام) گفت: «ای پادشاه این را برای من مکتوب کن. پس فرعون دستور داد کاغذ و قلمی آوردند و نوشت: «مجازات غلامی که با سید و آقای خود دشمنی و مخالفت می کند و با دشمنان او دوست و با دوستان او دشمن است جز غرق شدن در دریای قَلْزَم نیست» و جبرائیل(علیه السلام) گفت: «این نوشته را برای من مهر کن» و فرعون نوشته را مهر نمود و به او داد و چون قصه موسی و فرعون رخ داد و موسی(علیه السلام) از دریای نیل نجات یافت و فرعون و اصحابش وارد نیل شدند [جبرائیل نامه فرعون را به دست او داد و گفت: این چیزی است که تو بر علیه خویش حکم کرده ای] و فرعون غرق شد [۲].

۱۰- ابتلای ایوب(علیه السلام)

مرحوم صدوق با سند خود از ابوبصیر نقل نموده که گوید: از امام صادق(علیه السلام) درباره ابتلای ایوب سؤال کردم و آن حضرت فرمود: علت ابتلا و گرفتاری ایوب تنها به خاطر این بود که خداوند به ایوب نعمت هایی عطا نموده بود و ایوب شکر خدا را به جا می آورد و شیطان در آن زمان از مادون عرش ممنوع نبود و چون دید شکر ایوب به درگاه خداوند بالا رفته

است نسبت به او حسد پیدا کرد و گفت: خدایا ایوب به خاطر نعمت های تو که در اختیار دارد شکر می کند و اگر نعمت های دنیایی را از او بگیری شاکر تو نخواهد بود و اکنون مرا مسلط بر دنیای او کن، تا بدانی او شاکر هیچ نعمتی نیست. پس خداوند شیطان را مسلط بر ایوب نمود و شیطان هر چه ایوب از دنیا داشت - از مال و فرزند - همه را از بین برد و ایوب در این حال خدا را ستایش می نمود و شاکر او بود، پس شیطان گفت:

«خدایا ایوب چون می داند تو مال و فرزندان او را به او باز می گردانی شاکر تو است و اکنون تو مرا بر بدن او مسلط کن تا بدانی که شاکر هیچ نعمتی نخواهد بود» پس خطاب شد من تو را بر بدن او نیز مسلط نمودم - جز چشم و زبان و گوش او - پس شیطان با عجله نزد ایوب آمد تا نکند رحمت الهی مانع بین او و ایوب گردد و فوراً از نار سموم در بینی ایوب دمید و چون سم وارد بدن ایوب شد بر بدن او نقطه هایی ظاهر گردید [و ایوب (علیه السلام) باز شاکر خدا بود] (۳).

ص: ۱۳

۱- ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ اسْتَأْذَنْتُ زَلِيخًا عَلَى يُوسُفَ فَقِيلَ لَهَا إِنَّا نَكْرَهُ أَنْ نُقَدِّمَ بِسُكِّكَ عَلَيْهِ لِمَا كَانَ مِنْكَ إِلَيْهِ قَالَتْ إِنِّي لَا أَخَافُ مَنْ يَخَافُ اللَّهَ فَلَمَّا دَخَلَتْ قَالَ لَهَا يَا زَلِيخَا مَا لِي أَرَاكِ قَدْ تَغَيَّرَ لَوْنُكِ قَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمُلُوكَ بِمَعْصِيَتِهِمْ عِبِيدًا وَ جَعَلَ الْعَبِيدَ بِطَاعَتِهِمْ مُلُوكًا قَالَ لَهَا مَا الَّذِي دَعَاكِ يَا زَلِيخَا إِلَى مَا كَانَ مِنْكَ قَالَتْ حُسْنٌ وَ جَهْكَ يَا يُوسُفُ فَقَالَ كَيْفَ لَوْ رَأَيْتِ نَبِيًّا يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَحْسَنَ مِنِّي وَ جَهًّا وَ أَحْسَنَ مِنِّي خُلُقًا وَ أَسْمَحَ مِنِّي كَفًّا قَالَتْ صَدَقْتَ قَالَ وَ كَيْفَ عَلِمْتِ أَنِّي صَدَقْتُ قَالَتْ لِأَنَّكَ حِينَ ذَكَرْتَهُ وَقَعَ حُبُّهُ فِي قَلْبِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ يُوسُفُ أَنَّهَا قَدْ صَدَقَتْ وَ أَنِّي قَدْ أَحْبَبْتُهَا لِجَبَّهَا مُحَمَّدًا فَأَمَرَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَتَزَوَّجَهَا. (علل الشرايع، ج ۱ / باب ۴۸، ح ۱)

۲- ... حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبُرْدَعِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا نُوحُ بْنُ الْحَسَنِ أَبُو مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ سُؤَيْدِ الرَّمْلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْحَارِثِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ غَارَ النَّيْلُ عَلَى عَهْدِ فِرْعَوْنَ فَأَتَاهُ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ فَقَالُوا أَيُّهَا الْمَلِكُ أَجْرُ لَنَا النَّيْلِ قَالَ إِنِّي لَمْ أَرْضَ عَنْكُمْ ثُمَّ ذَهَبُوا فَأَتَوْهُ فَقَالُوا أَيُّهَا الْمَلِكُ تَمُوتُ الْبَهَائِمُ وَ هَلَكْتَ وَ لَئِنْ لَمْ تُجِرْ لَنَا النَّيْلَ لَنَتَّخِذَنَّ إِلَهَا غَيْرَكَ قَالَ اخْرُجُوا إِلَى الصَّعِيدِ فَخَرَجُوا فَتَنَحَّى عَنْهُمْ حَيْثُ لَا يَرَوْنَهُ وَ لَا يَسْمَعُونَ كَلَامَهُ فَأَلْصَقَ حَدَّهُ بِالْأَرْضِ وَ أَشَارَ بِالسَّبَابِهِ وَ قَالَ - اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ إِلَيْكَ خُرُوجَ الْعَبِيدِ الدَّلِيلِ إِلَى سَيِّدِهِ وَ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِجْرَائِهِ أَحَدٌ غَيْرُكَ فَأَجْرِهِ قَالَ فَجَرَى النَّيْلُ جَرِيًّا لَمْ يَجِرْ مِثْلَهُ فَأَتَاهُمْ فَقَالَ لَهُمْ إِنِّي قَدْ أَجْرَيْتُ لَكُمْ النَّيْلَ فَخَرُّوا لَهُ سَاجِدًا وَ عَرَضَ لَهُ جَبْرَيْلُ فَقَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ أَعْنِي عَلَى عَبِيدِ لِي قَالَ فَمَا قِصَّتُهُ قَالَ إِنَّ عَبِيدًا لِي مَلَكَتُهُ عَلَى عِبِيدِي وَ حَوَّلْتُهُ مَفَاتِيحِي فَعَادَانِي وَ أَحَبَّ مِنْ عَادَانِي وَ عَادَى مَنْ أَحْبَبْتُ قَالَ بِئْسَ الْعَبِيدُ عَبْدُكَ لَوْ كَانَ لِي عَلَيْهِ سَبِيلٌ لِأَعْرِقْتُهُ فِي بَحْرِ الْقَلْزَمِ قَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ اكْتُبْ لِي بِهَذَا كِتَابًا فَدَعَا بِكِتَابٍ وَ دَوَاهٍ فَكَتَبَ مَا جَزَاءُ الْعَبْدِ الَّذِي يُخَالِفُ سَيِّدَهُ فَأَحَبَّ مَنْ عَادَى وَ عَادَى مَنْ أَحَبَّ إِلَّا أَنْ يُعْرِقَ فِي بَحْرِ الْقَلْزَمِ قَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ اخْتِمْهُ لِي قَالَ فَخْتَمَهُ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيْهِ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْبُحْرِ أَتَاهُ جَبْرَيْلُ بِالْكِتَابِ فَقَالَ لَهُ خُذْ هَذَا مَا اسْتَيْحَقَّتْ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ أَوْ هَذَا مَا حَكَمْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ. (علل الشرايع باب ۵۳ - ح ۱)

۳- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ

بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّمَا كَانَتْ بِلَيْهِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِنِعْمِهِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ فَأَدَّى شُكْرَهَا وَكَانَ إِيلِيسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَدَّ عَمَلُ أَيُّوبَ بِأَدَاءِ شُكْرِ النِّعْمَةِ حَسَدَهُ إِيلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطِيَتْهُ مِنَ الدُّنْيَا فَلَوْ حُلَّتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ دُنْيَاهُ مَا أَدَّى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمِهِ فَسَلَّطَنِي عَلَى دُنْيَاهُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمِهِ فَقَالَ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى دُنْيَاهُ فَلَمْ يَدْعَ لَهُ دُنْيَا وَلَا وَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ كُلَّ ذَلِكَ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ تَعَالَى ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرُدُّ إِلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذْتَهَا مِنْهُ فَسَلَّطَنِي عَلَى بَدَنِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمِهِ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا عَدَا عَيْنَهُ وَقَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَسَمِعَهُ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَانْقَضَ مُبَادِرًا خَشْيَةَ أَنْ تُدْرِكَهُ رَحْمَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فَنَفْخَ فِي مَنْخَرِيهِ مِنْ نَارِ السَّمُومِ فَصَارَ جَسَدُهُ نُقْطًا نُقْطًا. (علل الشرايع، ج ١، باب ٦٥، ح ١)

و در روایت دیگری آمده که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که بلاى ایوب شدید شد اصحاب او نزد او آمدند و گفتند: ای ایوب ما تا کنون احدی را ندیده ایم که مبتلای به این بلاها باشد مگر آن که در سریره و باطن او فساد و خطائی وجود داشته و شاید تو بر خلاف ظاهر در باطن خود فساد و گناهی داری که بر ما اظهار نکرده ای؟ امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در این هنگام ایوب (علیه السلام) با خدای خود مناجات کرد و گفت:

«خدایا تو مرا به این بلا- مبتلا- نمودی در حالی که می دانی من هر گاه بین دو چیز قرار می گرفتم سخت تر آن را انتخاب می کردم و هیچ غذایی را نمی خوردم جز آن که در کنار سفره من یتیمی بود و ای کاش محکمه ای بین من و تو برقرار می شد تا من دلیل و حجت خود را بیان می کردم» پس ابری مقابل ایوب ظاهر شد و گوینده ای گفت: «ای ایوب اکنون حجت و دلیل خود را بیان کن» پس ایوب کمر همت بربست و بر دو زانوی خود نشست و گفت: خدایا تو مرا به این بلیه مبتلا نمودی در حالی که می دانی که من هر گاه بین دو چیز مردّد می شدم سخت تر آن را [به خاطر تو] انتخاب می نمودم و هرگز بر سر سفره ای قرار نگرفتم مگر یتیمی در کنار من بود [و من او را نوازش می کردم] پس به ایوب خطاب شد: ای ایوب چه کسی اطاعت و بندگی خدا را محبوب تو کرد و تو را علاقه مند به عبادت نمود؟ و ایوب [از شرمندگی] مشتی از خاک برداشت و به دهان خود ریخت و گفت: خدایا تو چنین کردی (۱).

ص: ۱۴

۱- ... حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَدِيٍّ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْبُصَيْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ عَ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِأَيِّهِ عَلَيْهِ كَانَتْ قَالَ لِنَعْمِهِ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا فَأَدَى شُكْرَهَا وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ إِلَّا بِسُوءِ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ أَدَاءَ شُكْرِ نَعْمِهِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطِيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَوْ حَرَمْتَهُ دُنْيَاهُ مَا أَدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نَعْمِهِ أَيْدًا قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنَّي قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَ وُلِدِهِ قَالَ فَانْتَحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يُبْقِ لَهُ مَالًا وَ لَا وَ لَدًا إِلَّا أَعْطَبَهُ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ لَمَّا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذْتَهَا مِنْهُ فَسَلَطْنِي عَلَى بَيْدِنِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنَّي قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى بَيْدِنِهِ مَا خَلَا قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ وَ عَيْنَيْهِ وَ سَمِعَهُ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ مُسْتَعْجِلًا مَخَافَهُ أَنْ تُدْرِكَهُ رَحْمَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَيُّوبَ فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ وَ كَمَا فِي آخِرِ بَلِيَّتِهِ جَاءَهُ أَصْحَابُهُ فَقَالُوا لَهُ يَا أَيُّوبُ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا ابْتُلِيَ بِمِثْلِ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ إِلَّا لِسِرِّيْرِهِ سَوْءٍ فَلَعَلَّكَ أَسْرَرْتَ سَوْءًا فِي الْوَدَى تُبْدِي لَنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَاجَى أَيُّوبُ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ رَبِّ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرًا قَطُّ إِلَّا لَزِمْتُ أَحْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَ لَمْ أَكُلْ أَكْلًا قَطُّ إِلَّا وَ عَلَى خِوَانِي يَتِيمٌ فَلَوْ أَنَّ لِي مِنْكَ مَقْعَدَ الْخَضَمِ لَأَذَلْتُ بِحُجَّتِي قَالَ فَعَرَضْتُ لَهُ سِجَابَتَهُ فَنَطَقَ فِيهَا نَاطِقٌ فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَذَلِّ بِحُجَّتِكَ قَالَ فَشَدَّ عَلَيْهِ مِزْرَهُ وَ جَنَّا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرًا قَطُّ إِلَّا لَزِمْتُ أَحْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَ لَمْ أَكُلْ أَكْلًا مِنْ طَعَامٍ إِلَّا وَ عَلَى خِوَانِي يَتِيمٌ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَيُّوبُ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ الطَّاعَةَ قَالَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ تَرَابٍ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ يَا رَبِّ. (علل الشرايع، ج ۱، باب ۶۵، ح ۵)

و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: حضرت ایوب هفت سال بدون هیچ گناهی [او تنها به خاطر امتحان و پاسخ دادن به ابلیس] گرفتار بلا شد (۱).

۱۱- معنای «قاب قوسین او ادنی»

ثابت بن دینار گوید: به امام سجاد (علیه السلام) گفتم: آیا برای خدا مکانی است؟ فرمود: او منزّه از مکان است. گفتم: پس برای چه خداوند پیامبر خود را به آسمان برد؟ فرمود: برای این که ملکوت آسمان ها و عجائب صنع خود را به او نشان بدهد، گفتم: معنای آیه «ثُمَّ دَنَىٰ فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» چیست؟ فرمود: مقصود این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حجاب های نور نزدیک شد و ملکوت آسمان ها و ملک و سلطنت الهی را مشاهده نمود و سپس به طرف پایین و روی زمین نظر کرد و ملکوت الهی را در زمین دید و چنان خود را نزدیک زمین دید که گمان کرد فاصله او تا زمین به اندازه «قاب قوسین» و یا کمتر از آن است. یونس بن عبدالرحمان گوید: به امام کاظم (علیه السلام) گفتم: برای چه خداوند پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) را به آسمان برد و از آنجا به سدره المنتهی و از سدره المنتهی به حجب نور برد، و با او در آنجا مخاطبه نمود و مناجات کرد در حالی که خداوند را مکانی نیست؟

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: خداوند را زمان و مکانی نیست و او موصوف به مکان و زمان نمی شود و لکن خداوند می خواست ملائکه و اهل آسمان ها را مشرف به ملاقات و مشاهده پیامبر خود نماید، و به پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز عجایب صنع و عظمت خویش را نشان دهد تا در روی زمین مردم را به آن آگاه سازد و هرگز مقصود [از معراج] چیزی که اهل تشبیه می گویند نیست «سبحان الله و تعالی عما یصفون» (۲).

ص: ۱۵

۱- ... وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَّاءِ عَنْ فَضْلِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ابْتُلِيَ أَيُّوبُ عَ سَبْعِ سِنِينَ بِلَا ذَنْبٍ. (همان ح ۳)

۲- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّنَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الدَّقَاقِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَدِيٍّ اللَّهُ الْكُوفِيُّ الْأَسَدِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ قَالَ سَأَلْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنِ اللَّهِ حَيْلَ جَلَالِهِ هَلْ يُوصَفُ بِمَكَانٍ فَقَالَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَلَمَّا أُسِرَ بَنِيهِ مُحَمَّدٌ ص إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِإِيرِيَهُ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَ بَدَائِعِ خَلْقِهِ قُلْتُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى قَالَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَنَا مِنْ حُجْبِ النُّورِ فَرَأَى مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ تَدَلَّى ص فَانظَرَ مِنْ تَحْتِهِ إِلَى مَلَكُوتِ الْأَرْضِ حَتَّى ظَنَّ أَنَّهُ فِي الْقُرْبِ مِنَ الْأَرْضِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى. - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ وَ صَالِحِ بْنِ السَّنَدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع لَأَيِّ عَرَجَ اللَّهُ بَنِيهِ ص إِلَى السَّمَاءِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرِهِ الْمُنتَهَى وَ مِنْهَا إِلَى حُجْبِ النُّورِ وَ خَاطَبَهُ وَ نَاجَاهُ هُنَاكَ وَ اللَّهُ لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ وَ

لَا يَجْرِي عَلَيْهِ زَمَانٌ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرَادَ أَنْ يُشْرَفَ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ سَيَّكَانَ سَمَاوَاتِهِ وَ يُكْرِمَهُمْ بِمُشَاهَدَتِهِ وَ يُرِيَهُ مِنْ عَجَائِبِ عَظَمَتِهِ
مَا يُخْبِرُ بِهِ بَعِيدَ هُبُوطِهِ وَ لَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا يَقُولُهُ الْمُشَبِّهُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ. (علل الشرايع، ج ١ - باب ١١٢،
ح ٢١)

مرحوم صدوق با سند خود از جابر جعفی نقل نموده که گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: برای چه مردم نیاز به پیامبر و امام - صلوات الله علیهما- دارند؟ فرمود: برای این که بر صلاح و سلامت خود باقی بمانند، چرا که خداوند با بودن پیامبر و یا امام، عذاب را از اهل زمین برمی دارد، چنان که می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» یعنی ای رسول من، تا وقتی تو بین مردم هستی خداوند مردم را عذاب نخواهد نمود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء و أهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب النجوم أتى أهل السماء ما يكرهون و إذا ذهب أهل بيتي أتى أهل الأرض ما يكرهون»

یعنی ستارگان امان برای اهل آسمان اند و اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند و چون ستارگان از بین بروند اهل آسمان گرفتار [فنا و نابودی] می شوند و چون اهل بیت من روی زمین نباشند اهل زمین گرفتار [عذاب و فنا] می شوند.

سپس امام باقر (علیه السلام) فرمود: مقصود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از اهل بیت او، اوصیا و امامانی هستند که خداوند اطاعت از آنان را همراه با اطاعت از خود قرار داده و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و آنان همان معصومان پاکی هستند که اهل گناه و معصیت نیستند و خداوند آنان را تأیید و توفیق و تسدید می نماید و به خاطر آنان به بندگان خود روزی می دهد، و شهرها به برکت وجود آنان آباد می گردد و آسمان به خاطر آنان برکات خود را نازل می کند و زمین برکات خود را بیرون می آورد و به خاطر آنان خداوند به اهل معصیت مهلت می دهد و در عقوبت آنان تعجیل نمی کند، و روح القدس از اهل بیت (علیهم السلام) جدا نمی شوند و آنان نیز از روح القدس جدا نمی شوند و آنان از قرآن جدا نمی شوند و قرآن نیز از آنان جدا نخواهد بود صلوات الله علیهم اجمعین (۱).

ص: ۱۶

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع لَأَيِّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَ الْإِمَامِ فَقَالَ لِبِقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صِلَاةٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ قَالَ النَّبِيُّ ص النَّجْمُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا ذَهَبَتِ النَّجْمُ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ وَ إِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ يَعْنِي بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيُّمَةَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ هُمُ الْمُعْصُومُونَ الْمُطَهَّرُونَ الَّذِينَ لَا يُذَيَّبُونَ وَ لَا يَعْصُونَ وَ هُمُ الْمُؤَيَّدُونَ الْمُؤَقَّفُونَ الْمُسَدَّدُونَ بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَ بِهِمْ تُعْمَرُ بِلَادُهُ وَ بِهِمْ يُنَزَّلُ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ وَ بِهِمْ يُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَ بِهِمْ يُمَهَّلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَ لَا يُعَجَّلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ الْعَذَابِ لَا يُفَارِقُهُمْ رُوحُ الْقُدْسِ وَ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (علل الشرايع، ج ۱، باب ۱۰۳، ح ۱)

۱۳- اختصاص لقب أمير المؤمنين به علی (علیه السلام)

ابوحزمه ثمالی گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: برای چه علی (علیه السلام) به أمير المؤمنين ملقب شد و احدی قبل از او و بعد از او دارای چنین لقبی نبوده و نخواهد بود؟ امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خاطر این که او امیر علم بود و علم و دانش از او صادر شد و مردم از علم او بهره مند شدند و احدی دارای چنین دانشی نبود.

ابوحزمه گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا برای چه شمشیر او ذوالفقار نامیده شد؟ امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خاطر این که آن شمشیر را بر احدی نزد مگر آنکه او و اهل و فرزندانش را در دنیا فقیر و بیچاره نمود و در آخرت نیز از بهشت محروم و فقیر کرد. گفتم:

ای فرزند رسول خدا آیا همه شما قائم به حق نیستید؟ فرمود: آری. گفتم: پس برای چه تنها قائم شما را قائم می گویند؟ امام (علیه السلام) فرمود: به خاطر این که چون جد من حسین (علیه السلام) کشته شد ملائکه به درگاه خداوند نالیدند و صدای گریه و ضجه آنان بلند شد و گفتند:

خدایا آیا با کیفر خود از کسانی که امام و برگزیده تو و بهترین خلق تو را کشته اند انتقام نمی گیری؟! و خداوند به آنان وحی نمود: آرام باشید ای ملائکه سوگند به عزت و جلالم از آنان در آینده انتقام خواهم گرفت. سپس خداوند پرده از چهره فرزندان حسین (علیهم السلام) برداشت و ملائکه مسرور شدند و دیدند یکی از آنان در حال قیام است و نماز می خواند و خداوند فرمود: به وسیله این شخص قائم از آنان انتقام خواهم گرفت (۱).

ص: ۱۷

۱- ... حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جُمُهورِ الْعَمِّيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ ثَابِتِ بْنِ دِينَارِ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَ عَلِيُّ عَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ اسْمٌ مَا سُمِّيَ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ قَالَ لِأَنَّهُ مِيرَةُ الْعِلْمِ يَمْتَارُ مِنْهُ وَ لَا يَمْتَارُ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِهِ قَالَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَلِمَ سُمِّيَ سَيْفُهُ ذَا الْفَقَارِ فَقَالَ عَ لِأَنَّهُ مَا ضُرِبَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا أَفْقَرَهُ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَفْقَرَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَلَسْتُمْ كُلُّكُمْ قَائِمِينَ بِالْحَقِّ قَالَ بَلَى قُلْتُ فَلِمَ سُمِّيَ الْقَائِمُ قَائِمًا قَالَ لَمَّا قُتِلَ حَيْدَى الْحَسَيْنِ عَ ضَجَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ قَالُوا إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا أَ تَعْفَلُ عَمَّنْ قَتَلَ صِفْوَتَكَ وَ ابْنَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوْعَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَنْتَقَمَنَّ مِنْهُمْ وَ لَوْ بَعِيدَ حِينٍ ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِ الْأَثَمِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَيْنِ عَ لِلْمَلَائِكَةِ فَسِرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقَمَنَّ مِنْهُمْ.

(علل الشرايع، ج ۱، باب ۱۲۹، ح ۱)

مفضل گوید (۱):

به امام صادق (علیه السلام) گفتم: برای چه امیرالمؤمنین (علیه السلام) «قسیم الجنه و النار» است؟ فرمود:

به خاطر این که دوستی او ایمان و دشمنی او کفر است، و بهشت برای اهل ایمان خلق شده و آتش برای اهل کفر خلق شده است و داخل بهشت نمی شود مگر اهل محبت او و داخل آتش نمی شود مگر اهل دشمنی با او. مفضل گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا پیامبران و اوصیای آنان (علیهم السلام) او را دوست می داشته اند و دشمنان آنان نیز او را دشمن می داشته اند؟ فرمود: آری. گفتم: چگونه می شود؟ فرمود: آیا نمی دانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ خبیر فرمود:

«لأعطين الراية غداً رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله لا يرجع حتى يفتح الله على يديه» یعنی فردا پرچم اسلام را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسول را دوست می دارد و خدا و رسول نیز او را دوست می دارند و از میدان جنگ باز نمی گردد تا خداوند به دست او فتح و پیروزی بدهد و در آن روز رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم اسلام را به دست علی (علیه السلام) داد و خداوند او را پیروز نمود؟ گفتم: آری. فرمود:

آیا نمی دانی که برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرغ بریان کرده ای آوردند و آن حضرت فرمود: خدایا بهترین خلق خود را بفرست تا با من از این مرغ بریان کرده بخورد، و مقصود او علی (علیه السلام) بود؟ گفتم: آری. فرمود: آیا امکان دارد که پیامبران خدا و اوصیای آنان (علیهم السلام) کسی که خدا

ص: ۱۸

۱- ... حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا أَبُو الْعَبَّاسِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَزْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ع لِمَ صَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ قَالَ لِأَنَّ حُبَّهُ إِيْمَانٌ وَبُغْضُهُ كُفْرٌ وَإِنَّمَا خُلِقَتِ الْجَنَّةُ لِأَهْلِ الْإِيْمَانِ وَخُلِقَتِ النَّارُ لِأَهْلِ الْكُفْرِ فَهُوَ ع قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ لِهَيْدِهِ الْعِلْمَ فَالْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا أَهْلُ مَحَبَّتِهِ وَالنَّارُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا أَهْلُ بُغْضِهِ قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ ع كَانُوا يُحِبُّونَهُ وَ أَعْدَاؤُهُمْ كَانُوا يُبْغِضُونَهُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ فَدَفَعَ الرَّايَةَ إِلَيَّ ع فَفَتَحَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى يَدَيْهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمَّا أُتِيَ بِالطَّائِرِ الْمَشُورِيِّ قَالَ ص اللَّهُمَّ إِنِّي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ وَ إِلَيَّ يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّائِرِ وَ عَنِي بِهِ عَلِيٌّ ع قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ لَا يُحِبَّ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ وَ أَوْصِيَاءُؤُهُمْ ع رَجُلًا يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ يُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَقُلْتُ لَهُ لِمَا قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ أُمَّهِمْ لَمَّا يُحِبُّونَ حَبِيبَ اللَّهِ وَ حَبِيبَ رَسُولِهِ وَ أَنْبِيَاءَهُ ع قُلْتُ لِمَا قَالَ فَصَدَّقْتُ أَنَّ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ كَانُوا لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مُحِبِّينَ وَ ثَبَّتَ أَنَّ أَعْدَاءَهُمْ وَ الْمُخَالِفِينَ لَهُمْ كَانُوا لَهُمْ وَ لِجَمِيعِ أَهْلِ مَحَبَّتِهِمْ مُبْغِضِينَ قُلْتُ نَعَمْ

قَالَ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَبْغَضَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَهُوَ إِذَنْ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ قَالَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمَرَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَرَجَتْ عَنِّي فَرَجَ اللَّهِ عَنْكَ فَرِدْنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ قَالَ سَلْ يَا مُفَضَّلُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَعَلَيْئِي بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ يُدْخِلُ مُحِبَّهُ الْجَنَّةَ وَ مُبْغِضَهُ النَّارَ أَوْ رِضْوَانُ وَ مَالِكُ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ هُوَ رُوحٌ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ ع وَ هُمْ أَرْوَاحٌ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِالْفِي عَامَ فَقُلْتُ بَلَى قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ دَعَاهُمْ إِلَى تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ أَمْرِهِ وَ وَعَيْدِهِمْ الْجَنَّةَ عَلَى ذَلِكَ وَ أَوْعَيْدَ مَنْ خَالَفَ مَا أَجَابُوا إِلَيْهِ وَ أَنْكَرَهُ النَّارَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَ فَلَيْسَ النَّبِيُّ ص ضَامِنًا لِمَا وَعَيْدَ وَ أَوْعَيْدَ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ بَلَى - قَالَ أ وَ لَيْسَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتَهُ وَ إِمَامَ أُمَّتِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ أ وَ لَيْسَ رِضْوَانُ وَ مَالِكُ مِنْ جُمَّلِهِ الْمَلَائِكَةِ وَ الْمُسَدِّ تَغْفِرِينَ لِشَيْعَتِهِ النَّاجِينَ بِمُحَبَّتِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَعَلَيْئِي بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِذَنْ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رِضْوَانُ وَ مَالِكُ صَادِرَانِ عَنْ أَمْرِهِ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا مُفَضَّلُ خُذْ هَذَا فَإِنَّهُ مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ لَا تُخْرِجُهُ إِلَّا إِلَى أَهْلِهِ. (علل الشرايع ج ١، باب ١٣٠، ح ١)

و رسول، او را دوست می دارند و او خدا و رسول او را دوست می دارد، دوست نداشته باشند؟ گفتم: نه. فرمود:

آیا امکان دارد که مؤمنین از ائمت های پیامبران پیشین حبیب خدا و حبیب رسول خدا و حبیب پیامبران خود را دوست نداشته باشند؟ گفتم: نه. فرمود: پس روشن شد که جمیع پیامبران و مؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دوست می داشته اند، و دشمنان و مخالفین آن ها نیز علی (علیه السلام) و دوستان او را دشمن می داشته اند گفتم: آری چنین است. فرمود: بنابراین داخل بهشت نمی شود احدی از اولین و آخرین جز کسی که علی (علیه السلام) را دوست می داشته، و احدی از اولین و آخرین نیز داخل آتش نمی شود مگر کسی که با علی (علیه السلام) دشمن بوده، پس علی (علیه السلام) قسمت کننده بهشت و دوزخ است.

مفضل گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا «فَرَجَتْ عَنِّي فَرَجَ اللَّهِ عَنكَ» اکنون مرا از علم و دانش خود بهره مند کنید. فرمود: سؤال کن. گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا علی بن ابیطالب (علیه السلام) دوستان و دشمنان خود را داخل بهشت و دوزخ می نماید و یا رضوان و مالک آنان را داخل بهشت و دوزخ می نمایند؟ امام (علیه السلام) فرمود: ای مفضل آیا نمی دانی خدای تبارک و تعالی دو هزار سال قبل از خلقت خلق خود روح پیامبر خویش (صلی الله علیه و آله و سلم) را مبعوث بر ارواح پیامبران نمود؟ گفتم: آری. فرمود: آیا می دانی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را دعوت به توحید و اطاعت خدا نمود و به آنان وعده بهشت داد و به مخالفین آنان وعده آتش و دوزخ داد؟ گفتم: آری. فرمود: آیا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ضامن وعده خود به آنان نیست؟ گفتم: چرا. فرمود: آیا علی بن ابیطالب (علیه السلام) خلیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام امت او نبود؟ گفتم: آری. فرمود: آیا رضوان و مالک از جمله ملائکه و مستغفرین بر شیعیان و محبین علی (علیه السلام) نیستند؟ گفتم: آری. فرمود: پس علی بن ابیطالب (علیه السلام) «قسیم الجنّه و النار» است از ناحیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و رضوان و مالک به امر خدا مطیع او هستند.

سپس فرمود: ای مفضل آنچه گفتم از اسرار علم ماست و تو برای ناهلان این اسرار را بازگو مکن.

۱۵- پسر عمّ وارث شد و عمّ وارث نشد؟!

اشاره

مرحوم صدوق با سند خود از ربیع بن ناجد نقل کرده که مردی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: یا امیرالمؤمنین برای چه شما که پسر عمّ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودی وارث او شدی و عموی او عبّاس وارث او نشد؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای مردم گوش های خود را باز کنید و به سخن من گوش فرا دهید. سپس فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ما را - که فرزندان عبدالمطلب بودیم - در خانه ای جمع نمود و دستور داد تا یک مد نیم از طعام [که حدود یک کیلو می باشد] با ظرفی از شیر آماده کردند، و همه ما که [چهل نفر بودیم] از آن طعام و آن شیر خوردیم و آن طعام به حال خود باقی ماند در حالی که بین ما کسانی بودند که یک گوسفند و قدحی از شیر را می خوردند و سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

با دیدن این [معجزه] کدامیک از شما با من بیعت می کند، که برادر و وارث و وصی من باشد؟ پس من که کوچکتر از بقیه بودم حرکت کردم و گفتم: من با شما بیعت می کنم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بنشین و سپس سه مرتبه سخن خود را تکرار نمود و در هر مرتبه [تنها] من پاسخ او را دادم [و دیگران سکوت کرده بودند] پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست بر دست من زد [و با من بیعت نمود] و به این علت من وارث او شدم و عموی او عباس وارث او نشد (۱).

علی (علیه السلام) بر شانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) قدم گذارد!

محمد بن حرب هلالی امیر مدینه گوید (۲): به امام صادق (علیه السلام) گفتم: مسأله ای در ذهن من هست می خواهم از شما سؤال کنم، امام (علیه السلام) فرمود: اگر خواسته باشی قبل از سؤال تو، من مسأله تو را

ص: ۲۰

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصِيرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ غِيَاثٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبَّاسٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي صَادِقٍ عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِعَلِيِّ ع يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا وَرِثْتَ ابْنَ عَمِّكَ دُونَ عَمِّكَ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَافْتَحُوا آذَانَكُمْ وَاسْتَمِعُوا فَقَالَ ع جَمَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فِي بَيْتِ رَجِيلٍ مِنَّا أَوْ قَالَ أَكْبَرْنَا فَنَدَعَا بِمِدٍّ وَنُصْفِ مِنْ طَعَامٍ وَقَدَحٍ لَهُ يُقَالُ لَهُ الْغَمْرُ فَأَكَلْنَا وَشَرَبْنَا وَبَقِيَ الطَّعَامُ كَمَا هُوَ وَالشَّرَابُ كَمَا هُوَ وَفِينَا مَنْ يَأْكُلُ الْجِدْعَةَ وَيَشْرَبُ الْفَرْقَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ قَدْ تَرَوْنَ هَذِهِ فَأَيْتُكُمْ يُبَايِعُنِي عَلِيُّ أَنَّهُ أَخِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّ فَقُمْتُ إِلَيْهِ وَكُنْتُ أَصْغَرَ الْقَوْمِ وَقُلْتُ أَنَا قَالَ اجْلِسْ ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّ ذَلِكَ أَقَوْمٌ إِلَيْهِ فَيَقُولُ اجْلِسْ حَتَّى كَانَ فِي الثَّلَاثَةِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلِيَّ يَدِي فَبَدَلَكَ وَرِثْتَ ابْنَ عَمِّي دُونَ عَمِّي. (علل الشرايع ج ۱- باب ۱۳۳ ح ۱)

۲- ... حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْمُكْتَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ سَعِيدٍ بْنِ قَلْبُوَيْهِ الْمَعْدَلِيُّ بِالرَّافِقَةِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ كَثِيرٍ التَّمِيمِيُّ الْيَمَانِيُّ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ حَزْبِ الْهَلَالِيِّ أَمِيرَ الْمَدِينَةِ يَقُولُ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فِي نَفْسِي مَسْأَلَةٌ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهَا فَقَالَ إِنَّ شَيْئًا أَخْبَرْتُكَ بِمَسْأَلَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلَنِي وَإِنْ شِئْتَ فَسَلْ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَبِأَيِّ شَيْءٍ تَعْرِفُ مَا فِي نَفْسِي قَبْلَ سُؤَالِي فَقَالَ بِالتَّوَسُّمِ وَالتَّقَرُّسِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ فِي ذَاتِكَ لَأَيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَقَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبَرَنِي بِمَسْأَلَتِي قَالَ أَرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص لِمَ لَمْ يُطَقْ حَمْلُهُ عَلَيَّ ع عِنْدَ حَطِّ الْأَصِيَامِ مِنْ سَطْحِ الْكَعْبَةِ مَعَ قُوَّتِهِ وَشِدَّتِهِ وَمَا ظَهَرَ مِنْهُ فِي قَلْعِ بَابِ الْقُمُوصِ بِخَيْبَرَ وَالرَّمِي بِهِ إِلَى وَرَائِهِ أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا وَكَانَ لَا يُطِيقُ حَمْلَهُ

أَرْبَعُونَ رَجُلًا وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَرْكَبُ النَّاقَةَ وَالْفَرَسَ وَالْحِمَارَ وَرَكِبَ الْمِعْرَاجَ وَكُلَّ ذَلِكَ دُونَ عَلِيٍّ فِي الْقُوَّةِ وَالشِدَّةِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ عَنْ هَذَا وَاللَّهِ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبِرَنِي فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا ع بِرَسُولِ اللَّهِ تَشَرَّفَ وَبِهِ ارْتَفَعَ وَبِهِ وَصِلَ إِلَى أَنْ أَطْفَأَ نَارَ الشُّرُكِ وَأَبْطَلَ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَوْ عَلَاهُ النَّبِيُّ ص لِحَطِّ الْأَضْيَانِ لَكَانَ ع بَعْلِي مُزْتَفِعًا وَتَشْرِيفًا وَوَاصِلًا إِلَى حَطِّ الْأَضْيَانِ وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَكَانَ أَفْضَلَ مِنْهُ أَلَا تَرَى أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا عَلَوْتُ ظَهْرَ رَسُولِ اللَّهِ ص شَرَّفْتُ وَارْتَفَعْتُ حَتَّى لَوْ شِئْتُ أَنْ أَنْالَ السَّمَاءَ لَنَلْتُهَا أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمَضِيْبَاحَ هُوَ الَّذِي يُهْتَدَى بِهِ فِي الظُّلْمَةِ وَانْبِعَاطُ فَرْعِهِ مِنْ أَضِيْلِهِ وَقَدْ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا مِنْ أَحْمَدَ كَالضُّوْءِ مِنَ الضُّوْءِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا ص كَانَا نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِالْفَنَى عَامٌ وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ النُّورَ رَأَتْ لَهُ أَضِيْلًا قَدْ تَشَعَّبَ مِنْهُ شُعَاعٌ لَامِعٌ فَقَالَتْ إلهِنَا وَ سَيِّدِنَا مَا هَذَا النُّورُ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي أَضِيْلُهُ نُبُوَّةٌ وَ فَرْعُهُ إِمَامَةٌ أَمَّا النَّبُوَّةُ فَلِمُحَمَّدٍ عِبْدِي وَ رَسُولِي وَ أَمَّا الْإِمَامَةُ فَلِعَلِيٍّ حُجَّتِي وَ وِثْيِي وَ لَوْلَاهُمَا مَا خَلَقْتُ خَلْقِي أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَفَعَ يَدَ عَلِيٍّ ع بِغَدِيرِ خُمٍّ حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَى بِيْضِ إِبْطِئِهِمَا فَجَعَلَهُ مَوْلى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامَهُمْ وَ قَدْ اخْتَمَلَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ حَظِيرِهِ بَنِي النَّجَّارِ فَلَمَّا قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ نَاوِلْنِي أَحَدَهُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نِعَمَ الرَّاكِبَانِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ أَنَّهُ ص كَانَ يُصَلِّي بِأَصْحَابِهِ فَأَطَالَ سِجْدَهُ مِنْ سِجْدَاتِهِ فَلَمَّا سَلَّمَ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ هَذِهِ السَّجْدَةَ فَقَالَ ص إِنَّ ابْنِي ارْتَحَلَنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْمِجَلَهُ حَتَّى يَنْزِلَ وَ إِنَّمَا أَرَادَ بِجَدِّكَ ص رَفَعَهُمْ وَ تَشْرِيفَهُمْ فَالنَّبِيُّ ص إِمَامٌ وَ نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ ع إِمَامٌ لَيْسَ بِنَبِيٍّ وَ لَا رَسُولٍ فَهُوَ غَيْرُ مُطِيقٍ لِحَمْلِ أَثْقَالِ النَّبُوَّةِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَرْبٍ الْهَلَالِيُّ فَقُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّكَ لَأَهْلٌ لِلزِّيَادَةِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَمَلَ عَلِيًّا ع عَلَى ظَهْرِهِ يُرِيدُ بِجَدِّكَ أَنَّهُ أَبُو وَلَدِهِ وَ إِمَامُ الْأَيْمَةِ مِنْ صُلْبِهِ كَمَا حَوَّلَ رِدَاءَهُ فِي صِلَامِهِ الْإِسْتِشْيَاءِ وَ أَرَادَ أَنْ يُعْلِمَ أَصْحَابَهُ بِجَدِّكَ أَنَّهُ قَدْ تَحَوَّلَ الْجَدْبُ حَضِيْبًا قَالَ قُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ اخْتَمَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُرِيدُ بِجَدِّكَ أَنْ يُعْلِمَ قَوْمَهُ أَنَّهُ هُوَ الَّذِي يُخَفِّفُ عَنْ ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا عَلَيْهِ مِنَ الدِّينِ وَ الْعِدَاتِ وَ الْأَدَاءِ عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ زِدْنِي فَقَالَ اخْتَمَلَهُ لِيُعْلِمَ بِذَلِكَ أَنَّهُ قَدْ اخْتَمَلَهُ وَ مَا حَمَلَ إِلَّا لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ لَا يَحْمِلُ وَ زُرًّا فَتَكُونُ أفعالُهُ عِنْدَ النَّاسِ حِكْمَةً وَ صَوَابًا وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَمَلَنِي ذُنُوبَ شَيْعَتِكَ ثُمَّ غَفَرَهَا لِي وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ قَالَ النَّبِيُّ ص أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ وَ عَلِيٌّ نَفْسِي وَ أَحْيَى أَطِيعُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ مُطَهَّرٌ مَعْصُومٌ لَمَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَرْبٍ الْهَلَالِيُّ ثُمَّ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع أَيُّهَا الْأَمِيرُ لَوْ أَحْبَبْتُكَ بِمَا فِي حَمْلِ النَّبِيِّ ص عَلِيًّا عِنْدَ حَطِّ الْأَضْيَانِ مِنْ سَيْطِحِ الْكُفْبِهِ مِنَ الْمَعَانِي الَّتِي أَرَادَهَا بِهِ لَقُلْتُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَمَجْنُونٌ فَحَسْبُكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ سَمِعْتَ فَقُمْتُ إِلَيْهِ وَ قَبَلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ اللَّهُ أَغْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رسالته. (علل الشرايع، ج ١، باب ١٣٩، ح ١)

بیان می کنم و گرنه سؤال کن. گفتم: ای فرزند رسول خدا از کجا از باطن من خبر دارید؟ فرمود: به وسیله تو سَم و تفرّس، مگر سخن خدا را نشنیده ای که می فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (۱)

و سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) را نشنیده ای که می فرماید: «اتَّقُوا فراسه المؤمن فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بنور الله؟» پس گفتم: ای فرزند رسول خدا اکنون سؤال مرا بیان کنید فرمود:

تو می خواستی سؤال کنی برای چه علی (علیه السلام) هنگام شکستن بت ها از بالای کعبه، طاقت حمل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) را نداشت با آن نیروی فراوانی که در وجود او بود و به وسیله آن درب قلعه خیبر را که چهل نفر نمی توانستند آن را حرکت بدهند از جای خود کند و چهل ذراع آن را به عقب سر پرتاب نمود. در حالی که وزن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) را شتر و اسب و الاغ تحمل می کردند و در شب معراج نیز آن حضرت بر براق سوار شد و همه این ها به اندازه علی (علیه السلام) قدرت نداشتند؟ گفتم: به خدا سوگند، من همین سؤال را می خواستم بکنم، اکنون پاسخ سؤال من را بدهید.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: علی (علیه السلام) به برکت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) به شرافت و مقام عالی رسید و آتش شرک را خاموش نمود و معبودهای دورغی را از بین برد، و اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) برای شکستن بت ها پای خود را بر شانه علی (علیه السلام) می گذارد در آن صورت به واسطه علی به شرافت و مقام عالی رسیده بود، و بت ها را می شکست و اگر چنین می شد مقام علی (علیه السلام) افضل از او می بود، مگر نمی دانی که علی (علیه السلام) هنگامی که پای خود را بر شانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) می گذارد فرمود: من بقدری بالا رفتم که می توانستم به آسمان دست پیدا کنم؟..

ص: ۲۱

و آیا نمی دانی که علی (علیه السلام) فرمود: «انا من أحمد كالضوء من الضوء» و آیا نمی دانی که محمد و علی صلوات الله علیهما دو نور بودند و دو هزار سال قبل از خلقت عالم در پیشگاه خداوند خلق شده بودند و ملائکه چون این دو نور را دیدند و مشاهده کردند که برای آن ها اصلی است و از آن اصل شعاعی نورانی منتشر می شود به خدای خود گفتند: پروردگارا این نور چیست؟ و خداوند به آنان وحی نمود: این نوری است از نور من و اصل آن نبوت است و فرع آن امامت می باشد و نبوت مربوط به بنده و رسول من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و امامت مربوط به حجت و ولی من علی (علیه السلام) می باشد و اگر این دو نمی بودند من کسی را خلق نمی کردم...

سپس امام صادق (علیه السلام) به امیر مدینه فرمود: اگر من همه اسرار حمل کردن رسول خدا علی (علیه السلام) را برای پایین آوردن بت ها از کعبه برای تو بگویم، خواهی گفت: جعفر بن محمد مجنون شده است و همین اندازه تو را بس باشد. پس من برخاستم و سر مبارک آن حضرت را بوسه زدم و گفتم: «الله أعلم حيث يجعل رسالته».

علی علیه السلام در جنگ تبوک نبود و دو سهم از غنائم را گرفت!

مرحوم صدوق از ابوهریره و فرات بن ابراهیم نقل نموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که از جنگ [تبوک] به مدینه بازگشت به علی (علیه السلام) دو سهم از غنائم را اختصاص داد- در حالی که علی (علیه السلام) به دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه مانده بود- و فرمود:

ای مردم من شما را به حق خدا و رسول او سوگند می دهم آیا شما آن اسب سواری که از سمت راست بر مشرکین حمله کرد و آنان را مغلوب نمود و نزد من آمد و گفت: ای محمد من سهم غنیمت خود را برای علی بن ابیطالب قرار دادم- و او جبرئیل بود- را دیدید؟ گفتند: آری. سپس فرمود: ای مردم شما را به حق خدا و رسول او سوگند می دهم، آیا شما آن اسب سواری که از ناحیه چپ به مشرکین حمله کرد و آنان را مغلوب نمود و نزد من آمد و گفت: من سهم خود را برای علی بن ابیطالب (علیه السلام) قرار دادم- و او میکائیل بود- را دیدید؟ گفتند: آری. سپس فرمود: به خدا سوگند من تنها سهم جبرائیل و میکائیل (علیهما السلام) را به علی (علیه السلام) دادم. پس مردم همگی صدا به تکبیر بلند کردند (۱).

ص: ۲۲

۱- ... حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي فِرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ اللَّؤْلُؤِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ نُوحٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ بَشْرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ خَلِيفَةَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْجَهْمِيِّ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ فَلَمَّا رَجَعَ النَّبِيُّ إِلَى الْمَدِينَةِ وَكَانَ عَلِيُّ قَدْ تَخَلَّفَ عَلَى أَهْلِهِ قَسَمَ الْمَغَانِمَ فَدَفَعَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَهْمَيْنِ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ مُتَخَلِّفٌ وَقَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ نَاشِدْتُكُمْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ أَلَمْ تَرَوْا إِلَى الْفَارِسِ الَّذِي حَمَلَ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ مِنْ يَمِينِ الْعَسَاكِرِ فَهَرَمَهُمْ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِي مَعَكَ سَهْمًا وَقَدْ جَعَلْتَهُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ جَبْرَائِيلُ عَ مَعَاشِرَ النَّاسِ نَاشِدْتُكُمْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ هَلْ رَأَيْتُمْ الْفَارِسَ الَّذِي حَمَلَ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ مِنْ يَسَارِ الْعَسَاكِرِ ثُمَّ رَجَعَ فَكَلَّمَنِي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِي مَعَكَ سَهْمًا وَقَدْ جَعَلْتَهُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَهُوَ مِيكَائِيلُ وَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ إِلَى عَلِيِّ عَ إِلَّا سَهْمَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ عَ فَكَبَّرَ النَّاسُ بِأَجْمَعِهِمْ. (علل الشرايع، ج ۱)

۱۶- چرا پیامبران گاهی غالب و گاهی مغلوب می گردیده اند؟

محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (رضی الله عنه) گوید (۱):

من و جماعتی خدمت نایب خاص امام زمان (علیه السلام) جناب شیخ ابوالقاسم حسین بن روح (قدس الله روحه) بودیم که مردی برخاست و گفت: من سؤالی دارم. جناب حسین بن روح فرمود: هر سؤالی داری بگو. آن مرد گفت: آیا حسین بن علی (علیهما السلام) ولی خدا نبود؟ فرمود: آری ولی خدا بود. سپس گفت: آیا قاتل او - لعنه الله - دشمن خدا نبود؟ فرمود: آری او دشمن خدا بود. آن مرد گفت: آیا صحیح است که خداوند دشمن خود را بر دوست خود مسلط نماید؟

پس حسین بن روح به او فرمود: به آنچه می گویم گوش فراده و بدان که خدای متعال با مردم به صورت شفاهی و مستقیم سخن نمی گوید و لکن برای آنان پیامبرانی از جنس خودشان می فرستد و اگر پیامبران را از غیر جنس بشر می فرستاد مردم از آنان فرار می کردند و سخن آنان را نمی پذیرفتند و چون خداوند پیامبران را از جنس انسان فرستاد و مردم دیدند آنان مانند بقیه مردم غذا می خورند و در بازارها حرکت می کنند گفتند:

ص: ۲۳

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلِقَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ رُوحٍ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَعَ جَمَاعَةٍ فِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ عِيْسَى الْقَضَيْرِيُّ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ أُرِيدُ أَسْأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ فَقَالَ لَهُ سَلْ عَمَّا يَدَا لَكَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَ أَ هُوَ وَوَلِيُّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَاتِلِهِ لَعَنَهُ اللَّهُ أ هُوَ عَدُوُّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ الرَّجُلُ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَلِّطَ اللَّهُ عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْقَاسِمِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ أَفَهُمْ عَنِّي مَا أَقُولُ لِمَكَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُخَاطَبُ النَّاسَ بِشَهَادَةِ الْعِيَانِ وَلَا يُشَافَهُهُمْ بِالْكَلَامِ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا مِنْ أَجْنَاسِهِمْ وَ أَصْنَافِهِمْ بِشَرٍّ مِثْلَهُمْ فَلَوْ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا مِنْ غَيْرِ صِنْفِهِمْ وَ صِدْرِهِمْ لَنَفَرُوا عَنْهُمْ وَ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُمْ فَلَمَّا حَيَّاهُ وَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ جِنْسِهِمْ يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ قَالُوا لَهُمْ أَنْتُمْ مِثْلُنَا فَلَمَّا نَقِيلُ مِنْكُمْ حَتَّى تَأْتُونَ [تَأْتُونَا] بِشَيْءٍ نَعْبِزُ أَنْ نَأْتِيَ بِمِثْلِهِ فَنَعْلَمَ أَنَّكُمْ مَخْصُوصُونَ دُونَنَا بِمَا لَا نَقْدِرُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُمُ الْمُعْجَزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ الْخَلْقُ عَنْهَا فَمِنْهُمْ مَنْ جَاءَ بِالطُّوفَانِ بَعِيدِ الْأَنْذَارِ وَ الْإِعْذَارِ فَفَرَّقَ جَمِيعَ مَنْ طَغَى وَ تَمَرَّدَ مِنْ أَلْفِي فِي النَّارِ فَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَيْلًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخْرَجَ مِنَ الْحَجْرِ الصَّلْدِ نَاقَةً وَ أَجْرَى فِي ضَرْعِهَا لَبَنًا وَ مِنْهُمْ مَنْ فُلِقَ لَهُ الْبَحْرُ وَ فُجِّرَ لَهُ مِنَ الْحَجْرِ الْعَيْوُنُ وَ جَعَلَ لَهُ الْعَصَا الْيَابِسَةَ تُعْبَانًا فَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ* وَ مِنْهُمْ مَنْ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ الْمَأْبُورَ وَ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْبَأَهُمْ بِمَا يَأْكُلُونَ وَ مَا يَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِهِمْ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَنْشَقَ لَهُ الْقَمَرُ وَ كَلَّمَتْهُ الْبَهَائِمُ مِثْلَ الْبَعِيرِ وَ الدُّبِّ وَ غَيْرِ ذَلِكَ فَلَمَّا أَتَوْا بِمِثْلِ ذَلِكَ وَ عَجَزَ الْخَلْقُ مِنْ أَمَمِهِمْ عَنْ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِهِ كَانَ مِنْ تَقْدِيرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لُطْفِهِ بَعْبَادِهِ وَ حِكْمَتِهِ أَنْ جَعَلَ أَنْبِيَاءَهُ مَعَ هَذِهِ الْمُعْجَزَاتِ فِي حَالِ غَالِبِينَ وَ فِي أُخْرَى مَغْلُوبِينَ وَ فِي حَالِ قَاهِرِينَ وَ فِي حَالِ مَقْهُورِينَ وَ لَوْ جَعَلَهُمْ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ غَالِبِينَ وَ قَاهِرِينَ وَ لَمْ يَبْتَلِهِمْ وَ لَمْ يَمْتَحِنَهُمْ لَاتَّخَذَهُمُ النَّاسُ آلِهَةً مِنْ دُونِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَمَّا عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الْمَحَنِ وَ الْإِخْتِارِ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْمِخْنَةِ وَ الْبُلُوَى صَابِرِينَ وَ فِي حَالِ الْعَافِيَةِ وَ الظُّهُورِ عَلَى الْأَعْيَادِ شَاكِرِينَ وَ يَكُونُوا فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ مُتَوَاضِعِينَ غَيْرِ شَامِخِينَ وَ لَمَّا مُتَجَبَّرِينَ وَ لِيَعْلَمَ الْعِيَادُ أَنَّ لَهُمْ عِزًّا هُوَ خَالِقُهُمْ وَ مِدْبَرُّهُمْ فَيَعْبُدُوهُ وَ يُطِيعُوا رَسُولَهُ وَ تَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى ثَابِتَةً عَلَى مَنْ

تَجَاوَزَ الْحَيْدَ فِيهِمْ وَادَّعَى لَهُمُ الرُّبُوبِيَّةَ أَوْ عَانَدَ وَخَالَفَ وَعَصَى وَجَحَدَ بِمَا أَتَتْ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ وَالرُّسُلُ وَلِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنِهِ
وَ يَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَعِيدْتُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ رُوحٍ قَدَّسَ
اللَّهُ رُوحَهُ مِنَ الْعَدُوِّ وَ أَنَا أَقُولُ فِي نَفْسِي أَ تَرَاهُ ذَكَرَ مَا ذَكَرَ لَنَا يَوْمَ أَمْسٍ مِنْ عِنْدِ نَفْسِهِ فَابْتَدَأَنِي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ لَأَنْ
أَخْرَجَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِي الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَيَحِقُّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِرَأْيِي وَ مِنْ
عِنْدِ نَفْسِي بَلْ ذَلِكَ عَنِ الْأَصْلِ وَ مَسْمُوعٌ عَنِ الْحُجَّةِ ص. (علل الشرايع، ج ١، باب ١٧٧، ح ١)

«شما چه فرقی با ما دارید و ما چیزی را از شما نمی پذیریم تا به دست شما کاری انجام شود که ما عاجز از آن باشیم و بدانیم که شما از ناحیه خداوند انتخاب شده اید» از این رو خداوند برای پیامبران خود معجزاتی قرار داد که مردم عاجز از انجام آن ها بودند و معجزه بعضی را مانند حضرت نوح (علیه السلام) پس از انداز و بیدارباش و اتمام حجت طوفان قرار داد و به وسیله آن، همه متمرّدین و سرکشان قوم او هلاک و غرق شدند و معجزه بعضی را مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت شدن آتش برای او قرار داد، و برای بعضی مانند حضرت صالح (علیه السلام) از میان سنگ شتر زنده بیرون آورد و از پستان او شیر جاری شد و برای بعضی مانند حضرت موسی (علیه السلام) دریا را شکافت. و از بین سنگ چشمه هایی را جاری نمود. وعصای او را تبدیل به اژدها کرد و او اسباب سحر ساحران را بلعید، و به بعضی مانند حضرت عیسی (علیه السلام) قدرت شفا دادن کوران و مبتلاهای به بیماری پسی و زنده کردن مرده ها و خبر دادن به اسرار زندگی مردم را قرار داد.

و برای برخی مانند حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلّم) ماه را دو نیم کرد و چهارپایان با او سخن گفتند، و چون پیامبران (علیهم السلام) این معجزات را نشان دادند و مردم از انجام آن ها عاجز شدند [حجت بر مردم تمام شد و عذری برای آنان باقی نماند و] حکمت خداوند بر این قرار گرفت که برخی از پیامبران و اوصیای آنان [غالب شوند و برخی مغلوب گردند، و در حالی غالب باشند و در حال دیگری مغلوب و اگر آنان را در همه احوال غالب قرار می داد و مبتلای به بلایی نمی شدند، مردم آنان را خدایان خود می پنداشتند.

از سویی مقام صبر آنان بر بلا و محنت و اختیار و انتخاب راه خیر ظاهر نمی شد، از این رو خداوند احوال پیامبران (علیهم السلام) را مانند دیگران قرار داد، تا در حال محنت و مصیبت صابر و در حال عافیت و پیروزی بر دشمن شاکر و در جمیع احوال خود متواضع و از تکبر و جباریت دور باشند، و مردم بدانند که آنان را نیز خالق و پروردگاریست که آنان او را می پرستند و از او اطاعت می کنند، بنابراین مردم نیز باید خدای ربّ العالمین را پرستش و اطاعت نمایند و با این نشانه ها حجت بر کسانی که درباره پیامبران و اوصیاء غلو می کنند و آنان را خدای خود می دانند و یا معاند و دشمن آنان می شوند و حق آنان را انکار می کنند و معجزاتشان را نمی پذیرند، تمام می شود و هر کسی دانسته هلاک و یا هدایت می شود.

محمد بن ابراهیم بن اسحاق گوید: من فردای آن روز نزد جناب حسین بن روح رفتم و در باطن خود می گفتم: آیا او دیروز این سخنان را از پیش خود گفت و یا از ناحیه امام زمان (علیه السلام) بود؟ پس یکباره جناب حسین بن روح شروع به سخن نمود و فرمود: ای محمد بن ابراهیم، اگر من طعمه درنده ای شوم و یا باد مرا در جای خطرناکی پرت کند، برای من محبوب تر از این است که از پیش خود این سخنان را بگویم بلکه این سخنان از ناحیه حجت الهی صلوات الله و سلامه علیه است.

اسرار و علل احکام اسلام در سخنان معصومین (علیهم السلام) مانند رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام صادق و ائمه دیگر صلوات الله علیهم اجمعین، فراوان بیان شده است و مرحوم صدوق برخی از آن ها را در کتاب *علل الشرایع* بیان نموده و برخی در کتاب های دیگر بیان شده است و ما مختصری از آنها را در چند بخش برای تته بیان می کنیم.

۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد اسلام ده سهم و ده وجه است و زیانکار کسی است که دارای یکی از آن ها نباشد:

۱- شهادت به یگانگی خداوند که آن کلمه اساسی و اصلی اسلام است.

۲- اقامه نماز که آن سبب پاکی و طهارت انسان مؤمن است.

۳- پرداختن زکات که آن دلیل فطرت [و سبب پاکی مؤمن] است.

۴- روزه ماه مبارک رمضان که آن سپری است برای مؤمن در مقابل آتش دوزخ.

۵- انجام حج بیت الله الحرام که آن سبب باقی ماندن در شریعت اسلام است.

۶- جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اسلام که آن سبب عزت اسلام و مسلمین است.

۷- امر به معروف که آن سبب وفاداری به دین و حمایت از آن است.

۸- نهی از منکر که آن حجتی است در مقابل گنهکاران و حجتی است برای مؤمن در مقابل خداوند.

۹- شرکت در جماعات و اجتماعات مسلمین و آن سبب الفت مسلمین با همدیگر است.

۱۰- اطاعت از خدا و رسول و اوصیا (علیهم السلام) و آن سبب عصمت و برقراری اسلام است.

تا این که فرمود: سپس حبیب من جبرئیل گفت: مثل این دین، مثل درخت ثابتی است که ایمان اصل آن و نماز ریشه های آن و زکات آب آن و روزه شاخه آن و حسن خلق برگ آن و خودداری از محرّمات میوه آن باشد و هیچ درختی بدون میوه به کمال نمی رسد و ایمان نیز بدون پرهیز از محرّمات به کمال نمی رسد (۱).

۲- امیرالمؤمنین (علیه السلام) همواره می فرمود: بهترین وسیله ای که مردم برای نجات خود می توانند به دست بیاورند ایمان به خدا و رسول او و جهاد در راه خدا و کلمه اخلاص یعنی [لا إله إلا الله] است که آن

١- وَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَيَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَبْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ قَالَ إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّيْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ مُعَمَّرٍ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَاءَنِي جِبْرِئِيلُ فَقَالَ لِي يَا أَحْمَدُ الْإِسْلَامُ عَشْرَةٌ أَشْهُمٌ وَقَدْ خَابَ مَنْ لَا سَهْمَ لَهُ فِيهَا أَوْلُهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ الْكَلِمَةُ وَ الثَّانِيَةُ الصَّلَاةُ وَ هِيَ الطُّهُرُ وَ الثَّلَاثَةُ الزَّكَاةُ وَ هِيَ الْفِطْرَةُ وَ الرَّابِعَةُ الصَّوْمُ وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ الْخَامِسَةُ الْحَجُّ وَ هِيَ الشَّرِيعَةُ وَ السَّادِسَةُ الْجِهَادُ وَ هُوَ الْعِزُّ وَ السَّابِعَةُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الْوَفَاءُ وَ الثَّمَانَةُ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ هِيَ الْحُجَّةُ وَ التَّاسِعَةُ الْجَمَاعَةُ وَ هِيَ الْأُلْفَةُ وَ الْعَاشِرَةُ الطَّاعَةُ وَ هِيَ الْعِصْمَةُ قَالَ حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا وَ الصَّلَاةُ عُرْوَتُهَا وَ الزَّكَاةُ مَأْوَاهَا وَ الصَّوْمُ سَعْفُهَا وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُّهَا وَ الْكُفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ثَمَرُهَا فَلَمَّا تَكْمَلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ كَمَا ذَكَرَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمَلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ. (علل الشرايع ج ١- باب ١٨٢ ح ٥)

فطرت و اساس اسلام است، و اقامه نماز [و حفظ حدود آن] که آن دلیل و سبب باقی ماندن بر دین است و پرداختن زکات که از فرائض و واجبات الهی است، و روزه ماه مبارک رمضان که آن سپر مؤمن در برابر آتش است، و حج خانه خدا که سبب نجات از فقر و آرمزش گناه است، و صلّه رحم که آن سبب زیاد شدن مال و طول عمر است، و صدقه پنهانی که آن سبب پاک شدن از گناه و خاموش شدن آتش غضب الهی است، و کارهای خیر که آن ها سبب جلوگیری از مرگ بد و حفظ آبرو می باشد.

سپس فرمود: بیدار باشید و از صدقه غفلت نکنید چرا که خداوند یاور صدقه دهنده است، و از دروغ پرهیز کنید که آن با ایمان شما سازگار نیست، و انسان راستگو نزدیک به نجات و کرامت الهی است، و بدانید که دورغ گویان در پرتگاه ذلت و هلاکت هستند، و سخنان خود را نیکو کنید تا به نیکی شناخته شوید، و کار نیک را انجام دهید تا اهل آن شوید، و امانت ها را به اهل آن ها بازگردانید، و با کسانی که قطع رحم می کنند صلّه رحم کنید و سائل را از مال خود بهره مند نمایید (۱).

۳- زینب کبری (علیها السلام) می فرماید: مادرم حضرت فاطمه (علیها السلام) در خطبه خود فرمود: خداوند ایمان را واجب نمود برای پاک شدن از شرک، و نماز را واجب نمود به خاطر دوری از تکبر، و زکات را برای زیاد شدن روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای اقامه سنت دین، و عدل را برای تسکین و آرامش قلوب و اطاعت [از خدا و رسول و اولی الامر] را برای برقراری نظام اسلامی در اجتماع، و امامت را برای جلوگیری از تفرقه و اختلاف.

و جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام] و مسلمین] و صبر را برای کمک بر اجابت امر خدا، و امر به معروف را برای مصلحت عامه مردم، و احسان به پدر و مادر را برای جلوگیری از خشم و سخط پدر و مادر و خداوند، و صلّه رحم را برای طول عمر، و قصاص را برای جلوگیری از خونریزی، و وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت خداوند، و کامل دادن کیل و وزن را برای دوری از کم فروشی، و پرهیز از نسبت زنا دادن به مردان و زنان پاک را برای نجات از لعنت مردم و خداوند، و دوری و پرهیز از سرقت را برای تامین عفت، و دوری از خوردن مال یتیم را برای پرهیز از ظلم [و نجات از آتش دوزخ] و عدالت و حکم به حق را برای انس با مردم قرار داد، سپس فرمود: خداوند شرک را حرام کرد برای اخلاص در ربوبیت

ص: ۲۶

۱- ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمِ بْنِ عُمَرَ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ وَتَمَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمَلَّةُ وَإِيْتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِهِ وَحَجُّ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنَفَاةٌ لِلْفَقْرِ وَ مَدْحَضَةٌ لِلذَّنْبِ وَصَلَّةٌ لِلرَّحِمِ فَإِنَّهُ مَثْرَاهُ لِلْمَالِ وَ مَنَسَاةٌ لِلْأَجْلِ وَ صَدَقَةُ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ وَ تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ أَلَا فَتَصَدَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ تَصَدَّقَ وَ جَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّ الْكُذْبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ أَلَا إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مَنْجَاهٍ وَ كَرَامَةٍ أَلَا وَ إِنَّ الْكَاذِبِينَ عَلَى شَفَا مَخْرَاهٍ وَ هَلَكَةٍ أَلَا وَ قُولُوا خَيْرًا تَعْرِفُوا بِهِ وَ اعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ وَ أَدُوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَيْهَا وَ صَلُّوا أَرْحَامَ مَنْ قَطَعَكُمْ وَ عُدُّوا بِالْفَضْلِ عَلَى مَنْ سَأَلَكُمْ. (علل الشرايع، ج ۱، باب ۱۸۲، ح ۱)

خداوند، پس شما تقوای خدا را به دقت مراعات کنید و به اوامر او پایبند باشید و از آنچه نهی نمود ه پرهیز نمایید(۱).

۴- امام صادق(علیه السلام) نامه ای به مفضل بن عمر نوشت و در آن نامه مرقوم نمود: خداوند متعال هرگز پیامبری را برای دعوت مردم به معرفت خود نفرستاد که در کنار آن امر و نهی از ناحیه او نباشد، از سویی خداوند از کسانی عمل به واجبات را می پذیرد که حق [پیامبر و] امام و داعی به انجام واجبات را شناخته باشند، و کسی مطیع خداوند خواهد بود، که از حرام ها - در ظاهر و باطن - پرهیز کند و اهل نماز و روزه و حج و عمره باشد، و همه حرمت ها و مرزهای الهی را بزرگ بدانند، و چیزی از آن ها را نادیده نگیرد، و به همه کارهای نیک و مکارم اخلاقی عمل کند و از اعمال زشت و گناه پرهیز نماید. سپس فرمود:

و کسی که گمان کند بدون معرفت به پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) [و امام علیه السلام] رعایت حلال و حرام را کرده و حلال و حرام را شناخته به گمراهی رفته و در حقیقت حلال و حرامی برای خدا انجام نداده است، و کسی که بدون معرفت به امام واجب اطاعه من عندالله، نماز بخواند و زکات بدهد و حج و عمره به جا آورد، در حقیقت عملی انجام نداده و نماز و زکات و حج و عمره ای به جا نیاورده [بلکه] غسل جنابت و طهارتی نیز به جا نیاورده و نماز او نماز نیست، گرچه رکوع و سجده نموده باشد، چرا که همه این اعمال مشروط به معرفت کسی است که خداوند امر به اطاعت و گرفتن احکام از او نموده است. سپس فرمود:

کسی که امام واجب اطاعه من عندالله را، شناخته باشد و احکام الهی را از او گرفته و عمل کرده باشد، خدا را اطاعت نموده است و کسی که وظیفه خود را تنها معرفت به امام بدانند و از او اطاعت نکنند در حقیقت خدا را تکذیب نموده و مشرک شده است، و آنچه گفته شد [و صحیح است] این است که: با معرفت به امام هر کار خیری را - کم یا زیاد - انجام بدهی پذیرفته می شود و بدون معرفت به امام چیزی از تو پذیرفته نیست(۲).

ص: ۲۷

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعِيدِ أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ قَالَتْ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فِي خُطْبَتِهَا لِلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ وَبَقِيَّتُهُ اسْتِخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ وَ آيٌ مُنْكَشَفَةٌ سِرَائِرُهُ وَ بُرْهَانٌ مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ مُدِيمٌ لِلْبَرِيَّةِ اسْتِمْاعُهُ وَ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ وَ مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاهِ أَشْيَاعُهُ فِيهِ تَبَيَانٌ حُجَجِ اللَّهِ الْمُنِيرَةِ وَ مَحَارِمِهِ الْمُحَرَّمَةِ وَ فَضَائِلِهِ الْمُدَوَّنَةِ وَ جَمَلِهِ الْكَافِيهِ وَ رُخْصِهِ الْمُؤَهِّبِهِ وَ شَرَائِعِهِ الْمَكْتُوبَةِ وَ بَيِّنَاتِهِ الْجَلِيَّةِ فَفَرَضَ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْإِخْلَاصِ وَ الْحِجَّ تَسْبِيْهًا لِلدِّينِ وَ الْعِيْدَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ وَ الطَّاعَةَ نِظَامًا لِلْمَلِكَةِ وَ الْإِمَامَةَ لِمَا مِنَ الْفَرْقَةِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ وَ الصَّبْرَ مَعُوْنَةً عَلَى الْإِسْتِيْجَابِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قِيَّاهُ عَنِ السَّخَطِ وَ صَلَهِ الْأَرْحَامِ مَنِيَّةً لِلْعِيْدِ وَ الْقَصِيَّةَ حَقْنَاً لِلدَّمَاءِ وَ الْوَفَاءَ لِلنَّذْرِ تَعَرُّضًا لِلْمَغْفِرَةِ وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيْرًا لِلْبُخْسَةِ وَ اجْتِنَابَ قَدْفِ الْمُحْصِيَّةِ نَابٍ حَجْبًا عَنِ اللَّغْنَةِ وَ مُجَانَبَةَ السَّرْقَةِ إِجْبَابًا لِلْعَفْهِ وَ أَكْلَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى إِجَارَةً مِنَ الظُّلْمِ وَ الْعِيْدَ فِي الْأَحْكَامِ إِينَاسًا لِلرَّعِيَّةِ وَ حَرَمَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الشُّرْكَ إِخْلَاصًا لِلرُّبُوبِيَّةِ فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ انْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ. (علل الشرايع ج ۱ باب

٢- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مِاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ صَبَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع كَتَبَ إِلَيْهِ كِتَابًا فِيهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ يَدْعُو إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ لَيْسَ مَعَهَا طَاعَةٌ فِي أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ وَإِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْعَمَلَ بِالْفَرَائِضِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى حُدُودِهَا مَعَ مَعْرِفِهِ مَنْ دَعَا إِلَيْهِ وَمَنْ أَطَاعَ حَرَّمَ الْحَرَامَ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَصَلَّى وَصَامَ وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَعَظَّمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ كُلَّهَا وَلَمْ يَدْعُ مِنْهَا شَيْئًا وَعَمِلَ بِالْبِرِّ كُلِّهِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كُلِّهَا وَتَجَنَّبَ سَيِّئَهَا وَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِلُّ الْحَلَالَ وَيُحَرِّمُ الْحَرَامَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ النَّبِيِّ ص لَمْ يُحِلِّ لِلَّهِ حَلَالًا وَلَمْ يُحَرِّمْ لَهُ حَرَامًا وَإِنْ مَنْ صَلَّى وَزَكَى وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَفَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ طَاعَتَهُ فَلَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُصِلْ وَلَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُزَكِّ وَلَمْ يَحِجَّ وَلَمْ يَعْتَمِرْ وَلَمْ يَغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يُحَرِّمْ لِلَّهِ حَلَالًا وَ لَيْسَ لَهُ صِلَاءٌ وَإِنْ رَكَعَ وَإِنْ سَجَدَ وَلَا لَهُ زَكَاةٌ وَلَا حَجٌّ وَإِنَّمَا ذَلِكَ كُلُّهُ يَكُونُ بِمَعْرِفَةِ رَجُلٍ مَنِ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ بِطَاعَتِهِ وَأَمَرَ بِالْأَخْذِ عَنْهُ فَمَنْ عَرَفَهُ وَأَخَذَ عَنْهُ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ إِنَّمَا هِيَ الْمَعْرِفَةُ وَأَنَّهُ إِذَا عَرَفَ اكْتَفَى بِغَيْرِ طَاعَتِهِ فَقَدْ كَذَبَ وَأَشْرَكَ وَإِنَّمَا قِيلَ اعْرِفْ وَعَمِلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ مِنْكَ ذَلِكَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ فَإِذَا عَرَفْتَ فاعْمَلْ لِنَفْسِكَ مَا شِئْتَ مِنَ الطَّاعَةِ قَلْ أَوْ كَثُرْ فَإِنَّهُ مَقْبُولٌ مِنْكَ. (علل الشرايع، ج ١، باب ١٨٢، ح ٧)

۱۸- علت عذاب و فشار قبر

۱- و ۲- نماز بدون وضو خواندن و یاری نکردن ضعیف.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: یکی از علما و احبار را ، ملائکه در قبر نشانند و به او گفتند: «ما می خواهیم یکصد تازیانه عذاب به تو بزیم» آن عالم گفت: طاق آن را ندارم پس به او تخفیف دادند تا به یک تازیانه رسید و گفتند: چاره ای از آن نیست . پس آن عالم گفت: برای چه این تازیانه را به من می زنید؟ ملائکه گفتند: به خاطر این که روزی بدون وضو نماز خواندی و به ضعیفی برخورد کردی و او را کمک و یاری نکردی پس یک تازیانه از عذاب خدا را به او زدند و قبر او پر از آتش شد (۱).

۳-۴-۵- سخن چینی، بی مبالاتی به بول ، و دوری کردن مرد از خانواده .

علی (علیه السلام) می فرماید: عذاب قبر از سخن چینی و بی مبالاتی به بول و دوری کردن مرد از خانواده خود می باشد (۲).

۶- ضایع نمودن نعمت های خداوند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فشار قبر مؤمن کفاره از بین بردن نعمت های خداوند است (۳).

۷- بد اخلاقی با خانواده .

ص: ۲۸

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ مَهْرَانَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أُفْعِدَ رَجُلٌ مِنَ الْأَخْبَارِ فِي قَبْرِهِ فَقِيلَ لَهُ إِنَّا جَالِسُوكَ مِائَةَ جَلْدَةٍ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ فَقَالَ لَا أُطِيقُهَا فَلَمْ يَفْعَلُوا حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى جَلْدِهِ وَاحِدَةٍ فَقَالُوا لَيْسَ مِنْهَا بُدٌّ قَالَ فِيمَا تَجَلَّدُونِيهَا قَالُوا نَجَلِدُكَ لِأَنَّكَ صَلَّيْتَ يَوْمًا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ مَرَرْتَ عَلَى ضَعِيفٍ فَلَمْ تَنْصُرْهُ قَالَ فَجَلَّدُوهُ جَلْدَةً مِنْ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَأَمْتَلَى قَبْرُهُ نَارًا. (علل الشرايع، ج ۱، باب ۲۶۲، ح ۱)

۲- ... أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قِرَاءَةً قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ عَذَابُ الْقَبْرِ يَكُونُ مِنَ النَّمِيمَةِ وَ الْبُؤْلِ وَ عَزَبِ الرَّجُلِ عَنْ أَهْلِهِ. (همان، ح ۲)

۳- أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آيَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ضَمَّطُهُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النَّعْمِ. (همان، ح ۳)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر داده شد، که سعد بن معاذ از دنیا رفته است، پس آن حضرت با اصحاب خود برخاستند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد تا او را غسل و حنوط و کفن کردند و بر سریری قرار دادند و بر او نماز خواندند و تشییع نمودند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ترتیب: اول طرف راست سریر را گرفت. و سپس طرف چپ آن را گرفت تا این که جنازه را نزد قبر گذاردند و آن حضرت داخل قبر شد و لحد آن را مرتب نمود و فرمود: سنگ بدهید گل بدهید و لحد را به دقت ساخت و خاک بر آن ریخت و قبر را صاف نمود و فرمود: «من می دانم که قبر کهنه و خراب خواهد شد و لکن خداوند دوست می دارد بنده ای را که هر عملی را انجام می دهد با دقت و استحکام انجام بدهد» و چون قبر پوشیده شد مادر سعد به فرزند خود خطاب کرد: «بهشت برای تو گوارا باشد» و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: چیزی را بر خدا حتم مکن چرا که اکنون سعد را در قبر فشار دادند.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب، به مدینه بازگشتند و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند: امروز شما نسبت به سعد کاری کردید که برای احدی نکرده بودید و بدون عبا و شال کمر به دنبال جنازه او حرکت کردید؟! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

من ملائکه را دیدم که بدون ردا و حذاء بودند و به آنان تاسی کردم. گفتند: شما گاهی طرف راست سریر را می گرفتی و گاه طرف چپ آن را می گرفتی؟ فرمود: دست من در دست جبرئیل بود. گفتند: دستور دادید او را غسل دادند و بر او نماز خواندید و او را در لحد گذاردید و سپس فرمودید: قبر او را فشار داد؟ فرمود: این فشار به خاطر بد اخلاقی او در خانه با خانواده اش بود (۱).

ص: ۲۹

۱- ... حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِيَانَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيُّ فِي مَنَزِلِهِ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ الْأَزْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ نُوحٍ الْخَنَّاطُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ الْيَسَعِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَقِيلَ إِنَّ سَعْدَ بْنَ مَعَاذٍ قَدْ مَاتَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَامَ أَصْحَابُهُ فَحَمَلُوا فَامْرَأَةً فَعُغِّلَ عَلَى عِضَادِهِ الْبَابِ فَلَمَّا أَنْ حُضِبَ وَ كُفِّنَ وَ حُمِلَ عَلَى سَرِيرِهِ تَبِعَهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ كَانَ يَأْخُذُ يَمَنَهُ السَّرِيرِ مَرَّةً وَ يَسِيرَةَ السَّرِيرِ مَرَّةً حَتَّى انْتَهَى بِهِ إِلَى الْقَبْرِ فَنَزَلَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى لَحِدَهُ وَ سَوَّى عَلَيْهِ اللَّبْنَ وَ جَعَلَ يَقُولُ نَاوِلْنِي حَجْرًا نَاوِلْنِي تُرَابًا رَطْبًا يَسُدُّ بِهِ مِا بَيْنَ اللَّبَنِ فَلَمَّا أَنْ فَرَّغَ وَ حَسَا التُّرَابَ عَلَيْهِ وَ سَوَّى قَبْرَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَبْلَى وَ يَصِلُ إِلَيْهِ الْبَلْبَى وَ لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ عَيْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا فَأَحْكَمَهُ فَلَمَّا أَنْ سَوَّى التُّرْبَةَ عَلَيْهِ قَالَتْ أُمُّ سَعْدٍ مِنْ جَانِبٍ هَيْنًا لَكَ الْجَنَّةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمَّ سَعْدٍ مَهْ لَا تَجْزِمِي عَلَى رَبِّكَ فَإِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ قَالَ وَ رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ رَجَعَ النَّاسُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ رَأَيْنَاكَ صَيَّغْتَ عَلَى سَعْدٍ مَا لَمْ تَصَيِّغْهُ عَلَى أَحَدٍ إِنَّكَ تَبِعْتَ جَنَازَتَهُ بِلَا رِدَائٍ وَ لَا حِذَائٍ فَقَالَ ص إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ بِلَا حِذَائٍ وَ لَا رِدَائٍ فَتَأَسَّيْتُ بِهِمْ قَالُوا وَ كُنْتَ تَأْخُذُ يَمَنَهُ السَّرِيرِ مَرَّةً وَ يَسِيرَةَ السَّرِيرِ مَرَّةً قَالَ كَانَتْ يَدِي فِي يَدِ جَبْرَائِيلَ آخِذٌ حَيْثُ مَا آخَذَ فَقَالُوا أَمَرْتَ بِغُسْلِهِ وَ صَيَّغْتِ عَلَى جَنَازَتِهِ وَ لَحَدْتَهُ ثُمَّ قُلْتَ إِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ قَالَ فَقَالَ ص نَعَمْ إِنَّهُ كَانَ فِي حُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ. (همان، ح ۴)

محمد بن سنان گوید: حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در پاسخ به برخی از سؤالات من نوشت: «علت واجب شدن نماز این است که نماز اقرار به ربوبیت خداوند عزوجل و دوری از شرک و پرستش غیر خداوند و ایستادن در مقابل خداوند جبار - جل جلاله - است با ذلت و مسکنت و خضوع، و اعتراف به تقصیر و درخواست عفو و اقاله از گناهان گذشته، و گذاردن صورت بر خاک در پیشگاه خداوند در پنج نوبت هنگام پنج نماز در شبانه روز برای تعظیم ذات مقدس پروردگار عزوجل می باشد.

افزون بر آنچه گذشت بنده باید نماز بخواند تا یاد خدا باشد، و خدای خود را فراموش نکند و غافل نشود بلکه در مقابل خداوند خاشع و ذلیل و راغب به عبادت او باشد، و همواره از او طلب زیادی نعمت دین و دنیای خود را داشته باشد، و به وسیله نماز از گناه و نافرمانی خداوند دور شود، و همواره بر ذکر خداوند عزوجل مداومت داشته باشد، تا مولا و سید و پروردگار و مدبر خود را فراموش نکند و گرفتار هوسرانی و طغیان نشود و چون در شبانه روز پنج نوبت یاد خدا می کند و در محضر او می ایستد از گناهان و انواع فسادها دور می گردد» (۱).

۲۰- خوندن نماز ها در سه وقت

اشاره

مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع هشت روایت از کتب شیعه و اهل سنت نقل نموده که در برخی از آن ها آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون هیچ علت و سببی، نماز ظهر و عصر را در یک مکان دنبال هم خواندند و عمر به آن حضرت گفت: آیا چیز تازه ای درباره نماز رخ داده؟ و آنحضرت فرمود: چیز تازه ای رخ نداده لکن من می خواهم کار را بر امت خود آسان نمایم (۲).

ص: ۳۰

۱- ... حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبُرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ عِلَّةِ الصَّلَاةِ فَإِنَّ فِيهَا مَشْغَلَةً لِلنَّاسِ عَنْ حَوَائِجِهِمْ وَ مَتَعَبَةً لَهُمْ فِي أُبْدَانِهِمْ قَالَتْ فِيهَا عِلَلٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا بَعْضَ تَنْبِيهِ وَ لَا تَذَكُّرَ لِلنَّبِيِّ ص بِأَكْثَرِ مِنَ الْخَبْرِ الْأَوَّلِ وَ بَقَاءِ الْكِتَابِ فِي أَيْدِيهِمْ فَقَطُّ لَكَانُوا عَلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ فَإِنَّهُمْ قَدْ كَانُوا اتَّخَذُوا دِينًا وَ وَضَعُوا كُتُبًا وَ دَعَوْا أَنْاسًا إِلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ وَ قَتَلُوهُمْ عَلَى ذَلِكَ فَدَرَسَ أَمْرُهُمْ وَ ذَهَبَ حِينَ ذَهَبُوا وَ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ لَا يُنْسِيَ أَمْرَ مُحَمَّدٍ ص فَفَرَضَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةَ يَذْكُرُونَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ يُنَادُونَ بِاسْمِهِ وَ تَعَبَّدُوا بِالصَّلَاةِ وَ ذَكَرَ اللَّهُ لِكَيْلَمَا يَغْفُلُوا عَنْهُ وَ يَنْسُوهُ فَيَنْدَرِسَ ذِكْرُهُ. (علل الشرایع، ج ۲، باب ۲، ح ۲)

۲- ... حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص صَيَّمِي الظُّهْرَ وَ الْعَصِيْرَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ لَا سَبَبٍ فَقَالَ لَهُ

عُمُرُ وَكَانَ أَجْرُ الْقَوْمِ عَلَيْهِ أ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَا لَا وَلَكِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَى أُمَّتِي. (علل الشرايع، ج ٢، باب ١١، ح ١)

عبدالملک قمی گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: آیا من بدون علت می توانم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را دنبال همدیگر بخوانم؟ فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین می کرد و مقصود او تخفیف بر امت خود بود(۱).

ابن عباس گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون خوف و بدون سفر بین نماز ظهر و عصر جمع نمود و مقصود او این بود که احدی از امت او، به زحمت و مشقت نیفتد(۲).

چرا بر خوراکی و پوشاکی نمی توان سجده کرد؟

هشام بن حکم گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: سجده بر چه چیزی جایز و بر چه چیزی جایز نیست؟ فرمود: سجده جایز نیست جز بر روی زمین و آنچه از زمین می روید، جز بر خوراکی و پوشاکی. گفتم: علت آن چیست؟ فرمود: به خاطر این که سجده خضوع در پیشگاه خداوند عزوجل می باشد و سزاوار نیست که بر خوراکی و پوشاکی باشد، چرا که مردم دنیا، عبد خوراکی و پوشاکی هستند و سجده کننده می خواهد خدا را عبادت کند، بنابراین سزاوار نیست پیشانی خود را در سجده بر معبود مردم دنیا قرار بدهد که مغرور به دنیا شده اند و دنیا را می پرستند!

سپس فرمود: سجده بر روی زمین افضل است چرا که ابلغ در تواضع و خشوع می باشد(۳).

مؤلف گوید: وسجده بر خاک بهتر از چیزهای دیگر است و افضل از آن تربت امام حسین علیه السلام است چرا که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) امام صادق (علیه السلام) جز بر تربت آن حضرت سجده نمی کرد.

ص: ۳۱

۱- - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ أَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاةَيْنِ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ قَالَ قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَرَادَ التَّخْفِيفَ عَلَى أُمَّتِهِ. - ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ وَ صَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ بَعْدَ سُقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فِي جَمَاعَةٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِتَسْبِيحِ الْوَقْتِ عَلَى أُمَّتِهِ. (همان، ح ۳ و ۲)

۲- - ... حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ قَبْرِهِ [مَقْبَرَةٌ] قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ سَعِيدٍ الْأَزْرَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ عَنْ سَيْفِيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ وَ لَمَّا سَفِرَ فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُحْرَجَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِهِ. - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو خَيْثَمَةَ زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ لَيْثٍ عَنْ طَاوُسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ. (همان، ح ۷ و ۴)

۳- - ... حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَمَّا يَجُوزُ السُّجُودُ عَلَيْهِ وَ عَمَّا لَا يَجُوزُ قَالَ السُّجُودُ لَا يَجُوزُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ

أَوْ مِمَّا أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مِمَّا أَكَلَ أَوْ لُبِسَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ السُّجُودَ هُوَ الْخُضُوعُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا
يُنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى مِمَّا يُؤْكَلُ وَيُلْبَسُ لِأَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ وَالسَّاجِدُ فِي سِجُودِهِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَا
يُنْبَغِي أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ فِي سِجُودِهِ عَلَى مَعْبُودِ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا الَّذِينَ اعْتَرَّوْا بَعْرُورَهَا وَالسُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَبْلَغُ فِي التَّوَاضُّعِ
وَالْخُضُوعِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (علل الشرايع، ج ٢، باب ٤٢، ح ١)

مؤلف گوید: ربا در قرآن و سخنان معصومین (علیهم السلام) به شدت مورد نهی قرار گرفته و خداوند اصرار بر آن را جنگ با خود دانسته و در روایات آمده که یک درهم از آن عذاب ۳۶ زنای با محارم را دارد و مع الاسف در جامعه‌ی ما بطور آشکار و رسمی ربا انجام می‌شود و در مراکز دولتی و بین مردم شایع و دائر است. در حالی که قرآن آن را سبب دگرگونی زندگی مردم و براندازی بنیاد و اساس کسب و کار و معاش مردم می‌داند و می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» (۱).

از این رو شایسته است که مردم علت حرمت ربا را از زبان معصومین (علیهم السلام) نیز بدانند، تا شاید از آن پرهیز کنند و به بهانه‌ها و توجیهاات بیهوده و فرضی که بیان می‌شود تکیه نکنند انشاء الله.

هشام بن حکم گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره حرام بودن ربا سؤال کردم و آن حضرت فرمود: اگر ربا حرام نباشد [و یا از آن پرهیز نشود مانند زمان ما] مردم تجارت‌ها [و صنایع و ...] را رها می‌کنند و ربا خواری می‌نمایند، از این رو خداوند ربا را حرام نموده تا مردم از حرام پرهیز کنند و به طرف تجارت‌ها [و مکاسب حلال] و خرید و فروش بروند و با قرض [بدون ربا] به آنان پاداش [هیجده برابر صدقه را] بدهد (۲).

هشام بن سالم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای عزوجل به این خاطر ربا را حرام کرد که مردم از انجام کارهای خیر [و قرض الحسنه] خودداری نکنند (۳).

امام کاظم (علیه السلام) نیز در پاسخ به مسائل محمّد بن سنان نوشت: «علت تحریم ربا و نهی خداوند از آن این است که ربا سبب فساد اموال می‌شود [و خیر و برکت از اموال برداشته می‌شود] چرا که اگر کسی یک درهم بدهد و دو درهم بگیرد آن درهم اضافه باطل و حرام خواهد بود و بر دهنده و گیرنده آسیب وارد می‌کند، از این رو خداوند ربا را بر بندگان خود حرام و ممنوع نمود تا اموال آنان فاسد و تباه نشود... (۴).

ص: ۳۲

۱- بقره/ ۲۷۶

۲- ... حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرِّبَا فَقَالَ إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتِاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِنُفْرِ النَّاسِ عَنِ الْحَرَامِ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْمَبِيعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَفْضُلُ ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقُرْضِ. (علل الشرايع، ج ۲، باب ۲۳۶، ح ۱)

۳- ... أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرِّبَا لِئَلَّا تَمْتَنِعُوا عَنِ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ. (همان، ح ۲)

۴- ... وَ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ حُمَيْدٌ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ النَّهَيْكِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الطَّاطِرِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ. (همان، ح ۳)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: یکی از انصار مدینه به نام براء بن مغرور انصاری هنگام مرگ، ثلث مال خود را وصیت نمود [که در راه های خیر صرف شود] و در آن وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه بود و این عمل امضاء شد و سنت گردید. [مانند این که عبدالمطلب علیه السلام طواف خانه خدا را هفت دور قرار داد و امضا شد] (۱).

مؤلف گوید: از روایات استفاده می شود که وصیت به ثلث در صورت عدم نیاز فرزندان است و گرنه ممدوح و مطلوب نخواهد بود چرا که فرزندان و پدر و مادر سزاوارتر به احسان می باشند از این رو امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: اگر من برای خود یک پنجم وصیت کنم بهتر از یک چهارم است و اگر یک چهارم وصیت کنم بهتر از یک سوم است، و کسی که یک سوم وصیت کند هیچ ارفاقی به وارث خود نکرده است (۲).

بلکه در روایت آمده اگر وصیت سبب تهی دستی وارث و یا ظلم به او شود و یا مصرف آن صحیح نباشد مذموم و یا حرام است و وصی می تواند وصیت را به گونه صحیحی تغییر بدهد (۳).

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی از انصار که دارای فرزندان کوچکی بود و دارایی او تنها شش غلام بود، قبل از مردن غلامان خود را آزاد نمود و مال دیگری نداشت و چون خبر او به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید آن حضرت به اطرافیان او فرمود: با رفیق خود چه کردید؟ گفتند: ما او را دفن نمودیم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر من فهمیده بودم نمی گذاردم او در قبرستان مسلمانان دفن شود چرا که با این عمل دست فرزندان خود را جلوی مردم دراز نمود و آنان به بیچارگی افتادند (۴)!!

از سویی امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: ظلم در وصیت از گناهان کبیره است (۵).

ص: ۳۳

۱- ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ الْبَرَاءُ بْنُ مَغْرُورٍ الْأَنْصَارِيُّ بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَكَّةَ وَ إِنَّهُ حَضَرَ الْمَوْتَ فَأَوْصَى بِثُلُثِ مَالِهِ فَجَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ. (علل الشرايع، ج ۲، باب ۳۶۹، ح ۱)

۲- ... وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع لَئِنْ أَوْصَيْتُ بِالْخُمْسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَوْصَيْتُ بِالرُّبْعِ وَ لَئِنْ أَوْصَيْتُ بِالرُّبْعِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَوْصَيْتُ بِالثُّلُثِ وَ مَنْ أَوْصَى بِالثُّلُثِ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئًا. (همان، ح ۶)

۳- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ قَالَ يَعْنِي إِذَا اعْتَدَى فِي الْوَصِيَّةِ إِذَا زَادَ عَلَى الثُّلُثِ. - وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ مَنْ عَدَلَ فِي وَصِيَّتِهِ كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ تَصَدَّقَ بِهَا وَ مَنْ خَافَ فِي وَصِيَّتِهِ لِقَمِي اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ مُعْرِضٌ. (همان، ح ۴ و ۵)

۴- ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صِدْقَةَ الرَّبِيعِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ

مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ تُوُفِّيَ وَ لَهُ صَبِيَّةٌ صَغَارٌ وَ لَهُ سِتَّةٌ مِنَ الرِّقِيقِ فَأَعْتَقَهُمْ عِنْدَ مَوْتِهِ وَ لَيْسَ لَهُ مَالٌ غَيْرُهُمْ فَأَتَى
النَّبِيَّ ص فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ مَا صَبَّحْتُمْ بِصَاحِبِكُمْ قَالُوا دَفَنَاهُ قَالَ لَوْ عَلِمْتُ مَا دَفَنْتُهُ مَعَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ تَرَكَ وُلْدَهُ يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ. (همان،
ح ٢)

٥- ... وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع الْحَيْفُ فِي الْوَصِيَّةِ مِنَ الْكِبَائِرِ. (همان، ح ٣)

۲۳- خداوند کیفر اعمال ناپسند مؤمن را در دنیا قرار می دهد

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که خداوند به بنده ای اراده خیر داشته باشد [و او را دوست بدارد] و او گناهی انجام بدهد خداوند به دنبال آن نعمت و گرفتاری برای او ایجاد می کند و او را به یاد استغفار می اندازد، و اگر خداوند به بنده ای اراده شری داشته باشد و آن بنده گناهی انجام بدهد به دنبال آن نعمتی به او می دهد تا به یاد توبه و استغفار نیفتد و به گناه خود ادامه بدهد چنان که در قرآن می فرماید: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (۱)، (۲).

و در برخی از روایات آمده که خداوند کیفر عمل خلاف مؤمن و پاداش عمل نیک کافر را در دنیا قرار می دهد تا مؤمن را پس از مرگ گناهی نباشد و کافر را پس از مرگ پاداشی نباشد.

۲۴- کوتاهی و یا بلندی مدت سلطنت سلطان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوند برای هر سلطانی مدت معینی را قرار داده است و اگر آن سلطان به عدالت عمل کند خداوند به ملک مأمور به زمان می گوید: روزها و شب ها و ماه ها و سال های او را طولانی کن، و اگر اهل ظلم باشد و به عدالت عمل نکند خداوند به آن ملک می گوید: حرکت روزها و شب ها و ماه ها و سال های او را سریع گردان (۳).

۲۵- تبدیل سیئات شیعه به حسنات

در کتاب محاسن از سلیمان بن خالد نقل شده که گوید: من در محفل خود در کنار امام صادق (علیه السلام) قرآن می خواندم و چون رسیدم به آیه «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا...» امام علیه السلام فرمود:

ص: ۳۴

۱- اعراف/ ۱۸۲

۲- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُهَيْبَانَ بْنِ سَمَطٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا تَبِعَهُ بِنِقْمِهِ وَ يُذَكِّرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا تَبِعَهُ بِنِعْمِهِ لِيُنْسِيَهُ الْإِسْتِغْفَارَ وَ يَتِمَادَى بِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي. (علل الشرايع، ج ۲، باب ۳۵۴، ح ۱)

۳- ... أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْأَرَجَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِمَنْ جَعَلَ لَهُ سُلْطَانًا مُدَّةً مِنْ لَيْلِي وَ أَيَّامٍ وَ سِنِينَ وَ شُهُورٍ فَإِنْ عَدَلُوا فِي النَّاسِ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى صَاحِبَ الْفَلَكَ أَنْ يُبْطِئَ بِإِدَارَتِهِ فَطَالَتْ أَيَّامُهُمْ وَ لَيْلِيهِمْ وَ سِتْوَهُمْ وَ شُهُورُهُمْ وَ إِنْ هُمْ جَارُوا فِي النَّاسِ وَ لَمْ يَعْدِلُوا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى صَاحِبَ الْفَلَكَ فَاسْرِعَ إِدَارَتَهُ وَ أَسْرَعَ فَنَاءَ لَيْلِيهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ سِنِيهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ قَدْ وَفَى تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُمْ بَعْدَ اللَّيَالِي وَ الشُّهُورِ. (علل الشرايع ج ۲، باب ۳۶۷)

شیعه گنهکار هنگامی که در قیامت در پیشگاه خداوند قرار می گیرد فقط خداوند به حساب او رسیدگی می نماید و گناهان او را یکایک بر او عرضه می نماید و می فرماید: تو در روز فلان و ساعت فلان چنین و چنان کردی. و او می گوید: «أعرف یا رب» تا این که جمیع گناهان به او گوشزد می شود و به همه آن ها اعتراف می کند و خداوند می فرماید: من در دنیا این گناهان را از تو پوشاندم و امروز نیز به تو می بخشم و آن ها را تبدیل به حسنات می نمایم.

سپس ملائکه نامه او را به مردم نشان می دهند، و مردم می گویند: «سبحان الله آیا این بنده در دنیا یک گناه نداشته است؟» امام صادق(علیه السلام) سپس فرمود: این است معنای آیه «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ...»

تا این که گوید: سپس من آیه «وَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» را قرائت کردم و امام صادق(علیه السلام) فرمود: این آیه نیز درباره شما شیعیان است که چون فضایل ما را بیان می کنید تردید و شکی در آن ندارید... (۱).

مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع ضمن حدیث بسیار مفصّلی، از ابراهیم بن ابی اسحاق لیثی نقل نموده که گوید (۲): به امام باقر(علیه السلام) گفتم: آیا مؤمن هنگامی که به معرفت کامل می رسد، زنا می کند؟

ص: ۳۵

۱- ... عنه عن ابن فضال عن علی بن عقبه عن أبیه عن سلیمان بن خالد قال كنت فی محمل أقرأ إذ نادانی أبو عبد الله ع اقرأ یا سلیمان و أنا فی هذه الآيات التي فی آخر تبارک و الذین لا یدعون مع الله إلها آخر و لا یقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحق و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً یضاعف فقال هذه فینا أما و الله لقد و عظنا و هو یعلم أنا لا نزنی اقرأ یا سلیمان فقرأت حتی انتهیت إلى قوله إلا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فأولئک یدل الله سیئاتهم حسنات قال قف هذه فیکم إنه یؤتی بالمؤمن المذنب یوم القیامه حتی یوقف بین یدی الله عز و جل فیکون هو الذی یلی حسابه فیوقفه علی سیئاته شیئا فشیئا فبقول عملت کذا و کذا فی یوم کذا فی ساعه کذا فبقول أعرف یا رب قال حتی یوقفه علی سیئاته کلها کل ذلك یقول أعرف فبقول سترتها علیک فی دنیا و أغفرها لک الیوم أبدلوا لعبدی حسنات قال فترفع صحیفته للناس فبقولون سبحان الله أما کانت لهذا العبد و لا سیئه واحده فهو قول الله عز و جل فأولئک یدل الله سیئاتهم حسنات قال ثم قرأت حتی انتهیت إلى قوله و الذین لا یشهدون الزور و إذا مروا باللغو مروا کراماً فقال هذه فینا ثم قرأت و الذین إذا ذکروا بآیات ربهم لم یخروا علیها صمًّا و عُمیاناً فقال هذه فیکم إذا ذکرتم فضلنا لم تشکوا ثم قرأت و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریاتنا قره أعین إلى آخر السوره فقال هذه فینا. (محاسن ج ۱/۱۷۰)

۲- ... أبی رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبد الله عن مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّيَّارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ اللَّيْثِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْتَبْصِرِ إِذَا بَلَغَ فِي الْمَعْرِفَةِ وَ كَمِيلَ هَيْلَ يَزْنِي قَالَ اللَّهُمَّ لَا قُلْتَ فَيَلُوطُ قَالَ اللَّهُمَّ لَا قُلْتَ فَيَسْرِقُ قَالَ لَا قُلْتَ فَيَشْرَبُ الْخَمْرَ قَالَ لَا قُلْتَ فَيَأْتِي بِكَبِيرِهِ مِنْ هَيْدِهِ الْكَبَائِرِ أَوْ فَاحِشِهِ مِنْ هَيْدِهِ الْفَوَاحِشِ قَالَ لَا قُلْتَ فَيَذْنِبُ ذَنْبًا قَالَ نَعَمْ هُوَ مُؤْمِنٌ مُذْنِبٌ مُلِمٌّ قُلْتَ مَا مَعْنَى مُلِمٌّ قَالَ الْمُلِمُّ بِالذَّنْبِ لَا يَلْزُمُهُ وَ لَا يَصِيرُ عَلَيْهِ قَالَ فَقُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَعْجَبَ هَذَا لَا يَزْنِي وَ لَا يَلُوطُ وَ لَا يَسْرِقُ وَ لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ لَا يَأْتِي بِكَبِيرِهِ مِنَ الْكَبَائِرِ وَ لَا فَاحِشِهِ فَقَالَ لَا عَجَبَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ

لا- يُسئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسئَلُونَ فَمِمَّ عَجِبْتَ يَا إِبْرَاهِيمَ سِئَلٌ وَ لَمَّا تَسئَلُ تَنكِفُ وَ لَمَّا تَسئَلُ تَحِي فَإِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَا يَتَعَلَّمُهُ مُسئَلٌ وَ لَا مُسئَلٌ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ مِنْ شِعْتِكُمْ مَنْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ يَقَطُّعُ الطَّرِيقَ وَ يُخِيفُ السُّبُلَ وَ يَزْنِي وَ يَلُوطُ وَ يَأْكُلُ الرِّبَا وَ يَزْتَكِبُ الْفَوَاحِشَ وَ يَتَهَوَّأُونَ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الزَّكَاةِ وَ يَقَطُّعُ الرَّحِمَ وَ يَأْتِي الْكِبَائِرَ فَكَيْفَ هَذَا وَ لِمَ ذَاكَ فَقَالَ يَا إِبْرَاهِيمَ هَلْ يَخْتَلِجُ فِي صَدْرِكَ شَيْءٌ غَيْرُ هَذَا قُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أُخْرَى أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ وَ مَا هُوَ يَا أَبَا إِسْحَاقَ قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَجِدُ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مُنَاصِبِكُمْ مَنْ يُكَيِّرُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ مِنَ الصَّيَامِ وَ يُخْرِجُ الزَّكَاةَ وَ يُتَابِعُ بَيْنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ يَحْرِصُ عَلَى الْجِهَادِ وَ يَأْتُرُ عَلَى الْبِرِّ وَ عَلَى صِلَةِ الْأَرْحَامِ وَ يَقْضِي حُقُوقَ إِخْوَانِهِ وَ يُؤَسِّسُهُمْ مِنْ مَالِهِ وَ يَتَجَنَّبُ شَرْبَ الْخَمْرِ وَ الزَّانَا وَ اللُّوَاطَ وَ سَائِرَ الْفَوَاحِشِ فَمِمَّ ذَاكَ وَ لِمَ ذَاكَ فَسَّرَهُ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَرَّهْنَهُ وَ بَيَّنَّهُ فَقَدْ وَ اللَّهُ كَثُرَ فِكْرِي وَ أَشْهَرَ لَيْلِي وَ ضَاقَ ذُرْعِي قَالَ فَتَبَسَّمَ الْبَاقِرُ ص ثُمَّ قَالَ يَا إِبْرَاهِيمَ خُذْ إِلَيْكَ بَيَانًا شَافِيًا فِيمَا سَأَلْتُ وَ عِلْمًا مَكْنُونًا مِنْ خَزَائِنِ عِلْمِ اللَّهِ وَ سِرِّهِ أَخْبِرْنِي يَا إِبْرَاهِيمَ كَيْفَ تَجِدُ اعْتِقَادَهُمَا قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَجِدُ مُحِبِّيكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ عَلَى مَا هُمْ فِيهِ مِمَّا وَصَفْتُهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ لَوْ أُعْطِيَ أَحَدُهُمْ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً أَنْ يَزُولَ عَيْنٌ وَ لَمَّا يَتَكَّمُ وَ مَحَبَّتِكُمْ إِلَى مَوَالِيهِ غَيْرِكُمْ وَ إِلَى مَحَبَّتِهِمْ مَا زَالَ وَ لَوْ ضُرِبَتْ خِيَاشَتِي مِمَّ بِالسُّيُوفِ فِيكُمْ وَ لَوْ قُتِلَ فِيكُمْ مَا ارْتَدَعَ وَ لَمَّا رَجَعَ عَنْ مَحَبَّتِكُمْ وَ وَلَا يَتَكَّمُ وَ رَأَى [أَرَى] النَّاصِبَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ مِمَّا وَصَفْتُهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ لَوْ أُعْطِيَ أَحَدَكُمْ [أَحَدُهُمْ] مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً أَنْ يَزُولَ عَنْ مَحَبَّةِ الطَّوَاعِيَةِ وَ مَوَالِيهِمْ إِلَى مَوَالِيَتِكُمْ مَا فَعَلَ وَ لَا زَالَ وَ لَوْ ضُرِبَتْ خِيَاشَتِي مِمَّ بِالسُّيُوفِ فِيهِمْ وَ لَوْ قُتِلَ فِيهِمْ مَا ارْتَدَعَ وَ لَا رَجَعَ وَ إِذَا سَمِعَ أَحَدُهُمْ مَنَقَبَهُ لَكُمْ وَ فَضْلًا اشْمَأَزَّ مِنْ ذَلِكَ وَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَ رُئِيَ كَرَاهِيَهُ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ بَغْضًا لَكُمْ وَ مَحَبَّةً لَهُمْ قَالَ فَتَبَسَّمَ الْبَاقِرُ ثُمَّ قَالَ يَا إِبْرَاهِيمَ هَاهُنَا هَلَكَتِ الْعَامِلَةُ النَّاصِبَةَ تَضِلُّ نَارًا حَامِيَةً تُسْقِي مِنْ عَيْنِ آيِنِهِ وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ تَعَالَى وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا وَ بَحَكَ يَا إِبْرَاهِيمَ أَ تَدْرِي مَا السَّبَبُ وَ الْقِصَّةُ فِي ذَلِكَ وَ مَا الَّذِي قَدْ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ مِنْهُ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَبَيَّنَّهُ لِي وَ أَشْرَحَهُ وَ بَرَّهْنَهُ فَقَالَ يَا إِبْرَاهِيمَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَزَلْ عَالِمًا قَدِيمًا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ وَ مِنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ كَفَرَ لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ ذَلِكَ الشَّيْءُ الَّذِي خَلَقَ مِنْهُ الْأَشْيَاءَ قَدِيمًا مَعَهُ فِي أَرْزَلَتِهِ وَ هُوَ يَتِيهِ كَمَا كَانَ ذَلِكَ الشَّيْءُ أَرْزَلًا بَلْ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لَا مِنْ شَيْءٍ فَكَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى أَرْضًا طَيِّبَةً ثُمَّ فَجَّرَ مِنْهَا مَاءً عَرْدَبًا زُلَالًا فَعَرَّضَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَبِلَتْهَا فَاجْرَى ذَلِكَ الْمَاءُ عَلَيْهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ طَبَقَهَا وَ عَمَّهَا ثُمَّ أَنْضَبَ ذَلِكَ الْمَاءَ عَنْهَا فَأَخَذَ مِنْ صَفْوَةِ ذَلِكَ الطَّيْنِ طِينًا فَجَعَلَهُ طِينَ الْمَائِمَةِ ع ثُمَّ أَخَذَ ثُفْلَ ذَلِكَ الطَّيْنِ فَخَلَقَ مِنْهُ شَيْعَتَنَا وَ لَوْ تَرَكَ طِينَتَكُمْ يَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى حَالِهِ كَمَا تَرَكَ طِينَتَنَا لَكُنْتُمْ وَ نَحْنُ شَيْئًا وَاحِدًا قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا فَعَلَ بِطِينَتِنَا قَالَ أَخْبِرْكَ يَا إِبْرَاهِيمَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ ذَلِكَ أَرْضًا سَبِخَةً حَبِيثَةً مُنْتِنَةً ثُمَّ فَجَّرَ مِنْهَا مَاءً أُجَاجًا آسِنًا مَالِحًا فَعَرَّضَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَمْ تَقْبَلْهَا فَاجْرَى ذَلِكَ الْمَاءُ عَلَيْهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ حَتَّى طَبَقَهَا وَ عَمَّهَا ثُمَّ نَضَبَ ذَلِكَ الْمَاءَ عَنْهَا ثُمَّ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ الطَّيْنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الطُّغَاةَ وَ أَمْتَهُمْ ثُمَّ مَزَجَهُ بِثُفْلِ طِينَتِكُمْ وَ لَوْ تَرَكَ طِينَتَهُمْ عَلَى حَالِهَا وَ لَمْ يَمزُجْ بِطِينَتِكُمْ لَمْ يَشْهَدُوا الشَّهَادَتَيْنِ وَ لَا صَلَّوْا وَ لَا صَامُوا وَ لَا زَكَّوْا وَ لَا حُجَّوْا وَ لَا أَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ لَمَّا أَشْبَهُوْكُمْ فِي الصُّورِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ عَلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ أَنْ يَرَى صُورَةَ عِيدُوهُ مِثْلَ صُورَتِهِ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا صَنَعَ بِالطَّيْنَتَيْنِ قَالَ مَزَجَ بَيْنَهُمَا بِالْمَاءِ الْأَوَّلِ وَ الْمَاءِ الثَّانِي ثُمَّ عَرَكَهَا عَرَكَ الْأَدِيمِ ثُمَّ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ قَبْضَةً فَقَالَ هَذِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَا أَبَالِي وَ أَخَذَ قَبْضَةً أُخْرَى وَ قَالَ هَذِهِ إِلَى النَّارِ وَ لَا أَبَالِي ثُمَّ حَلَطَ بَيْنَهُمَا فَوَقَعَ مِنْ سِنَخِ الْمُؤْمِنِ وَ طِينَتِهِ عَلَى سِنَخِ الْكَافِرِ وَ طِينَتِهِ وَ وَقَعَ مِنْ سِنَخِ الْكَافِرِ وَ طِينَتِهِ عَلَى سِنَخِ الْمُؤْمِنِ وَ طِينَتِهِ فَمَا رَأَيْتُهُ مِنْ شَيْعَتِنَا مِنْ زَنَا أَوْ لُوَاطٍ أَوْ تَزَكَ صَلَاهِ أَوْ صَوْمٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ جِهَادٍ أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ كِبِيرَةٍ مِنْ هَذِهِ الْكِبَائِرِ فَهُوَ مِنْ طِينَةِ النَّاصِبِ وَ عُضْرِهِ الَّذِي قَدْ مَزَجَ فِيهِ لَأَنَّ مِنْ سِنَخِ النَّاصِبِ وَ عُضْرِهِ وَ طِينَتِهِ اِكْتِسَابَ الْمَآثِمِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الْكِبَائِرِ وَ مَا رَأَيْتَ مِنَ النَّاصِبِ مِنْ مَوَاطِبَتِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ أَبْوَابِ الْبِرِّ فَهُوَ مِنْ طِينَةِ الْمُؤْمِنِ وَ سِنَخِهِ الَّذِي قَدْ مَزَجَ فِيهِ لَأَنَّ مِنْ سِنَخِ الْمُؤْمِنِ وَ عُضْرِهِ وَ طِينَتِهِ اِكْتِسَابَ الْحَسَنَاتِ وَ اسْتِعْمَالَ الْخَيْرِ وَ اجْتِنَابَ

الْمِيَاثِمَ فَإِذَا عُرِضَتْ هَذِهِ الْأَعْمَالُ كُلُّهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى قَالَ أَنَا عِدْلٌ لَا أَجُورُ وَ مُنْصِفٌ لَا أَظْلِمُ وَ حَكَمٌ لَا أَحِيفُ وَ لَا أَمِيلُ وَ لَا أَشْطُطُ الْأَعْمَالَ السَّيِّئَةَ الَّتِي اجْتَرَحَهَا الْمُؤْمِنُ بِسِنَخِ النَّاصِبِ وَ طَيَّبْتِهِ وَ الْأَحْقَوَاتِ الْحَسَنَةَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا النَّاصِبُ بِسِنَخِ الْمُؤْمِنِ وَ طَيَّبْتِهِ رُدُّوهُمَا كُلُّهُمَا إِلَى أَصْلِحِهَا فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا عَالِمُ السِّرِّ وَ الْخَفِيِّ وَ أَنَا الْمُطَّلِعُ عَلَى قُلُوبِ عِبَادِي لَا أَحِيفُ وَ لَا أَظْلِمُ وَ لَا أُلْزِمُ أَحَدًا إِلَّا مَا عَرَفْتُهُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ أَخْلُقَهُ ثُمَّ قَالَ الْبَاقِرُ عَاقِرًا يَا إِبْرَاهِيمُ هَذِهِ الْآيَةُ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ آيَةُ اللَّهِ قَالَ قَوْلُهُ تَعَالَى قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَحَدْنَا مَتَاعِنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا لَطَلِمُونَ هُوَ فِي الظَّاهِرِ مَا تَفْهَمُونَهُ هُوَ وَ اللَّهُ فِي الْبَاطِنِ هَذَا بِعَيْنِهِ يَا إِبْرَاهِيمُ إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا وَ مُحْكَمًا وَ مُتَشَابِهًا وَ نَاسِخًا وَ مَنْسُوخًا ثُمَّ قَالَ أَخْبِرْنِي يَا إِبْرَاهِيمُ عَنِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ وَ يَدَا شُعَاعِهَا فِي الْبُلْدَانِ أَلَا هُوَ يَأْتِي مِنَ الْقُرْصِ قُلْتُ فِي حَالِ طُلُوعِهِ يَأْتِي قَالَ أَلَيْسَ إِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ اتَّصَلَ ذَلِكَ الشُّعَاعُ بِالْقُرْصِ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ كَذَلِكَ يَعُودُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى سِنَخِهِ وَ جَوْهَرِهِ وَ أَصْلِحِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَزَعَ اللَّهُ تَعَالَى سِنَخَ النَّاصِبِ وَ طَيَّبْتَهُ مَعَ أَثْقَالِهِ وَ أَوْزَارِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ فَيُلْحِقُهَا كُلُّهَا بِالنَّاصِبِ وَ يَنْزِعُ سِنَخَ الْمُؤْمِنِ وَ طَيَّبْتَهُ مَعَ حَسَنَاتِهِ وَ أَبْوَابِ بَرِّهِ وَ اجْتِهَادِهِ مِنَ النَّاصِبِ فَيُلْحِقُهَا كُلُّهَا بِالْمُؤْمِنِ أَفَتَرَى هَاهُنَا ظُلْمًا أَوْ عِدْوَانًا قُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ هَذَا وَ اللَّهُ الْقَضَاءُ الْفَاصِلُ وَ الْحُكْمُ الْقَاطِعُ وَ الْعَدْلُ الْبَيِّنُ لَا يُسَيِّئُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْتَلُونَ هَذَا يَا إِبْرَاهِيمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ هَذَا مِنْ حُكْمِ الْمَلَكُوتِ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا حُكْمُ الْمَلَكُوتِ قَالَ حُكْمُ اللَّهِ حُكْمُ أَنْبِيَائِهِ وَ قِصَّةُ الْخَضِرِ وَ مُوسَى عَ حِينَ اسْتَضَى حَبَّهُ فَقَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خَيْرًا أَفَهُمْ يَا إِبْرَاهِيمُ وَ اغْتَلَّ أَنْكَرُ مُوسَى عَلَى الْخَضِرِ وَ اسْتَفْطَعَ أَفْعَالَهُ حَتَّى قَالَ لَهُ الْخَضِرُ يَا مُوسَى مَا فَعَلْتَهُ عَنِّ أَمْرِي إِنَّمَا فَعَلْتَهُ عَنِّ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ هَذَا وَ يُحَكُّ يَا إِبْرَاهِيمُ قُرْآنُ يُتْلَى وَ أَخْبَارُ تُؤْتَرُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رَدِّ مِنْهَا حَرْفًا فَقَدْ كَفَرَ وَ أَشْرَكَ وَ رَدَّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى قَالَ اللَّيْثِيُّ فَكَأَنِّي لَمْ أَغْتَلِ الْآيَاتِ وَ أَنَا أَفْرَأُهَا أَرْبَعِينَ سِنَةً إِلَّا ذَلِكَ الْيَوْمَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَعْجَبَ هَذَا تُؤَخِّدُ حَسَنَاتِ أَعْدَائِكُمْ فَتَرُدُّ عَلَى شَيْعَتِكُمْ وَ تُؤَخِّدُ سَيِّئَاتِ مُجْبِيكُم فَتَرُدُّ عَلَى مُبْغِضِيكُم قَالَ إِي [وَ] اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَالِقَ الْحَبَّةِ وَ بَارِئِ النَّسَمَةِ وَ فَاطِرِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ مَا أَخْبَرْتُكَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا أَنْبَأْتُكَ إِلَّا الصِّدْقَ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ إِنَّمَا أَخْبَرْتُكَ لَمَوْجُودٌ فِي الْقُرْآنِ كُلُّهُ قُلْتُ هَذَا بِعَيْنِهِ يُوجِدُ فِي الْقُرْآنِ قَالَ نَعَمْ يُوجِدُ فِي أَكْثَرِ مِنْ ثَلَاثِينَ مَوْضِعًا فِي الْقُرْآنِ أَ تُحِبُّ أَنْ أَفْرَأَ ذَلِكَ عَلَيْكَ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ لَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ وَ مَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ وَ لَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ الْآيَةُ أَزِيدُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ أَ تُحِبُّ أَنْ أَزِيدُكَ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَأَوْلَيْكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ شَيْعَتِنَا حَسَنَاتٍ وَ يَبْدُلُ اللَّهُ حَسَنَاتِ أَعْدَائِنَا سَيِّئَاتٍ وَ جَلَالُ اللَّهِ إِنَّ هَذَا لَمِنْ عَدْلِهِ وَ إِنْصَافِهِ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ وَ لَا مَعْقَبَ لِحُكْمِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ أَلَمْ أُبَيِّنْ لَكَ أَمْرَ الْمِزَاجِ وَ الطَّيْنَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَفْرَأُ يَا إِبْرَاهِيمُ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشِ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ يَعْنِي مِنَ الْأَرْضِ الطَّيِّبَةِ وَ الْأَرْضِ الْمُتَنَبِّهَةِ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى يَقُولُ لَا يَفْتَحِرْ أَحَدُكُمْ بِكُتْرِهِ صَلَاتِهِ وَ صِيَامِهِ وَ زَكَاتِهِ وَ نُسُكِهِ لِإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى مِنْكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ قِبَلِ اللَّمَمِ وَ هُوَ الْمِزَاجُ أَزِيدُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ كَمَا يَبْدَأُكُمْ تَعُودُونَ فَرِيقًا هِدَى وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَعْنِي أَنَّهُمُ الْجُورِ دُونَ أَيْمِهِ الْحَقِّ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حُذِّهَا إِلَيْكَ يَا أَبَا إِسْحَاقَ فَوَ اللَّهُ إِنَّهُ لَمِنْ غُرَرِ أَحَادِيثِنَا وَ بَاطِنِ سَرَائِرِنَا وَ مَكْنُونِ حَزَائِنِنَا وَ أَنْصَرَفَ وَ لَا تَطَّلِعَ عَلَى سِرِّنَا أَحَدًا إِلَّا مُؤْمِنًا مُسْتَبْصِرًا فَإِنَّكَ إِنْ أَدْعَتِ سِرَّنَا بَلِيَّتَ فِي نَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ أَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ. (علل الشرايع، ج ٢، باب ٦١٠)

فرمود: نه به خدا، گفتم: لواط می کند؟ فرمود: نه به خدا، گفتم: دزدی می کند؟ فرمود: نه، گفتم: شراب می خورد؟ فرمود: نه، گفتم: آیا گناه کبیره و فاحشه ای انجام می دهد؟ فرمود: نه، گفتم: آیا گناه انجام می دهد؟ فرمود: آری گناه می کند و لکن بر آن اصرار نمی ورزد....

تا این که فرمود: آیا بیش از این به تو بگویم؟ گفتم: آری ای فرزند رسول خدا، پس فرمود: خداوند می فرماید: «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» و مقصود از این آیه این است که خداوند گناهان شیعیان ما را در قیامت تبدیل به حسنات می کند و حسنات دشمنان ما را تبدیل به سیئات می نماید، و چون این از عدل و انصاف اوست کسی نمی تواند قضا و حکم او را تغییر دهد و مانع او شود، «و هو السميع العليم».

۲۶- خواب خود را به هر کسی نگوید

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: خواب مؤمن بالای سر او بین آسمان و زمین پرواز می کند تا این که یا خود مؤمن برای خود تعبیر کند و یا مؤمن دیگری مانند او و چون تعبیر می شود به زمین می آید از این رو خواب خود را جز برای مؤمن عاقل تعریف نکنید(۱).

و در سخن دیگری فرمود: خواب خود را جز بر مؤمن خالی از حسد و بغی تعریف نکنید(۲).

حسن بن جهم می گوید: از امام کاظم(علیه السلام) شنیدم که فرمود: خواب مطابق تعبیر انجام می گیرد. گفتم: بعضی از اصحاب ما روایت کرده اند که خواب پادشاه «اضغاث الاحلام» و بیهوده است؟ امام(علیه

ص: ۳۶

۱- ... عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَقُولُ إِنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تُرْفُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى رَأْسِ صَاحِبِهَا حَتَّى يُعْبَرَهَا لِنَفْسِهِ أَوْ يُعْبَرَهَا لَهُ مِثْلَهُ فَإِذَا عُبِّرَتْ لَزِمَتِ الْأَرْضَ فَلَا تَقْضُوا رُؤْيَاكُمْ إِلَّا عَلَى مَنْ يَعْقِلُ. (روضة الكافي، ج ۸، ص ۳۳۶، ح ۵۲۹)

۲- ... مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَزْوَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الرُّؤْيَا لَا تُقْضَى إِلَّا عَلَى مُؤْمِنٍ خَلَا مِنَ الْحَسَدِ وَ الْبُغْيِ. (همان، ح ۵۳۰)

فرمود: نه به خدا، گفتم: لواط می کند؟ فرمود: نه به خدا، گفتم: دزدی می کند؟ فرمود: نه، گفتم: شراب می خورد؟ فرمود: نه، گفتم: آیا گناه کبیره و فاحشه ای انجام می دهد؟ فرمود: نه، گفتم: آیا گناه انجام می دهد؟ فرمود: آری گناه می کند و لکن بر آن اصرار نمی ورزد....

تا این که فرمود: آیا بیش از این به تو بگویم؟ گفتم: آری ای فرزند رسول خدا، پس فرمود: خداوند می فرماید: «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» و مقصود از این آیه این است که خداوند گناهان شیعیان ما را در قیامت تبدیل به حسنات می کند و حسنات دشمنان ما را تبدیل به سیئات می نماید، و چون این از عدل و انصاف اوست کسی نمی تواند قضا و حکم او را تغییر دهد و مانع او شود، «و هو السميع العليم».

۲۶- خواب خود را به هر کسی نگویند

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: خواب مؤمن بالای سر او بین آسمان و زمین پرواز می کند تا این که یا خود مؤمن برای خود تعبیر کند و یا مؤمن دیگری مانند او و چون تعبیر می شود به زمین می آید از این رو خواب خود را جز برای مؤمن عاقل تعریف نکنید(۱).

و در سخن دیگری فرمود: خواب خود را جز بر مؤمن خالی از حسد و بغی تعریف نکنید(۲).

حسن بن جهم می گویند: از امام کاظم(علیه السلام) شنیدم که فرمود: خواب مطابق تعبیر انجام می گیرد. گفتم: بعضی از اصحاب ما روایت کرده اند که خواب پادشاه «اضغاث الاحلام» و بیهوده است؟ امام(علیه

ص: ۳۷

۱- ... عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَقُولُ إِنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تُرْفُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى رَأْسِ صَاحِبِهَا حَتَّى يُعْبَرَهَا لِنَفْسِهِ أَوْ يُعْبَرَهَا لَهُ مِثْلَهُ فَإِذَا عَبَّرَتْ لَزِمَتِ الْأَرْضَ فَلَا تَقْضُوا رُؤْيَاكُمْ إِلَّا عَلَى مَنْ يَعْقِلُ. (روضة الكافي، ج ۸، ص ۳۳۶، ح ۵۲۹)

۲- ... مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عَزْوَةَ عَنْ أَبِي بَصْتِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرُّؤْيَا لَا تُقْضَى إِلَّا عَلَى مُؤْمِنٍ خَلَا مِنَ الْحَسَدِ وَالبَغْيِ. (همان، ح ۵۳۰)

السلام) فرمود: زنی در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در خواب دید: تیر سقف خانه او شکست و چون به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) گفت آن حضرت فرمود: همسر تو به خوبی از سفر برمی گردد و چنین شد، و باز شوهر او به سفر رفت و آن زن آن خواب را دید و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) همان گونه تعبیر نمود، و در مرتبه سوم شوهر او به سفر رفت و آن زن آن خواب را دید و برای مرد ناشایسته ای تعریف کرد و آن مرد گفت: «شوهر تو از دنیا می رود» و چون این خبر به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) رسید فرمود: چرا خواب او را به خوبی تعبیر نکرد(۱)؟!

۲۷ عشق معصومین(علیهم السلام) به شیعیان

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: من با پدرم امام باقر(علیه السلام) در مسجد مدینه بین قبر و منبر برخورد به بعضی از شیعیان خود نمودیم پس من به پدرم گفتم: فدای شما شوم این ها شیعیان و دوستان شمایند، فرمود: کجایند؟ گفتم: من آنان را بین قبر و منبر می بینم، فرمود: «من را نزد آنان ببر» پس پدرم نزد آنان آمد و بر آنها سلام کرد و سپس فرمود: به خدا سوگند من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم و با این حال می گویم:

با ورع و تقوا و کوشش در عبادت خدا ما را کمک بدهید، چرا که وعده های خداوند بدون ورع و تقوا و کوشش در عبادت به کسی نمی رسد، و شما هنگامی که امام خود را شناختید باید به او اقتدا کنید. سپس فرمود: به خدا سوگند شما بر دین من و پدرانم ابراهیم و اسماعیل هستید، و این مردم بر دین خلفای غاصب خود هستند و شما که بر اعتقاد به امامت ما هستید باید اهل ورع و تقوا و کوشش در عبادت و کارهای خیر باشید(۲).

ص: ۳۸

۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي الْحَسَنَ ع يَقُولُ الرَّؤْيَا عَلَى مَا تُعْبَرُ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا رَوَى أَنَّ رُؤْيَا الْمَلِكِ كَانَتْ أَضْغَاثَ أَحْلَامٍ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع إِنَّ امْرَأَةً رَأَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّ جِدْعَ بَيْتِهَا قَدِ انْكَسَرَ فَأَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَصَّتْ عَلَيْهِ الرَّؤْيَا فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص يَقْدَمُ زَوْجُكَ وَيَأْتِي وَهُوَ صَالِحٌ وَقَدْ كَانَ زَوْجُهَا غَائِبًا فَقَدِمَ كَمَا قَالَ النَّبِيُّ ص ثُمَّ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا غَيْبَهُ أُخْرَى فَرَأَتْ فِي الْمَنَامِ أَنَّ جِدْعَ بَيْتِهَا قَدِ انْكَسَرَ فَصَصَّتْ عَلَيْهِ الرَّؤْيَا فَقَالَ لَهَا يَقْدَمُ زَوْجُكَ وَيَأْتِي صَالِحًا فَقَدِمَ عَلَى مَا قَالَ ثُمَّ غَابَ زَوْجُهَا ثَالِثَةً فَرَأَتْ فِي مَنَامِهَا أَنَّ جِدْعَ بَيْتِهَا قَدِ انْكَسَرَ فَلَقِيَتْ رَجُلًا أَعْسَرَ فَقَصَّتْ عَلَيْهِ الرَّؤْيَا فَقَالَ لَهَا الرَّجُلُ السُّوءُ يَمُوتُ زَوْجُكَ قَالَ فَلَبَّغَ ذَلِكَ النَّبِيُّ ص فَقَالَ أَلَا كَانَ عَبْرَ لَهَا خَيْرًا. (همان، ح ۵۲۸)

۲- ... سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ كَرَامٍ عَنِ أَبِي الصَّامِتِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَرَرْتُ أَنَا وَ أَبُو جَعْفَرٍ ع عَلَى الشَّيْخِ وَ هُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْعَتُكَ وَ مَوَالِيكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ أَيْنَ هُمْ فَقُلْتُ أَرَاهُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقَالَ أَذْهَبَ بِي إِلَيْهِمْ فَذَهَبَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ إِنِّي لِأَحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرْوَا حُكْمَكُمْ فَأَعِينُوا مَعَ هَذَا بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ إِنَّهُ لَا يُبَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بَوْرَعٌ وَ اجْتِهَادٌ وَ إِذَا اتَّمَمْتُمْ بَعْدَهُ فَاقْتَدُوا بِهِ أَمَا وَ اللَّهُ إِنَّا لَعَلَى دِينِي وَ دِينِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِنْ كَانَ هَوْلًا عَلَى دِينِ أَوْلِيكَ فَأَعِينُوا عَلَى هَذَا بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ. (كافي، ج ۸، ص ۲۴۰، ح ۳۲۸)

و در حدیث دیگری آمده که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من و پدرم بین منبر و قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گروهی از شیعیان خود را ملاقات کردیم و پدرم به آنان سلام کرد و سپس فرمود: به خدا سوگند من بوی شما و ارواح شما را دوست می دارم ...

تا این که فرمود: شما شیعه الله و انصار الله و سابقون اول و سابقون آخر و سابقون در دنیا و سابقون در آخرت به بهشت می باشید، و ما با ضمانت خدای عزوجل و ضمانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شما بهشت را ضمانت می کنیم، به خدا سوگند کسی در درجات بهشت بهتر از شما نیست، پس برای رسیدن به درجات بهشتی سبقت بگیرید، همانا مردان و زنان شما پاکانند، و هر زنی از شما در بهشت مانند حورالعین است، و هر مردی از شما صدیق است.

سپس فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) به غلام خود قنبر فرمود: بشارت باد تو را و شاد باش که به خدا سوگند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت و بر امت خود خشمگین بود جز شیعیان [ما که از آنان راضی بود] تا این که فرمود:

آگاه باشید که برای هر چیزی عزتی است و عزت اسلام شیعه است.

آگاه باشید که برای هر چیزی منزلت و جای بلندی است و جایگاه بلند اسلام شیعه است.

آگاه باشید که برای هر چیزی نقطه بلندی است و نقطه بلند اسلام شیعه است.

آگاه باشید که هر چیزی را شرف و منزلتی است و شرف اسلام شیعه است.

آگاه باشید که هر چیزی را سید و آقایی است و سید و آقای مجالس، مجالس شیعه است.

آگاه باشید که برای هر چیزی امام و پیشوایی است و امام زمین ها زمینی است که محل سکونت شیعه است.

سپس فرمود: به خدا سوگند اگر شما شیعیان روی زمین نبودید، هرگز گیاهی روی زمین دیده نمی شد، به خدا سوگند اگر شما روی زمین نمی بودید خدا نعمت های خود را از مخالفین شما قطع می نمود و آنان بهره ای از طیبیات نمی بردند، آنان نه در دنیا بهره ای دارند و نه در آخرت.

تا این که فرمود: هر کدام از ناصبی ها و دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) گرچه اهل عبادت و کوشای در آن باشند، منسوب به این آیه هستند که خداوند می فرماید: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً» (۱)

بنابراین هر ناصبی گرچه کوشای در عبادت باشد عمل او «هباءً مثوراً» می باشد. سپس فرمود:

شیعیان ما با نور خدای عزوجل سخن می گویند و مخالفین ما بدون تامل و فکر سخن می گویند، به خدا سوگند هیچ بنده ای از شیعیان ما به خواب نمی رود جز آن که خدا روح او را به آسمان بالا می برد و آن را مبارک می گرداند، پس اگر اجل او

رسیده باشد آن را در گنج های رحمت

ص: ۳۹

۱- غاشیه ۳-۴

مِنْ شَيْعَتِنَا يَنَامُ إِلَّا أَضْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُوحَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَيُبَارِكُ عَلَيْهَا فَإِنْ كَانَ قَدْ أَتَى عَلَيْهَا أَجْلُهَا جَعَلَهَا فِي كُنُوزِ رَحْمَتِهِ وَفِي رِيَاضِ جَنَّةٍ وَفِي ظِلِّ عَرْشِهِ وَإِنْ كَانَ أَجْلُهَا مُتَأَخَّرًا بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَتِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِيُرُدُّوَهَا إِلَى الْجَسَدِ الَّذِي خَرَجَتْ مِنْهُ لِتَسْكُنَ فِيهِ وَاللَّهُ إِنَّ حَيَاجَتَكُمْ وَعُمَارَكُمْ لَخَاصَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ فُقِرَاءُكُمْ لِأَهْلِ الْغِنَى وَإِنْ أَعْتِيَاءُكُمْ لِأَهْلِ الْقَنَاعَةِ وَإِنَّكُمْ كُلَّكُمْ لِأَهْلِ دَعْوَتِهِ وَأَهْلِ إِجَابَتِهِ. (كافي، ج ٨، ص ٢١٢، ح ٢٥٩)

سر و دو چشم در قلب، و همه مردم نیز چنین هستند جز آن که خداوند چشمان قلب شما را بینا نموده و چشمان قلب آنان را کور کرده است (۱).

عبدالله بن ولید گوید: در زمان حکومت مروان ما خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدیم و آن حضرت به ما فرمود: اهل کجایید؟ گفتیم: اهل کوفه هستیم. فرمود: ما، در هیچ شهری به اندازه کوفه شیعه نداریم و دوستان ما اکثراً در کوفه هستند، سپس فرمود: خدا شما را به چیزی هدایت نموده که این مردم نسبت به آن جاهل اند، و شما دارای محبت ما هستید و این مردم با ما دشمنی دارند، و شما از ما پیروی می کنید و این مردم با ما مخالفت می کنند و شما ما را تصدیق کرده اید و این مردم ما را تکذیب نموده اند از این رو خداوند حیات و ممات شما را مانند ما قرار داده است. تا این که فرمود:

پدرم درباره شما شیعیان و دوستان ما می فرمود: فاصله بین شما و رسیدن به ثواب و پاداش الهی و جوار رحمت خداوند تنها این است که جان شما به گلو برسد - و دست خود را نزدیک به گلوی خویش آورد - و خداوند درباره ما در کتاب خود می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً» (۲)

و ماییم ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (۳).

۲۸- چگونه از نعمت های خداوند استفاده کنیم؟

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۴)

از ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که می فرماید: آیا تو گمان می کنی که خداوند به هر کس مال داده به خاطر کرامت و محبوبیت او نزد خداوند بوده، و کسی را که از نعمت مال بهره مند نکرده به خاطر خواری و ناچیزی او نزد او بوده؟

ص: ۴۱

۱- ... عِدَّةٌ مِنْ أَضْيَحَانِنَا عَنْ سَيِّهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِثْلَهُ وَ زَادَ فِيهِ أَلْمَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ جَوْهَرًا وَ جَوْهَرٌ وَ لِدِ آدَمَ مُحَمَّدٌ ص وَ نَحْنُ وَ شَيْعَتُنَا بَعْدَنَا حَبْدًا شَيْعَتُنَا مَا أَقْرَبُهُمْ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحْسَنَ صُنْعِ اللَّهِ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ لَوْ لَا أَنْ يَتَعَاطَمَ النَّاسُ ذَلِكَ أَوْ يَدْخُلُهُمْ زَهْوٌ لَسَلَّمَتْ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ قُبُلًا وَ اللَّهُ مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ شَيْعَتِنَا يَتْلُو الْقُرْآنَ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا إِلَّا وَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ حَسَنَةٌ وَ لَا قَرَأَ فِي صَلَوَاتِهِ جَالِسًا إِلَّا وَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسُونَ حَسَنَةً وَ لَا فِي غَيْرِ صَلَاةٍ إِلَّا وَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ إِنَّ لِلصَّامِتِ مِنْ شَيْعَتِنَا لَأَجْرٌ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ مِنْ خَالَفَهُ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ عَلَى فُرْشَتِكُمْ نِيَامٌ لَكُمْ أَجْرُ الْمُجَاهِدِينَ وَ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ فِي صَلَاتِكُمْ لَكُمْ أَجْرُ الصَّافِينَ فِي سَبِيلِهِ - أَنْتُمْ وَ اللَّهُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ إِنَّمَا شَيْعَتُنَا أَصْحَابُ الْأَرْبَعَةِ الْأَعْيُنِ عَيْنَانِ فِي الرَّأْسِ وَ عَيْنَانِ فِي الْقَلْبِ أَلَا وَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ كَذَلِكَ إِلَّا أَنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَحَ أَبْصَارَكُمْ وَ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ. (کافی، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۲۶۰)

٣- ... عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيِّ قَالَ دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي زَمَنِ مَرْوَانَ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ فَقَالَ مَا مِنْ بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ أَكْثَرَ مُحِبًّا لَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَلَا سَيِّمًا هَيْدِهِ الْعِصَابَةَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ هَدَاكُمْ لِأَمْرِ جَهْلِهِ النَّاسُ وَ أَحَبُّهُمْوْنَا وَ أَبْغَضَنَا النَّاسُ وَ اتَّبَعْتُمْوْنَا وَ خَالَفْنَا النَّاسُ وَ صَدَقْتُمْوْنَا وَ كَذَبْنَا النَّاسُ فَأَحْيَاكُمْ اللَّهُ مَحْيَانَا وَ أَمَاتَكُمْ [اللَّهُ] مَمَاتَنَا فَأَشْهَدُ عَلَى أَبِي أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يَرَى مَا يُقِرُّ اللَّهُ بِهِ عَيْنَهُ وَ أَنْ يَعْتَبِطَ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَيْدِهِ وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً فَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ

ص. (كافي، ج ٨، ص ٨١ ح ٣٨)

٤- اعراف/ ٣١

البته این گونه نیست. مال، نعمت خداست و نزد صاحبان آن امانت است و خداوند به آنان اجازه داده تا به اندازه بخورند و به اندازه بیا شامند و به اندازه بپوشند و به اندازه ازدواج کنند و اضافه از این مصارف هر چه بود را به فقرا و مؤمنین برسانند و غبار فقر را از آنان برطرف نمایند و کسی که این گونه عمل کند، آنچه می خورد و می آشامد و مرکبی که سوار می شود و ازدواجی که می کند برای او حلال خواهد بود و در غیر این صورت بر او حرام می باشد.

سپس فرمود: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» تا این که فرمود: آیا تو گمان می کنی خداوند به کسی که مال داده او را مجاز قرار می دهد که اسبی را به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسب بیست درهمی او را کفایت می کند؟ و یا کنیزی را به هزار دینار خریداری کند در حالی که کنیز بیست دیناری او را کفایت می نماید و سپس فرمود: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)، (۲).

۲۹- بشارت های امام صادق (علیه السلام) به شیعیان

مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار از کتاب «فرج الكرب» از ابوبصیر نقل نموده که گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای ابا محمد! مردم به گروه هایی تقسیم شدند و شما به اهل بیت پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگشتید و آنچه خدا اراده نموده بود را پذیرفتید و آنچه را او دوست داشته بود را دوست داشتید و آنچه را او انتخاب کرده بود شما انتخاب نمودید، پس من شما را بشارت می دهم و شما شاد باشید، چرا که به خدا سوگند شما مورد رحمت خدایید و او حسنات شما را می پذیرد و از گناهان شما می گذرد، آیا من تو را شاد و مسرور کردم؟ گفتم: آری. فرمود:

ای ابا محمد! گناهان شیعیان ما مانند برگ خزان از دوش آنان می ریزد، چنان که خداوند می فرماید:

«وَأَتَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (۳)

«وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (۴) سپس فرمود: به خدا سوگند ای ابا محمد! خداوند از این آیه جز شما را اراده نکرده است، آیا من تو را مسرور کردم؟ گفتم: آری. فرمود: خداوند در قرآن درباره شما می میفرماید:

ص: ۴۲

۱- انعام/ ۱۴۱

۲- ... تفسیر العیاشی عَنْ أَبِيانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَ تَرَى اللَّهَ أَعْطَى مَنْ أَعْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ- وَ مَنَعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ- لَا وَ لَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعَ- وَ جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا- وَ يَشْرَبُوا قَصْدًا وَ يَلْبَسُوا قَصْدًا- وَ يَنْكِحُوا قَصْدًا وَ يَزْكَبُوا قَصْدًا- وَ يَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَلْتَمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ- فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا- وَ يَشْرَبُ- حَلَالًا وَ يَزْكَبُ وَ يَنْكِحُ حَلَالًا- وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا- ثُمَّ قَالَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ- أَ تَرَى اللَّهَ أَتَمَّنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ- خَوْلَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ يُعْزِيهِ فَرَسٌ بِعَشْرِينَ دِرْهَمًا- وَ يَشْتَرِيَ جَارِيَةً بِأَلْفِ دِينَارٍ وَ يُعْزِيهِ بِعَشْرِينَ دِينَارًا- وَقَالَ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (تفسیر عیاشی ج ۱۳/ ۲، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵)

۳- زمر/ ۷۵

«رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (۱)

و مقصود خداوند این است که شما به پیمان و میثاقی که از شما نسبت به ولایت ما گرفته است عمل کرده اید و دیگران را به جای ما نپذیرفته اید. و نیز مقصود خداوند از آیه «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (۲)

شما هستید و خداوند از این آیه جز شما را اراده نکرده است، آیا من تو را شاد و مسرور کردم؟ گفتم: آری. فرمود: خداوند در قرآن درباره شما می فرماید:

«إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (۳)

و به خدا سوگند او جز شما را اراده نکرده است، آیا من تو را خوشنود کردم؟ گفتم: آری بیشتر بفرمایید، فرمود: خداوند درباره شما [شیعیان] می فرماید:

«فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» (۴)

و مقصود از «النَّبِيِّينَ» رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ما «صديقون و شهداء» هستیم و به خدا سوگند شما صالحین می باشید که شیعیان ما هستید، آیا من تو را شاد کردم؟ گفتم: آری بیش از این بفرمایید، فرمود: خداوند شما را از شرّ شیطان حفظ نموده و می فرماید:

«إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (۵)

و خداوند از این آیه جز شما را اراده نکرده است، آیا من تو را خوشنود کردم؟ گفتم: آری بیش از این بفرمایید. فرمود: خداوند درباره شما می فرماید:

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (۶)

و به خدا سوگند از این آیه جز شما را اراده نکرده است، آیا من تو را شاد و مسرور کردم؟ گفتم: آری بیشتر بفرمایید، فرمود: ای ابا محمد خداوند در آیه «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ» (۷)

پیامبران و امت های پیشین را اراده نکرده و تنها شما هستید که در آن روز به فریاد همدیگر می رسید و خداوند به شما رحم می کند ای ابا محمد آیا من تو را شاد و مسرور کردم؟ گفتم: آری بیش از این بفرمایید ای فرزند رسول خدا، فرمود: خداوند شما را در کتاب خود یاد نموده و می فرماید:

«هَيْلٌ يَسِيْرَتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (۸) و مقصود از «الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» شیعیان مایند، گفتم: بیش از این بفرمایید فرمود: ای ابا محمد! هر آیه ای که نام بهشت و اهل آن را یاد نموده درباره ما و شما می باشد [یعنی عالی ترین مصداق آن ما و شمایم] و هر آیه ای که نام دوزخ و اهل آن را برده درباره دشمنان و مخالفین ما می باشد.

١- احزاب/٢٣

٢- زخرف/٦٧

٣- حجر/٤٧

٤- نساء/٦٩

٥- حجر/٤٢

٦- زمر/٥٣

٧- دخان/٤٢-٤١

٨- زمر/٩

سپس فرمود: به خدا سوگند کسی جز ما و شما بر دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و ملت ابراهیم (علیه السلام) نیست و بقیه مردم بیزار از شمایند، آیا من تو را خشنود نمودم؟ گفتم: آری ای فرزند رسول خدا درود خدا بر شما باد و خدا مرا فدای شما گرداند، و سپس با شادی از خدمت آن حضرت منصرف شدم (۱).

مؤلف گوید: در تفسیر فرات کوفی آمده که سلیمان دیلمی گوید: من خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که ابوبصیر - در حالی که پیرمردی بی حال و نالان بود - وارد شد و چون نشست امام (علیه السلام) به او فرمود: ای ابا محمد چه شده این گونه نفس می زنی و ناله می کنی؟ ابوبصیر گفت: فدای شما شوم ای فرزند رسول خدا من پیر و ناتوان گردیده ام و اجل من نزدیک شده و نمی دانم در آن عالم حال من چگونه خواهد بود؟ امام صادق (علیه السلام) به او فرمود:

آیا تو چنین سخنی را می گویی؟ ابوبصیر گفت: فدای شما شوم چگونه چنین نگویم؟ سپس امام (علیه السلام) برای دلجویی و مسرور نمودن او سخنان یاد شده را بیان نمود.

۲- مرحوم علامه زاهد و فقیه ماهر مقدس اردبیلی در کتاب «مجمع الفوائد» در انتهای بحث احکام میت گوید: باید این بحث را با ذکر دو روایت که در آن ها بشارت به دوستان علی بن ابیطالب (علیه السلام) آمده است به پایان برسانیم نخست روایت زید شحام را ذکر می کنیم که گوید:

ص: ۴۴

۱- ... وَ مِنْ كِتَابِ فَرَجِ الْكَرْبِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع يَا أَبَا مُحَمَّدٍ تَفَرَّقَ النَّاسُ شُعْبًا وَ رَجَعْتُمْ أَنْتُمْ إِلَى أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَأَرَدْتُمْ مَا أَرَادَ اللَّهُ وَ أَحْبَبْتُمْ مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ اخْزَرْتُمْ مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ فَأَبِشِرُوا وَ اسْتَبْشِرُوا فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ الْمَرْحُومُونَ الْمُتَقَبَّلُونَ مِنْكُمْ حَسَبَ نَاتِكُمْ الْمُتَجَاوِزُ عَنْ سَيِّئَاتِكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكُمْ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الذُّنُوبَ تَسَاقُطُ عَنْ ظُهُورِ شِيعَتِنَا كَمَا تُسْقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا غَيْرَكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ قَدْ ذَكَرْتُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَزَّ مِنْ قَائِلِ رِجَالٍ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ يُرِيدُ أَنْتُمْ وَ فَيْتُمْ بِمَا أَخَذَ عَلَيْكُمْ مِيثَاقَهُ مِنْ وَّلَايَتِنَا وَ أَنْتُمْ لَمْ تَسْتَبَدِّلُوا بِنَا غَيْرَنَا وَ قَالَ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ وَ اللَّهُ مَا عَنَى بِهِذَا غَيْرَكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي قَالَ لَقَدْ ذَكَرْتُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ وَ اللَّهُ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا غَيْرَكُمْ هَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي قَالَ وَ قَدْ ذَكَرْتُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِقَوْلِهِ فَأُولَئِكَ مِيعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ فَرَسُولُ اللَّهِ ص فِي هَذَا الْمَوْضِعِ النَّبِيُّونَ وَ نَحْنُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمْ الصَّالِحُونَ وَ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ شِيعَتِنَا فَهَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ لَقَدْ اسْتَبْشَرْتُمْ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الشَّيْطَانِ فَقَالَ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ اللَّهُ مَا عَنَى بِهِذَا غَيْرَكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ قَالَ اللَّهُ يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَ اللَّهُ مَا عَنَى بِهِذَا غَيْرَكُمْ هَلْ سَرَرْتُكُمْ يَا بَا مُحَمَّدٍ قُلْتُ زِدْنِي فَقَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا اسْتَبْشَرْتُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا أَتْبَاعِهِمْ مَا خَلَا شِيعَتِنَا فَقَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلِ يَوْمَ لَا يُعْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا- هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ وَ هُمْ شِيعَتِنَا يَا بَا مُحَمَّدٍ هَلْ سَرَرْتُكُمْ قُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَقَدْ ذَكَرْتُمْ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ حَيْثُ قَالَ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ فَنَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ وَ

أَعِدُّواؤُنَا الَّذِينَ لَمَّا يَعْلَمُونَ وَشَيَعْتُنَا هُمْ أَوْلُو الْأَلْيَابِ قُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا يُحْصِي تَضَاعُفُ ثَوَابِكُمْ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا مِنْ آيَةٍ تَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَتَذُكُرُ أَهْلَهَا بِخَيْرٍ إِلَّا وَهِيَ فِيْنَا وَفِيكُمْ مَا مِنْ آيَةٍ تَسُوقُ إِلَى النَّارِ إِلَّا وَهِيَ فِي عِيدُونَا وَ مَنْ خَالَفْنَا وَ اللَّهُ مَا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عَ غَيْرِنَا وَ غَيْرِكُمْ وَ إِنَّ سَائِرَ النَّاسِ مِنْكُمْ بِرَاءٌ يَا بَا مُحَمَّدٍ هَلْ سِرَرْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ جَعَلْتُ فِدَاكَ ثُمَّ انْصَرَفْتُ فَرِحًا. (بحار الانوار، ج ٢٧، ص ١٢٣، ح ١١١، تفسير فرات كوفي،

ص ٣٦٥)

امام صادق (علیه السلام) سراغ یکی از اصحاب خود را گرفت - و من حاضر بودم - و چون گفته شد: او از دنیا رفته است ، آن حضرت به او ترخّم و دعای خیر نمود و او را به خوبی یاد کرد، پس یک نفر [از مخالفین] که در آن جلسه حاضر بود گفت: «او چند دیناری به من بدهکار بود و به آن اهمّیت نداد و پرداخت نکرد!» ناگهان آثار خشم در صورت امام (علیه السلام) ظاهر شد و به او فرمود: آیا تو فکر می کنی خداوند دوست علی (علیه السلام) را به خاطر چند دینار ناچیز تو به دوزخ می برد؟! آن مرد گفت: «فدای شما شوم من او را حلال نمودم» امام (علیه السلام) فرمود: چرا قبل از این او را حلال نکردی (۱)؟!

سپس مرحوم مقدس اردبیلی گوید: روایت دوّم روایت صحیحی است که ابی شَیْبَل از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هر کس شما را با این اعتقادی که [به ولایت ما] دارید دوست بدارد داخل بهشت می شود گرچه اعتقاد شما را نداشته باشد (۲).

و در این حدیث ستایش بزرگ و جلیلی نسبت به شیعیان وجود دارد (۳).

تا اینکه مرحوم مقدس اردبیلی گوید: باید روایت سومی نیز در اینجا نقل کنیم. و آن روایتی است که صاحب کتاب «بشاره المصطفیٰ لعلی المرتضیٰ» مرحوم عالم زاهد تقی و نقی ابن طاوس حسینی صاحب روح پاک نقل نموده و ما آنرا با حذف اسناد نقل می کنیم او گوید:

روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) روزی با شادی و سرور و بشارت داخل خانه علی (علیه السلام) شد و سلام کرد و علی (علیه السلام) سلام او را پاسخ داد و عرضه داشت: یا رسول الله من شما را تاکنون این گونه شاد و مسرور ندیده بودم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: «عزیزم آمده ام به تو بشارت بدهم» تا این که فرمود:

بدان که در همین ساعت جبرئیل (علیه السلام) بر من نازل شد و گفت: خداوند بر تو سلام می فرستد و می فرماید: «به علی (علیه السلام) بشارت بده که شیعیان او صالح و عاصی، اهل بهشت خواهند بود» و چون علی (علیه السلام) این سخن را شنید سجده شکر نمود و دو دست خود را بلند کرد و فرمود: «خدایا من تو را شاهد می گیرم که نصف حسنات خود را به شیعیانم بخشیدم» سپس فاطمه (علیها السلام) نیز فرمود:

«خدایا تو شاهد باش که من نیز نصف حسنات خود را به شیعیان علی بخشیدم» سپس امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) نیز چنین گفتند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: «شما کریم تر از

ص: ۴۵

۱- ... إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِتَّانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ وَ نَحْنُ عِنْدَهُ فَقِيلَ لَهُ مَيَاتَ فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ وَ قَالَ فِيهِ خَيْرًا فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ لِي عَلَيْهِ دُنْيِيرَاتٌ فَعَلَيْنِي عَلَيْهَا وَ سَمَاهَا يَسِيرَةً قَالَ فَاسْتَبَانَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَالَ أ تَرَى اللَّهَ يَأْخُذُ وَلِيَّ عَلِيٍّ ع فَيُلْقِيهِ فِي النَّارِ فَيَعَذِّبُهُ مِنْ أَجْلِ ذَهَبِكَ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ هُوَ فِي حِلٍّ جَعَلَنِي اللَّهُ فَمَا ذَاكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَ فَلَا كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ الْآنَ. (التّهذيب،

٢- ... عَلِيُّ بْنُ مَهْرِيَّارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَيْفَوَانَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ أَحَبُّكُمْ عَلِيٌّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَإِنْ لَمْ يَقُلْ كَمَا تَقُولُونَ. (التهديب، ج ١/٤٦٨)

٣- ... والأخر ما رواه في الصحيح عن أبي شيبه ، قال : قال أبو عبد الله عليه السلام : من أحبكم علي ما أنتم عليه دخل الجنة ، وان لم يقل كما تقولون وفيه مدح عظيم وبشاره جليله. (مجمع الفائده، ج ٢، ص ٥١٤)

من نیستید، خدایا تو شاهد باش که من نیز نصف حسنات خود را به شیعیان علی بخشیدم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

سپس خداوند عزوجل به رسول خود (صلی الله علیه و آله و سلم) وحی نمود: «شما کریم تر از من نیستید، من گناهان همه شیعیان و دوستان علی (علیه السلام) را بخشیدم (۱)».

۳۰- پرسودترین تجارت

مرحوم صدوق در کتاب امالی با سند خود از ابوهریره نقل نموده که گوید: مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: یا رسول الله آیا شما فلانی را ندیدید که با سرمایه کمی با کشتی به چین رفت و به سرعت بازگشت و سود فراوانی را به دست آورد، تا جایی که مورد حسد دوستان خود قرار گرفت و از آن تجارت و درآمد به خویشان و همسایگان خود انفاق نمود؟!؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مال دنیا هر چه زیاد شود بلائی صاحبش بیشتر می گردد، پس شما حسرت صاحبان مال را نخورید - جز آن که صاحب مال اهل انفاق و احسان به ضعفا و مستمندان باشد - و لکن اگر بخواهید، من به شما کسی را معرفی می کنم که سرمایه او از آن کسی که گفتید کمتر می باشد و تجارت او سریع تر و سود و درآمد او بیشتر بوده است و آنچه خداوند برای او در خزائن خود از خیرات و برکات در زیر عرش خود ذخیره نموده فراوان تر می باشد؟

اصحاب گفتند: «یا رسول الله او کیست؟» فرمود: بنگرید به کسی که اکنون وارد بر شما می شود او همان است. راوی گوید: پس ما نظر کردیم و مردی از انصار را دیدیم که وارد شد و وضع ظاهر او آراسته نبود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: امروز از این مرد از خیرات و طاعات و اعمال نیک به قدری به درگاه خداوند بالا رفته که اگر بر همه اهل آسمان ها و زمین تقسیم شود کمترین سهم و نصیب یکی از آنان آموزش گناهان و واجب شدن بهشت برای او خواهد بود.

ص: ۴۶

۱- ... ولثلث بما نقل عن کتاب بشاره المصطفی لشیعیه علی المرتضی تصنیف الامام العالم العامل الزاهد الورع التقی النقی ابن طاوس الحسینی روحه الله روحه العزیزه بحذف الإسناد: قال: دخل رسول الله صلی الله علیه و آله علی علی علیه السلام فرحا مسرورا مستبشرا، فسلم علیه فرد علیه السلام، فقال علی علیه السلام: یا رسول الله (ص) ما رأیتک أقبلت علی مثل هذا الیوم؟ فقال: حبیبی جئت أبشرك، اعلم ان فی هذه الساعه نزل علی جبرئیل (ع) وقال: الحق یقرأک السلام، ویقول لک بشّر علیا: ان شیعته الصالح والعاصی من أهل الجنة، فلما سمع مقالته خرّ لله ساجدا ورفع یدیه الی السماء، ثم قال: اشهد الله علی انی قد وهبت لشیعته نصف حسناتی، فقالت فاطمه (ع) یا رب اشهد انی قد وهبت لشیعته علی نصف حسناتی، فقال الحسن والحسین كذلك، فقال النبی صلی الله علیه و آله ما أنتم بأکرم منی اشهد علیّ یا رب، انی قد وهبت لشیعته علی نصف حسناتی، قال: فأوحی الله عز وجل الی رسول الله ما أنتم بأکرم منی، انی قد غفرت لشیعته علی ومحبيه ذنوبهم جمیعا. (مجمع الفوائد، ج ۲، ص ۵۱۵، مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۱۶، روضات الجنات، طبع ۲، ص ۵۶۴، اربعین ما حوزی، ص ۱۰۶)

اصحاب گفتند: برای چه یا رسول الله؟ فرمود: خودتان از او سؤال کنید تا بگوید: در این روز چه کرده است؟ پس اصحاب گرد او جمع شدند و گفتند: بشارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تو گوارا باد مگر تو امروز چه کرده ای که خداوند این قدر برای تو پاداش قرار داده است؟ آن مرد گفت: من امروز کار خوبی از خود سراغ ندارم، جز این که برای حاجتی از خانه بیرون رفتم و چون دیر شده بود و ترسیدم که به آن حاجت و کاری که داشتم نرسم، با خود گفتم:

به جای آن می روم و به صورت علی (علیه السلام) نگاه می کنم چرا که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده بودم که نگاه به صورت علی بن ابیطالب (علیه السلام) عبادت است. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری به خدا سوگند عبادت است و چه عبادت بزرگی است. تا این که به آن مرد فرمود: ای بنده خدا تو امروز رفتی که برای قوت خانواده خود دیناری را به دست آوری و چون به آن نرسیدی به جای آن رفتی و به صورت علی (علیه السلام) نگاه کردی در حالی که دوست او بودی و به مقام او اعتقاد داشتی، و این برای تو بهتر از این است که دنیا پر از طلای سرخ باشد و به تو بدهند و تو آن ها را در راه خدا بدهی و تو با این عمل می توانی به عدد هر نفسی که در مسیر خود تا رسیدن به علی (علیه السلام) کشیده ای هزار نفر از گنهکاران [این امت] را شفاعت نمایی و از آتش دوزخ نجات بدهی (۱).

اهل سنت نیز از عایشه نقل کرده اند که گوید:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ذکر علی عبادت است. و نیز گویند: ابوذر هنگامی که مردم نماز می خواندند می آمد و به صورت علی (علیه السلام) نگاه می کرد و چون علت آن را سؤال نمودند گفت:

ص: ۴۷

۱- ... حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ قَالَ حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ رَجَاءٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا رَأَيْتَ فُلَانًا رَكِبَ الْبَحْرَ بِيضَاعِهِ يَسِيرُهُ وَخَرَجَ إِلَيَّ فَاسْرَعَ الْكُرَّةَ وَأَعْظَمَ الْغَنِيمَةَ حَتَّى قَدَّ حَسَدَهُ أَهْلُ وُدِّهِ وَأَوْسَعُ قَرَابَاتِهِ وَجِيرَانِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ مَالِ الدُّنْيَا كَلِمًا أَرْدَادَ كَثْرَةٍ وَعِظْمًا أَرْدَادَ صَاحِبِهِ بَلَاءً فَلَا تَغْبُطُوا أَصْحَابَ الْأَمْوَالِ إِلَّا بِمَنْ جَادَ بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ هُوَ أَقْلُ مَنْ صَيَّحِبِكُمْ بِضَاعَهُ وَأَسْرَعُ مِنْهُ كُرَّةً وَأَعْظَمُ مِنْهُ غَنِيمَةً وَمَا أَعَدَّ لَهُ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَحْفُوظٌ لَهُ فِي خَزَائِنِ عَرْشِ الرَّحْمَنِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انظُرُوا إِلَى هَذَا الْمُقْبِلِ إِلَيْكُمْ فَانظُرْنَا فَإِذَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ رَثَّ الْهَيْئَةَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هَذَا لَقَدْ صَيَّعَ لَهْ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِلَى الْعُلُوِّ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَالطَّاعِيَاتِ مَا لَوْ قَسَمَ عَلَيَّ جَمِيعَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَكَانَ نَصِيبَ أَقْلِهِمْ مِنْهُ غُفْرَانٌ ذُنُوبِهِ وَوُجُوبَ الْجَنَّةِ لَهُ قَالُوا بِمَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ سَلُوهُ يُخْبِرُكُمْ عَمَّا صَنَعَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ وَقَالُوا لَهُ هَيْنَا لَكَ مَا بَشَرَكَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَاذَا صَيَّعْتَ فِي يَوْمِكَ هَذَا حَتَّى كُتِبَ لَكَ مَا كُتِبَ فَقَالَ الرَّجُلُ مَا أَعْلَمُ أَنِّي صَيَّعْتُ شَيْئًا غَيْرَ أَنِّي خَرَجْتُ مِنْ بَيْتِي وَارْتَدْتُ حَاجَةً كُنْتُ أَبْطَأْتُ عَنْهَا فَخَشِيتُ أَنْ تَكُونَ فَاتِنِي فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَأَعْتَايَنَّ مِنْهَا النَّظْرَ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَ إِيَّيَّ وَاللَّهِ عِبَادَةٌ وَ أَيْ عِبَادَةٌ إِنَّكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ ذَهَبْتَ تَبْتَغِي أَنْ تَكْتَسِبَ دِينَارًا لِقُوتِ عِيَالِكَ فَفَاتَكَ ذَلِكَ

فَاعْتَصَتْ مِنْهُ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ وَ أَنْتَ لَهُ مُحِبٌّ وَ لِفَضْلِهِ مُعْتَمِدٌ وَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا كُلَّهَا لَكَ ذَهَبَهُ حَمْرَاءَ
فَأَنْفَقْتَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَتَشْفَعَنَّ بِعَدَدِ كُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْهُ فِي مَصْرَةِ بَرَكٍ إِلَيْهِ فِي أَلْفِ رَقِيَةٍ يُعْتَقُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ بِشَفَاعَتِكَ.
(بحار الانوار، ج ٣٨، ص ١٩٨، ح ٥، امالي صدوق، ص ٣٦٢-٣٦١، كشف الغمه، ص ٣٣-٣٢)

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِيبَادَةٌ- وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِيبَادَةٌ- وَ النَّظْرُ فِي الصَّحِيفَةِ يَعْنِي صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ عِيبَادَةٌ- وَ النَّظْرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِيبَادَةٌ. (بحار الانوار، ج ٣٨ ص ١٩٩ از كتاب فردوس الاخبار و كتاب شرف النبي (صلى الله عليه و آله و سلم)
٢- شوری/٢٣

«من مات على حب آل محمد مات شهيداً، ألا و من مات على حب آل محمد مغفوراً له، ألا و من مات على حب آل محمد مات تائباً، ألا- و من مات على حب آل محمد مات مؤمناً مستكمل الايمان، ألا و من مات على حب آل محمد بشّره ملك الموت بالجنّه، ثم منكر و نكير، ألا و من مات على حب آل محمد يزفّ إلى الجنه كما تزفّ العروس إلى بيت زوجها، ألا و من مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان إلى الجنه، ألا و من مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكه الرحمه، ألا- و من مات على حب آل محمد مات على السنه و الجماعه، ألا و من مات على بغض آل محمد جاء يوم القيامه مكتوباً بين عينيه آيس من رحمه الله، ألا- و من مات على بغض آل محمد مات كافراً، ألا و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحه الجنه(۱)».

مؤلف گوید: مشابه حدیث فوق را مرحوم صدوق در کتاب فضائل الشیعه نقل نموده است(۲).

۳۲- صداقت با برادران دینی

اسحاق بن عمار صیرفی گوید: من در کوفه که بودم برادران دینی من زیاد نزد من می آمدند و من از شهرت کراهت داشتم و ترسیدم که به دیانت شهرت پیدا کنم، از این رو به غلام خود گفتم: هر کس از من سراغ می گیرد بگو: او در اینجا نیست. پس در آن سال به حج رفتم و امام صادق(علیه السلام) را ملاقات نمودم و دیدم او از من روی خوشی ندارد، از این رو عرضه داشتم: فدای شما شوم چه چیز سبب شده که

ص: ۴۹

۱- (مجمع الفائده ج ۷، ص ۵۲۷، عمده ابن بطریق، ص ۵۴)

۲- ... قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمِ الطُّوسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو رَجَاءٍ عَنْ نَافِعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَضِبَ ص ثُمَّ قَالَ مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْكُرُونَ مَنْ مَنَزَلَتْهُ مِنَ اللَّهِ كَمَنْزِلَتِي أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَفَأَهُ الْجَنَّةُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْثِرِ وَيَأْكُلَ مِنْ طُوبَى وَيَرَى مَكَانَهُ فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبْلَ صَلَاتِهِ وَ صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اسْتِجَابَ لَهُ دُعَاؤُهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُهَا مِنْ أَيِّ يَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ حَاسِبَهُ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ جَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِزٍّ فِي يَدَيْهِ حَوْرَاءَ وَ شَفَّعَ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي يَدَيْهِ حَوْرَاءَ وَ مَدِينَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا الْمَوْتِ كَمَا يَبْعَثُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ بَيْضَ وَجْهِهِ وَ كَانَ مَعَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا [لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْثِرِ وَيَأْكُلَ مِنْ طُوبَى] أَثْبَتَ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الْحِكْمَةَ وَ أَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَ فَتِيحَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا سَمِّيَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَسِيرَ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَضِعَ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْمُلْكِ وَ أَلْبَسَ حُلَّةَ الْكِرَامَةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا حِزَّازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ

النَّارِ وَجَوَازُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَمِيَانٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَمْ يُنْشَرْ لَهُ دِيْوَانٌ وَ لَمْ يُنْصَبْ لَهُ مِيزَانٌ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ بِمَا حِسَابِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا صَدَفَحْتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ أَلَمَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ أَلَمَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَآنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ قَالَ أَبُو رَجَاءٍ كَانَ حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ يَفْتَخِرُ بِهَذَا وَ يَقُولُ هُوَ الْأَمَلُ [الأصل]. (فضائل الشيعة، ص ٢، ح ١)

شما به من روی خوش نشان نمی دهید؟ فرمود: به خاطر این که تو به برادران مؤمن خود روی خوش نداری [و آنان را نزد خویش راه نمی دهی].

گفتم: فدای شما شوم من ترس از این دارم که شهرت پیدا کنم و خدا می داند که من شدیداً آنان را دوست می دارم. فرمود: ای اسحاق از زیارت و دیدار برادران خود ملالت نداشته باش، چرا که مؤمن هنگامی که با برادر مؤمن خود ملاقات می کند و به او می گوید: مرحباً [خوش آمدی] خداوند تا قیامت برای او پاداش مرحباً می نویسد، و چون با او مصافحه می کند خداوند بین انگلستان آنان یکصد رحمت نازل می نماید و نود و نه رحمت برای آن کسی است که بیشتر برادر خود را دوست می دارد، و سپس خداوند به آنان نظر رحمت می نماید و به آن که برادر خود را بیشتر دوست می دارد بیشتر توجه می نماید، و چون با همدیگر معانقه می کنند رحمت خداوند آنان را فرا می گیرد، و هنگامی که هدف آنان از ملاقات، رضای خدا باشد و هدف دنیایی نداشته باشند به آنان گفته می شود: خدا شما را آمرزید عمل خود را از سر بگیرید، و چون شروع به سخن و احوال پرسی می کنند ملائکه به همدیگر می گویند:

از آنان دور شوید چرا که آنان [ممکن است] سزای دارند که خداوند آن را بر آنان پوشانده است.

اسحاق بن عمار گوید: گفتم: فدای شما شوم آیا آنان سخن ما را مکتوب نمی کنند؟ همان گونه که خداوند می فرماید: «ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (۱)

پس امام (علیه السلام) آهی کشید و اشک او بر محاسنش جاری شد و فرمود: ای اسحاق ملائکه به خاطر احترام به آنان به همدیگر می گویند: از آنان دور شوید، و خداوند حافظ و عالم به اسرار و سرّ سرّ آنان است سپس فرمود:

ای اسحاق از خدا بترس مثل این که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند، و اگر فکر می کنی که او تو را نمی بیند، کافر شده ای، و اگر می دانی که او تو را می بیند و خود را هنگام گناه از مردم می پوشانی، و در مقابل خدا [حیا نمی کنی و] گناه می کنی؟ بدان که خدای خود را نادیده گرفته ای و او را «اهون الناظرین» قرار داده ای (۲)!!

ص: ۵۰

۱- ق/ ۱۸

۲- ... ثواب الأعمال ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَيَأْتِينِي إِخْوَانٌ كَثِيرَةٌ وَ كَرِهْتُ الشُّهْرَةَ فَتَخَوَّفْتُ أَنْ أَشْتَهَرَ بِدِينِي فَأَمَرْتُ غُلَامِي كُلَّمَا جَاءَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ يَطْلُبُنِي فَقَالَ لَيْسَ هُوَ هَاهُنَا قَالَ فَحَجَجْتُ تِلْكَ السَّنَةَ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فرأيت منه ثقلاً و تعبراً فيما بيني و بينه قال قلت جعلت فداك ما الذي غيّرني عندك قال الذي غيّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ قلتُ جعلت فداك إِنَّمَا تَخَوَّفْتُ الشُّهْرَةَ وَ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ شِدَّةَ حُبِّي لَهُمْ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ لَا تَمَلَّ زيارَةَ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ لَهُ مَرْحَبًا كَتَبَ لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا صَافَحَهُ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ إِبْهَامِهِمَا مِائَةَ رَحْمَةٍ تَسْبَعُهُ وَ تَسْبَعِينَ لِأَشَدِّهِمْ لِصَاحِبِهِ حُبًّا ثُمَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ فَكَانَ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ أَشَدًّا إِقْبَالًا فَإِذَا تَعَانَقَا غَمَزَتْهُمَا الرَّحْمَةُ فَإِذَا لَبَّيْنَا لَا يُرِيدَانِ إِلَّا وَجْهَهُ لَا يُرِيدَانِ غَرَضًا مِنْ غَرَضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا غُفِرَ لَكُمَا

فَاسْتَأْنَفَا فَاِذَا اُقْبِلَا عَلَي الْمُسَاءِ لِه قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَاِنْ لَّهُمَا سِرًّا وَقَدْ سَتَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا قَالَ اِسْحَاقُ قُلْتُ لَهٗ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمَا يُكْتَبُ عَلَيْنَا لَفْظُنَا فَقَدْ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَمَدِيهِ رَقِيْبٌ عَتِيْدٌ قَالَ فَتَنَفَّسَ ابْنُ رَسُوْلِ اللّٰهِ ص الصُّعَدَاءُ قَالَ ثُمَّ بَكَى حَتَّى خَضِبَتْ دُمُوْعُهُ لِحَيْتِهِ وَقَالَ يَا اِسْحَاقُ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اِنَّمَا نَادَى الْمَلَائِكَةَ اَنْ يَغِيْبُوْا عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِذَا التَّقِيَّا اِجْلَالًا لَّهُمَا فَاِذَا كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَمَا تَكْتُبُ لَفْظُهُمَا وَ لَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَقَدْ يَعْرِفُهُ الْحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَ اَخْفَى يَا اِسْحَاقُ فَخَفِ اللّٰهُ كَمَا نَكَتَ تَرَاهُ فَاِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَاِنَّهٗ يَرَاكَ فَاِنْ كُنْتَ تَرَى اَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ اسْتَتَرَتْ عَنِ الْمَخْلُوْقِيْنَ بِالْمَعَاصِي وَ بَرَزَتْ لَهٗ بِهٖمَا فَقَدْ جَعَلْتَهُ فِي حَيْدٍ اَهْوَنِ النَّاْظِرِيْنَ اِلَيْكَ. (بحار الانوار، ج ٧٣، ٢١، ثواب الاعمال، ص ١٣٢، رجال كشي، ص ٣٤٩)

امام باقر (علیه السلام) به جابر جعفی فرمود (۱):

ای جابر چند چیز را در بین اهل زمان خود غنیمت بدان:

۱- هنگامی که بین آنان هستی شناخته و معروف نباشی.

۲- اگر از بین آنان رفتی کسی از تو سراغ نگیرد.

۳- اگر در جلسه ای حاضر بودی از تو مشورت نکنند.

۴- اگر سخنی گفتی پذیرفته نشود.

۵- اگر از دختران آنان خواستگاری کردی به تو دخترشان را ندهند.

ص: ۵۱

۱- ... رُوِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا جَابِرُ اغْتَنِمِ مِنْ أَهْلِ زَمَانِكَ خَمْسًا إِنْ حَضَرَتْ لَمْ تُعْرِفْ وَ إِنْ غَبَتْ لَمْ تُفْتَقِدْ وَ إِنْ شَهِدَتْ لَمْ تُشَاوِرْ وَ إِنْ قُلْتَ لَمْ يُقْبَلْ قَوْلُكَ وَ إِنْ حَاطَبْتَ لَمْ تُرَوِّجْ وَ أُوصِيكَ بِخَمْسٍ إِنْ ظَلِمْتَ فَلَا تَظْلِمْ وَ إِنْ حَانُوكَ فَلَا تَحْنُ وَ إِنْ كُذِّبْتَ فَلَا تَعْصَبْ وَ إِنْ مُدِحْتَ فَلَا تَفْرَحْ وَ إِنْ ذَمِمْتَ فَلَا تَجْزَعْ وَ فَكِّرْ فِيمَا قِيلَ فَيْكَ فَإِنْ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فَيْكَ فَسُقُوطُكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَعْظَمُ عَلَيْكَ مُصِيبَةً مِمَّا خِفتَ مِنْ سُقُوطِكَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ وَ إِنْ كُنْتَ عَلَى خِلَافِ مَا قِيلَ فَيْكَ فَتَوَابٌ اِكْتَسَبْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَّعَبَ بِدُنُوكَ وَ اعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّى لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوْءٌ لَمْ يَخْرُوكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسْرُوكَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ اعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَإِنْ كُنْتَ سَالِكًا سَبِيلَهُ زَاهِدًا فِي تَرْهِيدهِ رَاغِبًا فِي تَرْغِيهِ خَائِفًا مِنْ تَخْوِيفِهِ فَاتَّبِعْ وَ أَبَشِرْ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكَ مَا قِيلَ فَيْكَ وَ إِنْ كُنْتَ مُبَايِنًا لِلْقُرْآنِ فَمَا ذَا الَّذِي يَعْزُوكَ مِنْ نَفْسِكَ إِنْ الْمُؤْمِنِ مَعْنَى بِمُجَاهِدِهِ نَفْسِهِ لِيُعْلِبَهَا عَلَى هَوَاهَا فَمَرَّةٌ يُقِيمُ أَوْدَهَا وَ يُخَالِفُ هَوَاهَا فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ مَرَّةٌ تَضِرُّهُ نَفْسُهُ فَيَتَّبِعُ هَوَاهَا فَيَنْعَشُهُ اللَّهُ فَيَنْتَعِشُ وَ يَقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَيَتَذَكَّرُ وَ يَفْرَعُ إِلَى التَّوْبَةِ وَ الْمَخَافَةِ فَيَزِدُ بَصِيرَةً وَ مَعْرِفَةً لِمَا زِيدَ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ وَ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ- إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ يَا جَابِرُ اسْتَكْبِرْ لِنَفْسِكَ مِنَ اللَّهِ قَلِيلَ الرِّزْقِ تَخَلُّصًا إِلَى الشُّكْرِ وَ اسْتِقْلَالَ مِنْ نَفْسِكَ كَثِيرِ الطَّاعَةِ لِلَّهِ إِزْرَاءً عَلَى النَّفْسِ وَ تَعَرُّضًا لِلْعَفْوِ وَ ادْفَعْ عَنْ نَفْسِكَ حَاضِرَ الشَّرِّ بِحَاضِرِ الْعِلْمِ وَ اسْتَعْمِلِ حَاضِرَ الْعِلْمِ بِخَالِصِ الْعَمَلِ وَ تَحَرَّزْ فِي خَالِصِ الْعَمَلِ مِنْ عَظِيمِ الْعَفْلَةِ بِشِدَّةِ التَّيَقُّظِ وَ اسْتَجْلِبْ شِدَّةَ التَّيَقُّظِ بِصِدْقِ الْخَوْفِ وَ اخْذَرْ خَفَى التَّرْتِيبِ بِحَاضِرِ الْحَيَاةِ وَ تَوَقَّ مَجَازِفَةَ الْهَوَى بِدَلَالَةِ الْعَقْلِ وَ قِفْ عِنْدَ غَلْبَةِ الْهَوَى بِاسْتِزْهَادِ الْعِلْمِ وَ اسْتِيقَاتِ خَالِصِ الْأَعْمَالِ لِيَوْمِ الْجَزَاءِ وَ انزِلْ سِيَاحَةَ الْقِنَاعَةِ بِاتِّقَاءِ الْحِرْصِ وَ ادْفَعْ عَظِيمَ الْحِرْصِ بِإِيثارِ الْقِنَاعَةِ وَ اسْتَجْلِبْ حَلَاوَةَ الزَّهَادَةِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَ اقْطَعْ أَسْبَابَ الطَّمَعِ بِبُرْدِ الْيَأْسِ وَ سُدِّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ وَ تَخَلُّصِ إِلَى رَاحَةِ النَّفْسِ بِصِدْقِ التَّنْوِيضِ وَ اطْلُبْ رَاحَةَ الْيَدَيْنِ بِإِجْمَامِ الْقَلْبِ وَ تَخَلُّصِ إِلَى إِجْمَامِ الْقَلْبِ بِقَلْبِهِ الْخَطَا وَ تَعَرُّضِ لِرِقَّةِ الْقَلْبِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ فِي الْخَلَوَاتِ وَ اسْتِجْلِبْ نُورَ الْقَلْبِ بِدَوَامِ الْحُزْنِ وَ تَحَرَّزْ مِنْ إِبْلِيسَ بِالْخَوْفِ الصَّادِقِ وَ إِيَّاكَ وَ الرَّجِيَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي

الْخَوْفِ الصَّادِقِ وَ تَزَيَّنَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّدَقِ فِي الْأَعْمَالِ وَ تَحَبَّبَ إِلَيْهِ بِتَعْجِيلِ الْإِنْتِقَالِ وَ إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ
الْهَلَكَى وَ إِيَّاكَ وَ الْغَفْلَةَ فَفِيهَا تَكُونُ قَسَاوُهُ الْقَلْبِ وَ إِيَّاكَ وَ التَّوَانِي فِيمَا لَمَّا عَزِدَرَ لَكَ فِيهِ فَإِلَيْهِ يَلْجَأُ النَّادِمُونَ وَ اسْتَرْجَعُ سَالِفَ
الذُّنُوبِ بِشِدَّةِ النَّدَمِ وَ كَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ تَعَرَّضَ لِلرَّحْمَةِ وَ عَفْوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ وَ اسْتَعْنَى عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَ
الْمُنَاجَاهِ فِي الظُّلَمِ وَ تَخَلَّصَ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْتَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَ اسْتِثْقَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ وَ اسْتِجْلِبَ زِيَادَةَ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَ
التَّوَسُّلِ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النِّعَمِ وَ اطْلُبْ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَاتَةِ الطَّمَعِ وَ اذْفَعْ ذُلَّ الطَّمَعِ بِعِزِّ الْيَأْسِ وَ اسْتِجْلِبْ عِزَّ الْيَأْسِ بِبُعْدِ
الْهَمِّهِ وَ تَرَوُّدِ مِنَ الدُّنْيَا بِقَضِيرِ الْأَمَلِ وَ بَادِرِ بَانْتِهَازِ الْبُغْيَةِ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ وَ لَا إِمْكَانَ كَالْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ مَعَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ إِيَّاكَ وَ
الثَّقَّةَ بِغَيْرِ الْمَأْمُونِ فَإِنَّ لِلشَّرِّ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ الْغَدَاءِ. وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ وَ لَا عَقْلَ كُمُخَالَفَةِ
الْهَوَى وَ لَمَّا خَوْفٌ كَخَوْفِ حَرِّ الْجَزْرِ وَ لَمَّا رَحِمَاءُ كَرَحِمَاءِ مُعِينٍ وَ لَا فَقْرٌ كَفَقْرِ الْقَلْبِ وَ لَا غِنَى كَغِنَى النَّفْسِ وَ لَا قُوَّةَ كَغَلْبَةِ الْهَوَى وَ لَا
نُورَ كَنُورِ الْيَقِينِ وَ لَا يَقِينَ كَاسْتِثْنَاءِ غَارِكِ الدُّنْيَا وَ لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ وَ لَا نِعْمَةَ كَالْعَافِيَةِ وَ لَا عَافِيَةَ كَمُسَاعَدَةِ التَّوْفِيقِ وَ لَا
شَرَفَ كَجَعْدِ الْهَمِّهِ وَ لَا زُهَيْدَ كَقَضِيرِ الْأَمَلِ وَ لَا حِرْصَ كَالْمُنَافَسَةِ فِي الدَّرَجَاتِ وَ لَا عَدْلَ كَالْإِنْصَافِ وَ لَا تَعَدَّى كَالْجَوْرِ وَ لَا جَوْرَ
كَمُوَافَقَةِ الْهَوَى وَ لَمَّا طَاعَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ لَا خَوْفَ كَالْحُزْنَ وَ لَا مُصِيبَةَ كَعَدَمِ الْعَقْلِ وَ لَا عَدَمَ عَقْلٍ كَقَلْبِهِ الْيَقِينِ وَ لَا قَلْبَهُ الْيَقِينِ
كَفَقْدِ الْخَوْفِ وَ لَا فَقْدَ خَوْفٍ كَقَلْبِهِ الْحُزْنَ عَلَى فَقْدِ الْخَوْفِ وَ لَا مُصِيبَةَ كَاسْتِثْنَاءِ الْبُغْيَةِ بِالذَّنْبِ وَ رِضَاكَ بِالْحَالَةِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا وَ
لَمَّا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ وَ لَمَّا جِهَادَ كَمُجَاهِدَةِ الْهَوَى وَ لَمَّا قُوَّةَ كَرُدِّ الْغَضَبِ وَ لَا مَعْصِيَةَ كَحُبِّ الْبَقَاءِ وَ لَا ذُلَّ كَذُلِّ الطَّمَعِ وَ إِيَّاكَ وَ
التَّفْرِيطَ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ فَإِنَّهُ مَيِّدَانٌ يَجْرِي لِأَهْلِهِ بِالْخُسْرَانِ. (تحف العقول، ص ٢٨٤)

سپس فرمود: من تو را به پنج چیز سفارش می کنم:

۱- اگر مظلوم واقع شدی به کسی ظلم مکن

۲- اگر به تو خیانت شد تو به کسی خیانت نکن

۳- اگر سخن تو را تکذیب کردند خشم مکن

۴- اگر تو را ستایش نمودند شاد مشو.

۵- و اگر از تو مذمت کردند جزع و بی تابی مکن، و در آنچه مردم درباره تو می گویند فکر کن، پس اگر دیدی آنچه می گویند در تو وجود دارد پس بدان که اگر خشم کردی از حق خشم کرده ای و این برای تو مصیبت بارتر از افتادن از چشم مردم است، و اگر دیدی آنان درباره تو خلاف می گویند و تو آنگونه که می گویند نیستی، پس این ثوابی است که تو بدون زحمت به دست آورده ای.

سپس فرمود: تو بدان که از موالیان ما نخواهی بود جز آن که اگر همه اهل شهر تو جمع شوند و بگویند: تو انسان ناشایسته ای هستی محزون و غمگین نشوی، و اگر همه آنان بگویند تو مرد صالحی هستی شاد و مسرور نشوی، و لکن تو خود را بر کتاب خدا عرضه کن، پس اگر دیدی در مسیر قرآن حرکت می کنی و آنچه قرآن از آن پرهیز داده تو از آن پرهیز می کنی، و به آنچه ترغیب نموده راغب هستی، و از آنچه ترساننده می ترسی، پس پایدار و شادمان باش، چرا که گفته های مردم آسیبی به تو نمی رساند، و اگر خود را با قرآن سازگار ندیدی، برای چه به خود مغرور می شوی؟ سپس فرمود:

تو باید بدانی مقصود از خلقت مؤمن جهاد با نفس است تا بر هواهای نفسانی خود غالب شود و او در این جهاد گاه غالب می شود و نفس خویش را به استقامت و درستی وامی دارد و در راه محبت خدا با او مخالفت می کند، و گاه مغلوب می شود و نفس، او را زمین می زند و او به دنبال هوای نفس خود می رود و خداوند او را از سقوط رهایی می دهد و نجات پیدا می کند. (سفینه البحار، لغه جبر)

۳۴- بهترین مرگ و بدترین مرگ

حضرت جواد(علیه السلام) از پدران خود از امام حسین(علیه السلام) نقل نموده که امام حسین(علیه السلام) می فرماید: به پدرم امیرالمؤمنین(علیه السلام) گفته شد: مرگ را برای ما توصیف کنید؟ پدرم فرمود: سؤال خود را نزد خبیر و دانایی آوردید. سپس فرمود: مرگ به یکی از سه گونه واقع می شود: یا بشارت به نعمت های ابدی [و بهشت] است، و یا بشارت به عذاب ابدی [و جهنم] است، و یا سبب حزن و اندوه و وحشت است و صاحب آن نمی داند، کدامیک از دو گروه پیشین است، آیا اهل بهشت است و یا او را به دوزخ خواهند برد؟! سپس فرمود:

اما آن که ولایت ما را داشته و مطیع ما بوده، تنها اوست که بشارت به نعمت های ابدی به او داده می شود، و اما آن که دشمن و مخالف ما بوده، بشارت به عذاب ابد به او داده می شود، و اما آن که نمی داند با او چه خواهد شد، و کار او مبهم

است ، او مؤمن مسرفی است که بر خود ستم نموده و نمی داند کار او به کجا کشیده خواهد شد ، و خیرهای مبهم و وحشتناکی برای او می آید و قطعاً خداوند او را با دشمنان ما یکسان

ص: ۵۲

قرار نخواهد داد و لکن داخل آتش می شود و خداوند با شفاعت ما او را از آتش خارج خواهد نمود، از این رو شما باید:

اهل عمل صالح باشید [و گناه نکنید] و از ما اطاعت نمایید و به امیدهای کاذب تکیه نکنید و عقوبت و عذاب خدا را کوچک نشمارید، چرا که برخی از مسرفین و گنهکاران- از شما- به شفاعت ما نمی رسند، مگر پس از سیصد هزار سال [که در دوزخ گرفتار خواهند بود!!] (۱).

۳۵- آداب کسب و تجارت

مؤلف گوید: چه خوب است کسبه محترم، آداب کسب و تجارت و تحصیل معاش را از زبان معصومین (علیهم السلام) بشنوند تا با برخورد نیکو و حسن ظن و اعتقاد، به آن نگاه کنند، از این رو نویسنده عین سخنان معصومین (علیهم السلام) را در اختیار آنان قرار می دهد، تا بیشتر مؤثر واقع شود ان شاء الله.

۱- مرحوم شیخ بزرگوار و محدث جلیل القدر محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب کافی در جلد پنجم کافی «باب آداب التجاره» از اصبع بن نباته نقل نموده که گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بالای منبر کوفه فرمود: ای جماعت تجار، اول احکام تجارت را بیاموزید و حلال حرام آنرا بدانید و سپس به تجارت مشغول شوید. و این جمله را سه مرتبه تکرار نمود و سپس فرمود:

به خدا سوگند ربا در این امت پوشیده تر از راه رفتن مورچه روی سنگ صاف است. تا این که فرمود: سوگندهای خود را همراه با صدق و راستی قرار بدهید، و بدانید که تاجر فاجر است و فاجر در آتش است جز کسی که حق بگیرد و حق بدهد (۲).

۲- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که خرید و فروش می کند باید پنج چیز را ترک نماید و گرنه هرگز خرید و فروش نکند:

۱- ربا،

۲- سوگند،

۳- کتمان عیب هنگام فروش

۴- مذمت از مال هنگام خرید (۳).

ص: ۵۳

۱- ... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ

بِئْسَ مَا يَشَارُهُ بِنَعِيمِ الْآبِدِ وَإِمَّا بِشَارِهِ بِعَذَابِ الْآبِدِ وَإِمَّا تَحْزِينٌ وَ تَهْوِيلٌ وَ أَمْرُهُ مُبْهَمٌ لَا يُدْرَى مِنْ أَىِّ الْفِرَاقِ هُوَ فَأَمَّا وَلِيْنَا الْمَطِيْعَ لِأَمْرِنَا فَهُوَ الْمُبَشِّرُ بِنَعِيمِ الْآبِدِ وَ أَمَّا عِدُوْنَا الْمُخَالِفُ عَلَيْنَا فَهُوَ الْمُبَشِّرُ بِعَذَابِ الْآبِدِ وَ أَمَّا الْمُبْهَمُ أَمْرُهُ الَّذِي لَمَّا يُدْرَى مَا حَالُهُ فَهُوَ الْمُؤْمِنُ الْمُسْرِفُ عَلَى نَفْسِهِ لَا يُدْرَى مَا يُثْوُلُ إِلَيْهِ حَالُهُ يَأْتِيهِ الْخَبْرُ مُبْهَمًا مَخُوفًا ثُمَّ لَنْ يُسَوِّيهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَعْيَادِنَا لَكِنْ يُخْرِجُهُ مِنَ النَّارِ بِشَفَاعَتِنَا فَاعْمَلُوا وَ أَطِيعُوا لِمَا تَتَكَلَّمُوا وَ لَا تَسْتَصْرِغُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ مَنْ لَا تَلْحَقُهُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بِعِدِّ عَذَابِ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ. (معانى الاخبار، ص ٢٨٨، اعتقادات شيخ مفيد، ص ٥١، بحار الانوار، ج ٦، ص ١٥٤)

٢- ... عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن أبي الجارود عن الأصمغ بن نباته قال: سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول على المنبر: يا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، والله للربا فى هذه الأمة أخفى من ديب النمل على الصفا، شوبوا أيمانكم بالصدق، التاجر فاجر والفاجر فى النار إلا من أخذ الحق وأعطى الحق. (كافى ج ٥، ص ١٥٠، ح ١)

٣- على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلى، عن السكونى، عن أبى عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من باع واشترى فليحفظ خمس خصال وإلا فلا يشتري ولا يبيع الربا والحلف وكتمان العيب والحمد إذا باع والذم إذا اشترى. (همان، ح ٢)

۳- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه هر روز صبح از قصر بیرون می آمد و داخل یکایک بازارهای کوفه می شد و تازیانه ای بر روی دوش او بود - که دو طرف داشت و به آن سیبیه می گفتند - و آن حضرت در هر بازاری می ایستاد، و با صدای بلند می فرمود:

«ای جماعت تجار از خدا بترسید» و چون مردم صدای مبارک او را می شنیدند، هر چه در دست داشتند زمین می گذاشتند و کاملاً از گوش دل به سخن او توجه می کردند، و آن حضرت می فرمود: «قبل از هر چیزی از خداوند طلب خیر بکنید و با آسان گرفتن بر مردم به کسب و تجارت خود برکت بخشید، و خود را به خریداران نزدیک کنید، و با حلم و صبر و بردباری، خود را زینت دهید و از سوگند و دروغ و ظلم دوری کنید، و با مظلومان با انصاف باشید، و نزدیک ربا نروید، و کیل و وزن را کامل بدهید، و کم فروشی نکنید، و روی زمین فساد ننمایید» سپس در همه بازارها می گردید [و این سخنان را به همه آن مردم ابلاغ می نمود] و باز می گشت و به مراجعات مردم پاسخ می داد (۱).

۴- عبدالله بن قاسم جعفری از برخی از اهل بیت خود نقل نموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حکیم بن حزام اجازه تجارت نداد، تا او برای آن حضرت ضمانت نمود که با «نادم» یعنی کسی که از معامله پشیمان شده «اقاله» کند یعنی معامله را فسخ کند، و بر کسی که توان پرداخت بدهی خود را ندارد صبر کند، و هنگام اقاله مال خود را از خریدار پس بگیرد چه کامل باشد چه ناقص (۲).

۵- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زینب عطاره روزی نزد همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد به او فرمود: «هر وقت تو وارد اطاق های ما می شوی اطاق های ما معطر می شود» زینب عطاره گفت: «یا رسول الله اطاق های شما به عطر وجود شما بیش از این معطر است» پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: چون چیزی را می فروشی

ص: ۵۴

۱- ... عده من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، وأحمد بن محمد، وعلی بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً، عن ابن محبوب، عن عمرو بن أبي المقدام، عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: كان أمير المؤمنين (عليه السلام) بالكوفة عندكم يفتدي كل يوم بكرة من القصر فيطوف في أسواق الكوفة سوقاً وسوقاً معه الدرهم على عاتقه وكان لها طرفان وكانت تسمى السبيبه فيقف على أهل كل سوق فينادي: يا معشر التجار اتقوا الله عز وجل فإذا سمعوا صوته (عليه السلام) ألقوا ما بأيديهم وارعوا إليه بقلوبهم وسمعوا بأذانهم فيقول (عليه السلام): قدموا الاستخاره وتبركوا بالسهوله واقربوا من المبتاعين وتزينوا بالحلم وتناهوا عن اليمين وجانبوا الكذب وتجاؤوا عن الظلم وانصفوا المظلومين ولا تقربوا الربا وأوفوا الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس أشياءهم ولا تعثوا في الأرض مفسدين. فيطوف (عليه السلام) في جميع أسواق الكوفة ثم يرجع فيقعد للناس. (همان، ص ۱۵۱، ح ۳)

۲- ... علی بن إبراهيم، عن علی بن محمد القاسمی، عن علی بن أسباط، عن عبد الله ابن القاسم الجعفری، عن بعض أهل بيته قال: إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) لم يأذن لحکیم بن حزام بالتجاره حتی ضمن له إقاله النادم وإنظار المعسر وأخذ الحق وافياً وغير واف. (همان، ح ۴)

بهرتر و خوب تر آن را تحویل بده و غش و خیانت مکن تا بهتر به تقوای خدا عمل کرده باشی و مال تو برکت پیدا کند(۱).

۶- امام صادق(علیه السلام) به هشام بن حکم می فرماید: اگر کسی به تو گفت: «برای من فلان جنس را خریداری کن» تو از مال خود به او مده گرچه مال تو بهتر باشد(۲).

۷- امام صادق(علیه السلام) می فرماید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به مردی که متاعی را می فروخت فرمود: بزرگواری و گذشت در معامله برای فروشنده سود و ربح محسوب می شود(۳).

۸- امام صادق(علیه السلام) نیز می فرماید: امیرالمؤمنین(علیه السلام) چون دید کنیزی از قصابی گوشت خریده و به او می گوید: «بیشتر بده» به قصاب فرمود: به او بیشتر بده تا برکت بیشتری پیدا کنی(۴).

۹- از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که فرمود: اگر کسی به دیگری بگوید: «بیا از من خریداری کن و من با تو به نیکی رفتار می کنم» حرام است از او سود بگیرد. [و لکن اصحاب، این روایت را حمل بر کراهت کرده اند(۵)].

۱۰- امام صادق(علیه السلام) درباره کسی که متاعی را در معرض فروش قرار داده و قیمتی هم برای آن تعیین نموده و اگر خریدار چیزی نگوید آن متاع را به همان قیمت تعیین شده به او می فروشد و هر کس چانه بزند به او تخفیف می دهد، فرمود: اگر این تخفیف مربوط به دو نفر یا سه نفر باشد مانعی ندارد و اما اگر این تخفیف مربوط به هر کسی باشد که چانه می زند، این کار، کار صحیحی نیست و باید قیمت را یکسان قرار بدهد(۶).

ص: ۵۵

۱- ... عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن الحسين بن زيد الهاشمي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: جاءت زينب العطاره الحولاء إلى نساء النبي (صلى الله عليه وآله) فجاء النبي (صلى الله عليه وآله) فإذا هي عندهم فقال النبي (صلى الله عليه وآله): إذا أتيتنا طابت بيوتنا، فقالت: بيوتك بريحك أطيب يا رسول الله فقال لها رسول الله (صلى الله عليه وآله): إذا بعث فأحسني ولا تغشي فإنه أتقى لله وأبقى للمال. (همان، ح ۵)

۲- ... علی بن ابراهیم، عن أبيه، ومحمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان جميعا، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن الحكم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا قال لك الرجل: اشتر لي فلا تعطه من عندك وإن كان الذي عندك خيرا منه. (همان، ح ۶)

۳- ... علی بن ابراهیم، عن أبيه عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): السماحة من الرباح، قال ذلك لرجل يوصيه ومعه سلعه يبيعها. (همان، ص ۱۵۲، ح ۷)

۴- ویاسناده قال: مر أمير المؤمنين (عليه السلام) على جارية قد اشترت لحما من قصاب وهي تقول: زدني فقال له أمير المؤمنين (صلوات الله عليه): زدها فإنه أعظم للبركة. (همان، ح ۸)

۵- ... محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن علي بن عبد الرحيم، عن رجل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: إذا قال الرجل للرجل هلم: أحسن يبعك يحرم عليه الربح. (همان، ح ۹)

۶- ... الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن بعض أصحابنا، عن أبان، عن عامر بن جذاعة، عن أبي عبد الله (عليه السلام)

أنه قال في رجل عنده (مبيع) فسعره سعرا معلوما فمن سكت عنه ممن يشتري منه باعه بذلك السعر ومن ماكسه وأبى أن يبتاع منه زاده قال: لو كان يزيد الرجلين والثلاثة لم يكن بذلك بأس فأما أن يفعله بمن أبى عليه وكايسه و يمنعه ممن لم يفعل ذلك فلا يعجبني إلا أن يبيعه بيعا واحدا. (همان، ح ١٠)

۱۱- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: صاحب متاع سزاوارتر به تعیین قیمت مال خود می باشد، [پس کسی حق ندارد برای مال مردم قیمت تعیین کند] (۱).

۱۲- روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از معامله کردن بین طلوع فجر و طلوع آفتاب منع نمود (۲).

۱۳- محمد بن سنان گوید: به من خبر داده شده که امام باقر (علیه السلام) دو معامله را صحیح و شایسته ندانسته است: ۱- این که فروشنده بگوید: قیمت را در اختیار من قرار ده، و مال را - بدون واریسی - بگیر و ببر، ۲- این که مشتری چیزی را که ندیده و واریسی نکرده خریداری کند (۳).

۱۴- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: گول زدن کسی که قیمت را به فروشنده واگذار می کند سُحت و حرام است (۴).

۱۵- و در سخن دیگری فرمود: گول زدن مؤمن در معامله حرام است (۵).

۱۶- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که با برادر خود اقاله کند [یعنی معامله را با درخواست او فسخ کند] خداوند نیز از لغزش های او در قیامت می گذرد و با او اقاله می کند (۶).

۱۷- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس مالی را در معرض فروش قرار بدهد، خداوند عزوجل خریداری را می فرستد تا آن را بخرد و سودی به او بدهد و اگر صاحب مال به آن سود قانع نشد، خداوند خریدار را نزد دیگری می فرستد [و فروشنده اول را محروم می نماید] (۷).

۱۸- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چهار خصلت در هر کس باشد کسب و درآمد او پاک خواهد بود: ۱- هنگام خریدن، از مالی که می خرد عیب گویی نکند، ۲- هنگامی که مالی را می فروشد، از

ص: ۵۶

۱- ... علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): صاحب السلعة أحق بالسوم. (همان، ح ۱۱)

۲- ... عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن علي بن أسباط رفعه قال: نهى رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن السوم ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس. (همان، ح ۱۲)

۳- ... أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن بن حماد، عن محمد بن سنان قال: نبث عن أبي جعفر (عليه السلام) أنه كره بيعين: ا طرح وخذ علی غیر تقلیب و شراء ما لم ير. (همان، ص ۱۵۳، ح ۱۳)

۴- ... أحمد، عن محمد بن علي، عن أبي جميله، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: غبن المسترسل سحت. (همان ح ۱۴)

۵- ... عنه، عن عثمان بن عيسى، عن ميسر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: غبن المؤمن حرام. (همان، ح ۱۵)

۶- ... أحمد، عن محمد بن علي، عن يزيد بن إسحاق، عن هارون بن حمزه، عن أبي حمزه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

أيما عبد أقال مسلما في بيع أقاله الله تعالى عشرته يوم القيامة. (همان، ح ١٦)

٧- ... أحمد، عن علي بن أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري، عن عبد الله بن سعيد الدغشي قال: كنت على باب شهاب بن عبد ربه فخرج غلام شهاب فقال: إني أريد أن أسأل هاشم الصيدناني عن حديث السلعة والبضاعة قال: فأتيت هاشما فسألته عن الحديث فقال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن البضاعة والسلعة، فقال: نعم ما من أحد يكون عنده سلعة أو بضاعة إلا قبض الله عز وجل من يربحه، فإن قبل وإلا صرفه إلى غيره وذلك أنه رد على الله عز وجل. (همان، ح ١٧)

مال خود ستایش نکند، ۳- از مالی که می فروشد عیب پوشی نکند [و عیب مال خود را بگوید]، ۴- برای معامله سوگند نخورد (۱).

۱۹- در تفسیر آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (۲)

از یکی از معصومین (علیهم السلام) نقل شده که فرمود: مقصود این است که چون وقت نماز فرا می رسد، دست از تجارت بردارند و حق خدا را ادا کنند (۳).

۲۰- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمود: کسی که بدون علم و آگاهی [از مسائل حرام و حلال] تجارت کند، شدیداً گرفتار ربا می شود [چرا که ربا و معامله تشابه فراوان دارند] و در سخن دیگری فرمود: کسی حق ندارد در بازار دگه ای باز کند، مگر آن که از احکام خرید و فروش آگاه باشد (۴).

۳۶- خشنود کردن پدر و مادر

در روضه کافی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: من در خواب، مردی از امت خود را دیدم که ملك الموت برای قبض روح او آمد، و احسان او به پدر و مادر، ملك الموت را باز گرداند سپس فرمود:

رضایت خداوند با رضایت پدر و مادر است و خشم خداوند با خشم پدر و مادر است. و فرمود: هر فرزندی که با ترحم و محبت، به پدر و مادر خود نگاه کند، هر نگاه او حجج مرور و مقبول محسوب می شود. اصحاب گفتند: یا رسول الله گر چه در هر روز یکصد مرتبه به آنان نگاه کند؟ فرمود: آری، الله اکبر و اطیب. و فرمود:

اگر پدر به فرزند خود نگاه کند و او را خشنود کند، برای چنین پدری پاداش آزاد کردن یک بنده در راه خدا خواهد بود، گفته شد: یا رسول الله گر چه سیصد و شصت بار به او نگاه کند؟ فرمود: الله اکبر. و نیز فرمود:

ص: ۵۷

۱- ... محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عيسى رفع الحديث قال: كان أبو أمامه صاحب رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: أربع من كن فيه فقد طاب مكسبه إذا اشترى لم يعب وإذا باع لم يحمد ولا يدلّس وفيما بين ذلك لا يحلف. (همان، ح ۱۸)

۲- نور/ ۳۷

۳- ... عده من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن الحسين بن بشار، عن رجل رفعه في قول الله عز وجل: (رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله) قال: هم التجار الذين لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله عز وجل إذا دخل مواقيت الصلاة أدوا إلى الله حقه فيها. (همان، ص ۱۵۴، ح ۲۱)

۴- ... محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زيد، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (صلوات الله عليه): من أتجر بغير علم ارتطم في الربا ثم ارتطم قال: وكان أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: لا

يقعدن فى السوق إلا من يعقل الشراء والبيع. (همان، ح ٢٣)

حقوق فرزند بر پدر سه چیز است:

۱- اسم او را نیکو قرار دهد

۲- کتابت و نوشتن به او تعلیم دهد

۳- هنگامی که بالغ می شود همسر برای او فراهم کند(۱).

۳۷- بهترین اعمال فرزندان

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: شخصی به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: یا رسول الله مرا نصیحت کنید. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شرک به خدا پیدا مکن ، گرچه تو را به آتش بسوزانند و عذابت کنند ، جز آن که [تقیه کنی و] قلب تو مطمئن به ایمان باشد، و از پدر و مادر خود اطاعت و به آنان احسان کن، خواه زنده باشند و خواه از دنیا رفته باشند ، و اگر به تو امر کردند که از مال و همسر خود بگذری بگذر چرا که این نشانه ایمان است(۲).

منصور بن حازم گوید: به امام صادق(علیه السلام) گفتم: بهترین اعمال چیست؟ فرمود: نماز اول وقت و احسان به پدر و مادر و جهاد در راه خدا(۳).

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: مردی به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) گفت : من علاقه زیادی به جهاد دارم. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در راه خدا جهاد کن ، چرا که اگر کشته شوی نزد خداوند زنده خواهی بود و روزی می خوری، و اگر در این راه بمیری اجر و پاداش تو بر خدا خواهد بود، و اگر از جهاد زنده بازگردی، از گناهان خود پاک شده ای، مانند وقتی که از مادر متولد شده ای.

آن مرد گفت:

یا رسول الله من پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته اند و از رفتن من به جهاد کراهت دارند؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در کنار پدر و مادر خود بمان چرا که انس با آنان در یک شبانه روز ، بهتر از جهاد یکسال است(۴).

ص: ۵۸

۱- ... روضه الواعظین قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَأَيْتُ بِالْمَنَامِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ فَجَاءَهُ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ فَمَنَعَهُ مِنْهُ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَضِيَ اللَّهُ مَعَ رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٌّ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظَرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظَرِهِ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسِرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقٌ نَسَمَهُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ سِتِّينَ وَ ثَلَاثِينَ نَظَرَهُ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ. (بحار الانوار ج ۷۱ ص ۸۰)

٢- ... وَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي - فَقَالَ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ إِنِ حُرِّقَتْ بِالنَّارِ وَ إِنِ عُذِّبَتْ - إِلَّا وَ قَلْبِكَ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ - وَ وَالِدَيْكَ فَأَطِعْمَهُمَا وَ بَرَّهُمَا حَيِّينِ أَوْ مَيِّتَيْنِ - فَإِنِ أَمْرَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ فَافْعَلْ - فَإِنِ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ - وَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فَلَا تَدْعُهَا مُتَعَمِّدًا - فَإِنَّهُ مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ مُتَعَمِّدًا فَإِنَّ ذِمَّةَ اللَّهِ مِنْهُ بَرِيئَةٌ - وَ إِيَّاكَ وَ شُرْبَ الْخَمْرِ وَ كُلَّ مُسْكِرٍ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحَا كُلِّ شَرٍّ . (بحار الانوار، ج ٧٤، ص ١٤٦، و ج ٧١، ص ٣٤)

٣- ... الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلَتْهَا وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ . (كافي، ج ٢، ص ١٥٨)

٤- الكافي عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَهْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ص - فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ نَشِيطٌ - قَالَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَإِنَّكَ إِذَا تُقْتَلْتَ تَكُنْ حَيًّا عِنْدَ اللَّهِ تُزْزَقُ - وَ إِذَا تَمُتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُكَ عَلَى اللَّهِ - وَ إِذَا رَجَعْتَ رَجَعْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وُلِدْتَ - قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي وَالِدَيْنِ كَبِيرَيْنِ - يَزْعُمَانِ أَنَّهُمَا يَأْنَسَانِ بِي وَ يَكْرَهُانِ خُرُوجِي - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَرِّ مَعَ وَالِدَيْكَ - فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ - لَأُنْسُهُمَا بِكَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ . (بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٤٩)

امام باقر(علیه السلام) فرمود: بسا فرزندی در زمان حیات پدر و مادر اهل احسان به آنان بوده و لکن پدر و مادر که از دنیا می روند، دین و بدهکاری آنان را نمی پردازد و برای آنان استغفار نمی کند و خداوند او را عاق پدر و مادر می نویسد، و بسا فرزندی در زمان حیات پدر و مادر عاق بوده و به آنان احسان نمی کرده و چون از دنیا می روند، دین آنان را پرداخت می کند و برای آنان استغفار می نماید و خداوند او را از عقوبت خارج می کند و احسان کننده به پدر و مادر می نویسد(۱).

۳۷- شاد نمودن برادران مؤمن

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست که یک خانواده مؤمن را شاد و مسرور کند جز این که خداوند از این سرور مخلوقی برای او در قیامت خواهد آفرید که هر سختی و مشکلی در قیامت پیدا کند، به او آرامش بدهد و بگوید: ای ولی خدا هراسی برای تو نیست و مؤمن به او گوید:

«تو کیستی؟ خدا تو را رحمت کند، اگر همه دنیا برای من بود من آن را پاداش تو قرار می دادم» و او می گوید: من همان سرور و شادی هستم که تو بر آن خانواده مؤمن وارد کردی و آنان را مسرور نمودی(۲).

سدیر صیرفی ضمن حدیث مفصّلی از امام صادق(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هنگامی که مؤمن در قیامت از قبر خود خارج می شود مقابل او مثال زیبایی را در حرکت می بیند و در آن روز هر وحشتی که مؤمن احساس کند آن مثال به او می گوید:

حزن و اندوهی به خود راه مده و وحشت مکن و من از طرف خداوند به تو بشارت به شادی و سرور و کرامت می دهم و همواره در مواقف قیامت به او بشارت به سرور و کرامت الهی می دهد، تا آن مؤمن در

ص: ۵۹

۱- [الكافی] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا دَيْنُهُمَا وَلَا يَسْتَتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَاقًا وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارًّا بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنَهُمَا وَ اسْتَتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَارًّا. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۵۹ و ۸۱ و ۸۴)

۲- ... أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْغِفَارِيُّ عَنِ لُوطِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ عَبْدٍ يُدْخِلُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا إِلَّا خَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَجِيئُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا مَرَّتْ عَلَيْهِ شَدِيدَةٌ يَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَخَفْ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ لِي مَا رَأَيْتُهَا لَكَ شَيْئًا فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَ عَلَى آلِ فُلَانٍ. (ثواب الاعمال، ص ۱۵۰)

پیشگاه خداوند جلّ جلاله می رسد و خداوند حساب آسانی برای او انجام می دهد و دستور می فرماید تا او را به بهشت ببرند در حالی که آن مثال مقابل او می باشد و مؤمن به او می گوید:

خدا تو را رحمت کند تو چه همراه خوبی بودی که همواره به من بشارت به سرور و کرامت دادی تا به بهشت نزدیک شدم. تو کیستی؟ پس آن مثال می گوید: من همان سروری هستم که تو در دنیا بر برادر مؤمن خود وارد کردی و او را خشنود نمودی و خداوند مرا از آن سرور آفرید تا به تو بشارت بدهم و تو را شاد نمایم(۱).

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: کسی که مؤمنی را مسرور و شاد کند خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد نمود و به او گفته می شود: «هر چه می خواهی و دوست داری از خدا بخواه چرا که تو در دنیا دوست می داشتی که اولیای خدا را شاد کنی» پس آنچه او آرزو دارد و بیش از آن را خداوند - از نعمت های بهشتی- به او می دهد که در قلب او خطور نکرده است(۲).

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که مؤمنی را مسرور و شاد نماید به راستی مرا شاد نموده است و کسی که مرا شاد نماید خدا را شاد نموده است(۳).

جابر گوید: امام باقر(علیه السلام) فرمود: تبسم مؤمن در صورت برادر مؤمن خود، یک حسنه محسوب می شود، و اگر خاشاکی را از صورت او برطرف کند نیز یک حسنه است، و خداوند به چیزی عبادت نشده که محبوب تر از ادخال سرور بر مؤمن باشد(۴).

۳۸- بر آوردن حاجت مؤمن

مرحوم صدوق در کتاب «ثواب الاعمال» بابی را تحت عناوین ذیل بازنموده :

ص: ۶۰

۱- ... حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْذُوبٍ عَنْ سِدِّيرِ الصَّيْرَفِيِّ فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا بُعِثَ الْمُؤْمِنُ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالٌ مِنْ قَبْرِهِ يَقْدُمُهُ أَمِيَامَهُ وَكَلِمًا رَأَى الْمُؤْمِنُ هَوًّا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ لَا تَحْزَنَ وَلَا تَفْرَحَ وَابْشُرْ بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يُبَشِّرُهُ بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَحَاسِبُهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمِثَالُ أَمِيَامَهُ يَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ رَحِمَكَ اللَّهُ نِعَمَ الْخَارِجِ كُنْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي وَ مَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ حَتَّى رَأَيْتَ ذَلِكَ فَمَنْ أَنْتَ قَالَ يَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَهُ عَلَيَّ أَخِيكَ الْمُؤْمِنُ خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْهُ لِأَبَشْرِكَ. (همان)

۲- ... حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعِيدِ أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ سَيَّرَ أَمْرًا مُؤْمِنًا سَيَّرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لَهُ تَمَنَّ عَلَى رَبِّكَ مَا أَحْبَبْتَ فَقَدْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَسَيَّرَ أَوْلِيَاءَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَيُعْطَى مَا تَمَنَّى وَيَزِيدَهُ اللَّهُ مِنْ عِنْدِهِ مَا لَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبِهِ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ. (ثواب

الاعمال، ص ۱۴۹)

٣- ... عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ. (كافي، ج ٢، ص ١٨٨، ح ١)

٤- ... عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يُكْنَى أَبَا مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صِرْفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ. (همان، ح ٢)

- ۱- ثواب من قضی لأخیه حاجه،
- ۲- ثواب من نفس عن مؤمن کربه،
- ۳- ثواب من أعان مؤمناً علی ظالم،
- ۴- ثواب من سعی للمؤمن فی حاجه،
- ۵- ثواب من سقی مؤمناً من ظمأ،
- ۶- ثواب من أطعم مؤمناً من جوع،
- ۷- ثواب من کسی مؤمناً من عری،
- ۸- ثواب من حمل مؤمناً من رحله،
- ۹- ثواب من کفی مؤمناً،
- ۱۰- ثواب من کفن مؤمناً عند موته،
- ۱۱- ثواب من زوّج مؤمناً،
- ۱۲- ثواب من عاد مؤمناً من مرضه .

سپس مطابق عناوین یاد شده روایاتی را از ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل نموده است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ابوحزمه ثمالی گوید: امام سجّاد (علیه السلام) فرمود: کسی که برای برادر دینی خود یک حاجت و خواسته او را برآورده کند، خداوند در دنیا و در قیامت در مقام پاداش او برمی آید و یکصد حاجت او را برآورده می کند که یکی از آنها بهشت خواهد بود،

و کسی که اندوه برادر مؤمن خود را برطرف کند، خداوند اندوه قیامت او را برطرف می کند هر چه خواهد باشد،

و کسی که کمک کند و مؤمنی را از شرّ ظالمی نجات بدهد، خداوند برای نجات او از صراط به او کمک خواهد نمود تا او خشنود و مسرور شود و از صراط بگذرد و این عمل برای او مانند ادخال سرور بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد،

و کسی که مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خداوند او را از ظرف های مهر کرده بهشتی سیراب خواهد نمود،

و کسی که مؤمن گرسنه ای را سیر کند خداوند او را از میوه های بهشتی سیر خواهد نمود،

و کسی که مؤمن برهنه ای را بپوشاند و لباسی به او بدهد، خداوند در بهشت لباس حریر و استبرق به او خواهد پوشاند،

و کسی که به مؤمن غیر عریانی لباس بدهد، همواره در ضمانت خداوند می باشد تا زمانی که از آن لباس چیزی باقی مانده باشد،

ص: ۶۱

و کسی که مؤمنی را از خواری نجات بدهد و آبروی او را حفظ کند، ولدان مخلصان بهشتی در بهشت به او خدمت خواهند نمود،

و کسی که برادر مؤمن خود را بر مرکب خویش سوار کند، خداوند در روز قیامت او را بر ناقه بهشتی سوار خواهد نمود و بر ملائکه مباحث خواهد کرد،

و کسی که برادر مؤمن خود را پس از مرگ از مال خویش کفن کند، مانند این خواهد بود که از زمان ولادت تا زمان مرگ به او لباس پوشانده باشد،

و کسی که برای برادر مؤمن خود همسری فراهم کند تا با او مانوس باشد و آرامش پیدا کند، خداوند محبوب ترین همسر را در قبر مونس او خواهد قرار داد،

و کسی که از برادر مؤمن خود که بیمار شده عیادت کند، ملائکه رحمت الهی اطراف او جمع می شوند و به او دعا می کنند، تا زمانی که از عیادت خود بازگردد و ملائکه به او می گویند:

پاک شدی و بهشت برای تو گوارا باشد. سپس فرمود: به خدا سوگند بر آوردن حاجت مؤمن نزد خداوند محبوب تر از دو ماه روزه پیاپی، همراه با اعتکاف در ماه حرام می باشد(۱).

۳۹- پرتگاه جهنم برای کیست ؟

۱- کسی که اهل لواط باشد.

مرحوم صدوق در فقه الرضا(علیه السلام) (که احادیث آن منسوب به آن حضرت است) گوید:

کسی که با جوانی لواط کند عقوبت آن این است که یا در آتش بسوزد و یا دیواری بر او خراب کنند و یا با شمشیر گردن او را بزنند، و خواهر و دختر ملوط ابداً بر او حرام می شود، و روز قیامت در لب جهنم او را به دار می آویزند تا خداوند از حساب خلائق فارغ شود و سپس او را در آتش می اندازند و در هر طبقه ای از آن، عذاب می شود تا به اسفل السافین دوزخ برسد و تا ابد در آنجا معذب خواهد بود(۲).

ص: ۶۲

۱- ... أَبِي رِهَ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ حَاجَةً فَيَحَاجَهُ اللَّهُ بِهَا [فَيَحَاجَهُ اللَّهُ بِيَدًا] وَقَضَى اللَّهُ بِهَا مِائَةَ حَاجَةٍ فِي إِخِيدَاهُنَّ الْجَنَّةُ وَمَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْغَا مَا بَلَغَتْ وَمَنْ أَعَانَهُ عَلَى ظَالِمٍ لَهُ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى إِجَارِهِ الصِّرَاطِ عِنْدَ دَخْلِ الْأَقْدَامِ وَمَنْ سَعَى لَهُ فِي حَاجَةٍ حَتَّى قَضَاهَا لَهُ فَسَرَّ بِقَضَائِهَا فَكَانَ كَأَدْخَالِ الشَّرُورِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَمَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَمَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ

الْجَنَّةِ وَمَنْ كَسَاهُ مِنْ عَزِيٍّ كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَحَرِيرٍ وَمَنْ كَسَاهُ مِنْ غَيْرِ عَزِيٍّ لَمْ يَزَلْ فِي ضَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى الْمَكْسُوفِ مِنَ الثَّوْبِ سِتْرًا وَمَنْ كَفَاهُ بِمَا هُوَ يَمْتَنَّهُ وَكَفُّ وَجْهَهُ وَيَصِلُ بِهِ يَدَيْهِ يُخْدِمُهُ الْوَلَدَانِ وَمَنْ حَمَلَهُ مِنْ رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقِهِ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ يَبْأِيهِ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَمَنْ كَفَّهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَكَأَنَّمَا كَسَاهُ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ إِلَى يَوْمِ يَمُوتُ وَمَنْ زَوَّجَهُ زَوْجَةً يَأْتِسُ بِهَا وَيَسْكُنُ إِلَيْهَا آتَسَهُ اللَّهُ فِي قَبْرِهِ بِصُورِهِ أَحَبَّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَمَنْ عَادَهُ عِنْدَ مَرَضِهِ حَفَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ تَدْعُو لَهُ حَتَّى يَنْصَرِفَ وَ تَقُولُ طِبَّتْ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ وَاللَّهُ لَقَضَاءَ حَاجَتِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ بِاعْتِكَافِهِمَا فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ. (ثواب الاعمال، ص ١٤٦)

٢- ... أروى عن العالم ع أنه قال لو كان ينبغي لأحد أن يرجم مرتين لرجم اللوطي و عليه مثل حد الزاني من الرجم و الحد محصنا أو غير محصن و إذا وجد رجلان عراه في ثوب واحد و هما متهمان فعلى كل واحد منهما مائه جلده و كذلك امرأتان في ثوب واحد و رجل و امرأة في ثوب واحد و في اللواطه الكبرى ضربه بالسيف أو هدمه أو طرح الجدار و هي الإيقاب و في الصغرى مائه جلده و روى أن اللواطه هي التفخذ و أن على فاعله القتل و الإيقاب الكفر بالله و ليس العمل على هذا و إنما العمل على الأولى في اللواط و اتق الزنا و اللواط و هو أشد من الزنا و الزنا أشد منه و هما يورثان صاحبهما اثنين و سبعين داء في الدنيا و في الآخرة و يجلد على الجسد كله إلا الفرج و الوجه فإن عادا جلدا مائه مائه فإن عادا قتلا و إن زنيا أول مره و هما محصنان أو أحدهما محصن و الآخر غير محصن ضرب الذي هو غير محصن مائه جلده و ضرب المحصن مائه ثم رجم بعد ذلك قال و أول من يبدأ برجمها الشهود الذين شهدوا عليهما و الإمام فإذا زنى العبد و الجارية جلد كل واحد منهما خمسين جلده محصنين كانا أو غير محصنين و إن عادا خمسين كل واحد منهما إلى أن يزنيا ثمانى مرات ثم يقتلا فى الثامنه و لا يجوز مناكحه الزانى و الزانيه حتى تظهر توبتهما فإن زنى رجل بعمته أو بخالته حرمت عليه أبدا بناتهما و من زنى بذات بعل محصنا كان أو غير محصن ثم طلقها زوجها أو مات عنها و أراد الذى زنى بها أن يتزوج بها لم تحل له أبدا و يقال لزوجها يوم القيامة خذ من حسناته ما شئت و من لا يط بسلام فعقوبته أن يحرق بالنار أو يهدم عليه حائط أو يضرب ضربه بالسيف و لا تحل له أخته فى التزويج أبدا و لا ابنته و يصلب يوم القيامة على شفير جهنم حتى يفرغ الله من حساب الخلائق ثم يلقيه فى النار فيعذبه بطبقه طبقه حتى يؤديه إلى أسفلها فلا يخرج منها أبدا و إذا قبل الرجل غلاما بشهوه لعنته ملائكه السماء و ملائكه الأرض و ملائكه الرحمه و ملائكه الغضب و أعد له جهنم و ساءت مصيرا و فى خبر آخر من قبل غلاما بشهوه ألجمه الله بلجام من نار و اعلم أن حرمه الدبر أعظم من الفرج لأن الله أهلك أمه بحرمة الدبر و لم يهلك أحدا بحرمة الفرج. (فقه الرضا، ص ٢٧٨)

۲- منکر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: روز قیامت صراط را بر شفیق جهنم نصب می کنند و کسی نمی تواند بر روی آن حرکت کند مگر آن که در دست او گذرنامه ی ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد (۱).

۳- مدیر و رئیس غیر عادل

مرحوم صدوق در کتاب عقاب الاعمال از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: کسی که رهبری و سرپرستی قومی را به دست بگیرد و به نیکی درباره آنان عمل نکند به هر روزی از زمان زعامت و سرپرستی خود، هزار سال بر شفیق جهنم خواهد ماند، و چون در قیامت محشور می شود دست های او به گردنش بسته شده و اگر با عدالت رفتار کرده باشد خداوند دستان او را باز خواهد نمود و اگر ظلم کرده باشد به مدت هفتاد خریف در آتش جهنم سقوط می کند (۲).

۴- قاضی و مفتی غیر عادل

مؤلف گوید: قضاوت به معنای حکم بین مردم برای رفع تنازع است با شرائط خاصّی که دارد و منصب قضاوت از مناصب مهمی است که از ناحیه خداوند به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) داده شده و از ناحیه آن حضرت به ائمه اطهار (علیهم السلام) واگذار شده و از ناحیه آنان به فقیه جامع الشرائط داده شده است و آن دارای خطر عظیمی است و روایت شده که قاضی بر شفیق جهنم قرار دارد.

ص: ۶۳

۱- ... و عن عبد الله بن أنس عن جده قال قال رسول الله ص إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على شفیق جهنم لم یجز علیه إلا من معه کتاب بولایه علی بن ابی طالب ع. (کشف الیقین، ص ۳۰۴)

۲- وفی (عقاب الأعمال) بسند تقدم فی عیاده المریض عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث قال: من أكرم أخاه فإنما یكرم الله عز وجل، فما ظنکم بمن یكرم الله عز وجل أن یفعل به و من تولی عرافه قوم " ولم یحسن فیهم خ " حبس علی شفیق جهنم بکل یوم ألف سنه، و حشر و بیده مغلوله إلى عنقه، فإن کان قام فیهم بأمر الله أطلقها الله، وإن کان ظالما هوی به فی نار جهنم سبعین خریفا. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۷)

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت به شریح قاضی فرمود: تو در مجلسی نشسته ای که در آن مجلس جز پیامبر و یا وصی پیامبر و یا انسان شقی نمی نشیند.

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: از حکومت و قضاوت پرهیز کنید، چرا که قضاوت و حکومت مخصوص به امام عالم به قضا و عادل می باشد و آن پیامبر و یا وصی پیامبر است (۱).

۵- اطاعت از طاغوت ها

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: حضرت عیسی بن مریم (علیهما السلام) با اصحاب خود به قریه ای برخورد نمود که همه آنان بلکه پرنندگان و چهارپایان آنان مرده بودند، از این رو به اصحاب خود فرمود: این ها با سخط و غضب الهی مرده اند و اگر تدریجاً مرده بودند همدیگر را دفن می کردند. و حواریین به عیسی (علیه السلام) گفتند: از خداوند بخواه تا آنان را زنده کند و به ما بگویند: اعمال شان چه بوده است که گرفتار عذاب شده اند؟ تا ما از آن اعمال پرهیز کنیم.

پس حضرت عیسی (علیه السلام) دعا کرد و اهل قریه را صدا زد و یکی از آنان جواب داد و گفت: «لئیک یا روح الله» حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: وای بر شما مگر اعمال شما چه بوده است که گرفتار عذاب الهی شده اید؟ آن مرد گفت: «ما طاغوت را اطاعت و عبادت می کردیم و دنیا را دوست می داشتیم و ترس ما از خدا و قیامت کم بود، و آرزوهای ما نسبت به دنیا زیاد بود، و در غفلت و شهوت و بازی و خوشگذرانی به سر می بردیم» حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: علاقه شما به دنیا چگونه بود؟ آن مرد گفت: مانند علاقه بچه به مادر خود بود، و هرگاه دنیا به ما رو می کرد شاد می شدیم و هرگاه به ما پشت می کرد محزون و گریان بودیم.

حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: عبادت شما نسبت به طاغوت ها چگونه بود؟ آن مرد گفت: ما از اهل معصیت اطاعت می کردیم. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: عاقبت و نهایت کار شما چگونه شد؟ آن مرد گفت:

ص: ۶۴

۱- ... و هو الحکم بین الناس لرفع التنازع بینهم بالشرائط الآتیة، و منصب القضاء من المناصب الجلیله الثابته من قبل الله تعالی للنبی صلی الله علیه و آله. و من قبله للأئمة المعصومین علیهم السلام، و من قبلهم للفقیه الجامع للشرائط الآتیة، و لا یخفی أن خطره عظیم، و قد ورد «أن القاضی علی سفیر جهنم» و عن امیر المؤمنین علیه السلام أنه قال: «یا شریح قد جلست مجلساً لا یجلسه إلا نبی أو وصی نبی أو شقی» و عن أبی عبد الله علیه السلام «اتقوا الحکومه فإن الحکومه إنما هی للإمام العالم بالقضاء العادل فی المسلمین لنبی أو وصی نبی» و فی روایه «من حکم فی درهمین بغیر ما أنزل الله عزّ و جلّ فقد کفر» و فی أخرى «لسان القاضی بین جمرتین من نار حتی یقضی بین الناس فاما فی الجنة و إما فی النار» و عن أبی عبد الله علیه السلام قال: «القضاء أربعة: ثلاثة فی النار و واحد فی الجنة، رجل قضی یجور و هو یعلم فهو فی النار، و رجل قضی بجور و هو لا یعلم فهو فی النار، و رجل قضی بالحق و هو لا یعلم فهو فی النار، و رجل قضی بالحق و هو یعلم فهو فی الجنة» و لو کان موقوفاً علی الفتوی یلحقه خطر الفتوی أيضاً، ففی الصحیح قال أبو جعفر علیه السلام: «من أفتی الناس بغیر علم و لا ھدی من الله لعنه

ملائكته الرحمه و ملائكته العذاب، و لحقه وزر من عمل بفتياه». (تحرير الوسيله، ج ٢، ص ٤٠٤)

ما شبی را در عافیت طی کردیم و صبح آن در هاویه جهنم بودیم. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: هاویه چیست؟ او گفت: هاویه سجین است، حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: سجین چیست؟ آن مرد گفت: کوه هایی است از آتش که تا قیامت در آن می سوزیم، حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود:

وای بر تو، چه شد که تو پاسخ مرا دادی؟ آن مرد گفت: یا روح الله بقیه، لجام آتشین بر دهان دارند و به دست ملائکه غلاظ و شداد هستند، و من در دنیا بین آنان بودم و از آنان نبودم و چون عذاب آمد مرا نیز گرفت و من با یک موی خود معلق بر شفیر جهنم هستم و نمی دانم آیا در آتش سقوط می نمایم و یا نجات پیدا می کنم؟ پس حضرت عیسی (علیه السلام) به حواریین فرمود: ای دوستان خدا، خوردن یک قرص نان خشک با نمک بی مقدار و خوابیدن در کنار مزبله با عافیت دنیا و آخرت برای مؤمن بسیار بهتر خواهد بود [از این که خود را گرفتار عذاب ابدی نماید] (۱).

۶- ازدواج همراه با ریا و فخر [و سمعه]

صاحب وسائل از عقاب الاعمال صدوق نقل نمود ه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که از راه حلال و با مهر حلال با زنی ازدواج کند و هدف او فخر نمودن و ریا و نگاه مردم باشد، چنین ازدواجی برای او جز ذلت و خواری و پستی نخواهد داشت و خداوند به اندازه ای که او از آن زن بهره مند شده است، او را بر شفیر جهنم نگه می دارد و سپس به اندازه هفتاد خریف در جهنم سقوط می کند (۲).

۷- منکر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امام باقر (علیه السلام) از پدران خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نمود ه که آن حضرت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یا علی چگونه است حال تو هنگامی که بر کنار جهنم بایستی و صراط

ص: ۶۵

۱- ... عَمَدَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُهَاجِرِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَرَّ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَ عَلَيَّ قَرْيَةَ قَدَمَاتِ أَهْلِهَا وَ طَيْرُهَا وَ دَوَابُّهَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسَيِّئِ خَطِيئَةٍ وَ لَوْ مَاتُوا مُتَّفَرِّقِينَ لَتِدَافَنُوا فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَجَعَلْتَنِيهَا فِدَاعَا عَيْسَى ع رَبَّهُ فَنُودِيَ مِنَ الْجَوِّ أَنْ نَادِيَهُمْ فَقَامَ عَيْسَى ع بِاللَّيْلِ عَلَى شَرَفٍ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ فَقَالَ وَيْحَكُمْ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالَ عِبَادَةُ الطَّاعُوتِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ وَ أَمَلٍ بَعِيدٍ وَ غَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَ لَعِبٍ فَقَالَ كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَ سُرِرْنَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنًا وَ حَزِنًا قَالَ كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُوتِ قَالَ الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي قَالَ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ قَالَ بَشْنَا لَيْلَهُ فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ فَقَالَ وَ مَا الْهَآوِيَةُ فَقَالَ سَجِّينٌ قَالَ وَ مَا سَجِّينٌ قَالَ جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تُوَقَّدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَمَا قُلْتُمْ وَ مَا قِيلَ لَكُمْ قَالَ قُلْنَا رُدُّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَرْهَدَ فِيهَا قِيلَ لَنَا كَذَبْتُمْ قَالَ وَيْحَكَ كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكِهِ غَلَاظٍ شَدَادٍ وَ إِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي

مَعَهُمْ فَأَنَا مَعْلُقٌ بِشَعْرِهِ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَا أَدْرِي أَكَبِّكَ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا فَالْتَفَتَ عِيسَى عَ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ فَقَالَ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَكُلُ
الْخُبْزِ الْيَابِسِ بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَ النَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (كافي، ج ٢، ص ٣١٨)

٢- ... وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادِهِ السَّابِقِ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: مَنْ نَكَحَ امْرَأَةً حَلَالًا بِمَالٍ حَلَالٍ - غَيْرَ أَنَّهُ أَرَادَ
(بِهِ) فُخْرًا وَ رِيَاءً (وَ سَمِعَهُ) - لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ بِذَلِكَ إِلَّا ذُلًّا وَ هَوَانًا - وَ أَقَامَهُ بِقَدْرِ مَا اسْتَمْتَعَ مِنْهَا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ - ثُمَّ يَهْوَى بِهِ فِيهَا
سَبْعِينَ خَرِيفًا. (وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٤٢، ح ١١)

را بر روی جهنم قرار بدهند ، و به مردم گفته شود: از صراط عبور کنید، و تو به جهنم بگویی: این از آن من و این از آن تو؟ پس امیرالمؤمنین (علیه السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض می کند:

یا رسول الله ، کیانند آنان که من به جهنم می گویم: این از آن من؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آنان شیعیان تواند و آنان همه جا با تو هستند(۱).

ابن عباس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: روز قیامت من و علی بر صراط می ایستیم و به دست هر کدام از ما شمشیری است و هر کس از خلق خدا بخواهد از صراط عبور کند ، ما از او نسبت به ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) سؤال خواهیم نمود ، پس هر کس دارای چیزی از ولایت علی (علیه السلام) باشد نجات می یابد و رستگار می شود و گر نه ما گردن او را می زنیم و او را در آتش می افکنیم سپس این آیه را تلاوت نمود

«وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُشْتَسِلُونَ» .

صاحب کتاب تاویل الآیات گوید: این تاویل دلالت می کند که ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر جمیع خلق خدا واجب است پس او افضل از همه خلق خداست جز خاتم پیامبران و مرسلین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) (۲).

۴۰- فتوای بدون علم

ابن حجاج گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: از دو خصلت دور باش [و خود را گرفتار آنها مکن] چرا که به خاطر این دو خصلت کسانی هلاک شده اند و تو به ترس از این که [بدون دلیل و] با رأی خود فتوا بدهی، و یا به چیزی که نمی دانی [از دین است] متدین شوی و آن را از دین خود بدانی (۳).

ص: ۶۶

۱- [الأمالی للشیخ الطوسی] الْمُفِيدُ عَنِ الْمُظْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْوَرَّاقِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيِّ عَنِ عُمَرَ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبُرْسِيِّ عَنِ النَّضْرِ عَنِ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَيْفَ بِكَ يَا عَلِيُّ إِذَا وَقَفْتَ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَقَدِمْتَ الصَّرَاطَ وَقِيلَ لِلنَّاسِ جُوزُوا وَقُلْتَ لِجَهَنَّمَ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ فَقَالَ عَلِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَوْلَيْكَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ شِيعَتُكَ مَعَكَ حَيْثُ كُنْتُ. (بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۹۸، بشاره المصطفی، ص ۴۸)

۲- ... و ذکر أيضا في الكتاب المذكور حديثا يرفعه بإسناده عن عبد الله بن عباس رضي الله عنه قال قال رسول الله ص إذا كان يوم القيامة أقف أنا و علي على الصراط بيد كل واحد منا سيف فلا يمر به أحد من خلق الله إلا سألتناه عن ولاية علي فمن كان معه شيء منها نجا و فاز و إلا- ضربنا عنقه و ألقيناه في النار ثم تلا- وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُشْتَسِلُونَ. و هذا التأويل يدل على أن ولاية أمير المؤمنين مفترضه على الخلق أجمعين و إذا كان الأمر كذلك فيكون أفضل منهم ما خلا خاتم النبيين و سيد المرسلين جعلنا الله و إياكم من الموالين المحبين له و لذريته الطيبين إنه أسمع السامعين و أرحم الراحمين. (تاویل الآيات شرف الدين حسيني ص ۴۸۴)

۳- ... وَقَالَ ع خَصِي لَتَيْنِ مُهْلَكَتَيْنِ تَفْتِي النَّاسَ بِرَأْيِكَ أَوْ تَدِينُ بِمَا لَمَّا تَعَلَّمْ. (مستدرک سفینه ج ۸/۱۲۶، بحار الانوار ج ۷۵،

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: کسی که با رأی خود برای مردم فتوا بدهد، دیانت خود را بر اساس جهل و نادانی قرار داده و چنین کسی ضدّ خدا خواهد بود، چرا که ندانسته چیزی را حلال و یا حرام دانسته است (۱).

و در روایات آمده که مفتی بدون علم در طبقه ششم دوزخ جای دارد، و کسی که بدون علم فتوا بدهد ملائکه آسمان و ملائکه زمین او را لعنت می کنند (۲).

و در وصایای امام صادق (علیه السلام) به عنوان بصری آمده که فرمود: «و ایتاک أن تعمل برأیک شیئاً، و خذ بالاحتیاط فی جمیع ما تجد إلیه سبیلاً، و اهرب من الفتیا هربک من الأسد، و لا تجعل رقبتک للناس جسراً» (۳).

یعنی: به پرهیز از این که به رأی خود عمل کنی، و در جمیع امور خود تا می توانی به احتیاط عمل کن، و از فتوا دادن فرار کن همان گونه که از شیر فرار می کنی، و گردن خود را پلی برای عبور مردم قرار مده.

اقول: و هذا ما اخترناه من «أربعین حدیثاً» اوصانا رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بحفظها قد جمعناها بحول الله و قوّته و نقول: اللهم تقبل من عبدك الضعيف الدليل بفضلک و کرمک و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطاهرين و جعلته هدیة منی لوالدی و من وجب حقه علیّ و لله الحمد أوّلاً و آخراً .

و در پایان از خداوند توفیق عمل به این احادیث را خواستاریم و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم.

ص: ۶۷

۱- قرب الإسناد: عن الصادق (علیه السلام): من أفتی الناس برأیه فقد دان بما لا یعلم، و من دان بما لا یعلم فقد ضاد الله حیث أحل و حرم فیما لا یعلم. (همان، ص ۱۲۷، و بحار، ج ۲، ص ۲۹۹)

۲- ... فی أن مکانه فی الدرک السادس من النار. الروایات الشریفه بأن من أفتی بغير علم، لعنته ملائکه السماوات والأرض. (همان، و بحار، ج ۲، ص ۱۱۶)

۳- (مستدرک سفینه، ج ۸، ص ۱۲۸، بحار الانوار ج ۱، ص ۲۳۰)

- ۱- الحج و الزیاره [آداب حجّ و زیارت حرمین شریفین] [عربی]
- ۲- میزان الحق یا حقیقت مظلوم [فارسی عربی]
- ۳- آیات الفضایل یا فضایل علی علیه السلام در قرآن [فارسی عربی]
- ۴- دوله المهدی یا حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف [فارسی عربی]
- ۵- اسوه النساء، بانوی نمونه عالم [فارسی عربی]
- ۶- امام الشهداء و سالار شهیدان [فارسی عربی]
- ۷- انتظار مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور [فارسی عربی]
- ۸- شهید خراسان و پناه شیعیان [فارسی عربی]
- ۹- عاشقان کربلا، زیارت عتبات عالیات
- ۱۰- آیین همسررداری و آداب زندگی در اسلام [فارسی عربی]
- ۱۱- بشارت های معصومین علیهم السلام [فارسی عربی]
- ۱۲- مژده های رحمت در قرآن همراه خطبه غدیر [فارسی عربی]
- ۱۳- محرّمات اسلام [فارسی عربی]
- ۱۴- ماه های رحمت [ترجمه «فضائل الأشهر الثلاثة» شیخ صدوق رحمه الله] [فارسی عربی]
- ۱۵- امام صادق علیه السلام [ترجمه «الإمام الصادق علیه السلام» علامه مظفر] [فارسی]
- ۱۶- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله [ترجمه «مناقب آل ابی طالب علیهم السلام» علامه ابن شهر آشوب]
- ۱۷- واجبات اسلامی [فارسی عربی]
- ۱۸- پیام های قرآنی، یک صد و ده پیام نورانی قرآن
- ۱۹- رهبران معصوم علیهم السلام

۲۰- راه خدا شناسی

۲۱- خطبه غدیر [با ترجمه فارسی]

۲۲- بشارت های مهدویت [فارسی عربی]

۲۳- در پناه قرآن

۲۴- فتنه های آخر الزمان [فارسی عربی]

۲۵- راه بهشت

۲۶- اخلاق و سیره محمدی صلی الله علیه و آله

۲۷- دفاع از مقام ولایت

ص: ۶۸

۲۸- سخت ترین امتحان [ترجمه «مصادقه الإخوان شیخ صدوق رحمه الله»]

۲۹- حکومت های جهانی قبل از قیامت

۳۰- زنان نمونه

۳۱- کشکول عجائب

۳۲- تفسیر اهل البيت عليهم السلام [۸ جلدی]

۳۳- خواص سور

۳۴- چهل حدیث

۳۵- رساله فی الحلال و الحرام

۳۶- حقیقت مظلوم

ص: ۶۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

